

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

۱. دکتر محمدباقر آخوندی
۲. دکتر حبیب اله احمدی
۳. دکتر بی بی اقدس اصغری
۴. دکتر محمد بهنام فر
۵. دکتر محمدعلی بیدختی
۶. دکتر هادی پورشافعی
۷. دکتر محمدتقی راشد محصل
۸. دکتر مفید شاطری
۹. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی
۱۰. دکتر احمد کامیابی مسک
۱۱. دکتر محمدرضا مجیدی
۱۲. دکتر جواد میکانیکی
- استادیار جامعه شناسی دانشگاه بیرجند
- استاد جامعه شناسی و برنامه ریزی شهری دانشگاه شیراز
- استادیار مردم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد
- استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند
- استادیار پژوهش و هنر دانشگاه بیرجند
- دانشیار علوم تربیتی دانشگاه بیرجند
- استاد فرهنگ و زبان های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه بیرجند
- دانشیار تاریخ دانشگاه بیرجند
- استاد تئاتر و ادبیات دانشگاه تهران
- دانشیار گروه مطالعات منطقه ای دانشگاه تهران
- دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه بیرجند

مترجم و ویراستار انگلیسی: الهه توشه

ویراستار ادبی و فنی: سید نورالله نصراللهی

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

امور فنی: انتشارات چهاردرخت

لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه فرهنگی - هنری افق هزاره سوم کویر

شمارگان: ۱۰۰

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

خراسان جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳ دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۷۷

سامانه پست الکترونیک فصلنامه: pazhoheshkhorasanj@farhangmail.ir

وبگاه: <http://Farhangekhorasan.ir>

آراء و نظرهای مندرج در این شماره مبین نظرها و آرای فصلنامه نیست. نویسندگان و مترجمان، مسؤول نظرهای مندرج در نوشته خود هستند. نوشته های ارسالی که مناسب چاپ نباشند، پس فرستاده نمی شوند. فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

استادیار دانشگاه بیرجند	- دکتر محمدباقر آخوندی
استادیار دانشگاه بیرجند	- دکتر محمد اسکندری ثانی
دانشیار دانشگاه بیرجند	- دکتر مرتضی اسماعیل نژاد
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد	- دکتر بی بی اقدس اصغری
استادیار دانشگاه بیرجند	- دکتر محمدجواد اصغری ابراهیم آباد
استاد دانشگاه بیرجند	- دکتر محمد بهنام فر
استادیار دانشگاه بیرجند	- دکتر محمد حجی پور
استادیار دانشگاه پیام نور بوشهر	- دکتر یعقوب زارعی
دانشیار دانشگاه بیرجند	- دکتر زهرا علیزاده بیرجندی
دانشیار دانشگاه بیرجند	- دکتر جلیل اله فاروقی هندوالان
استادیار دانشگاه فرهنگیان بیرجند	- دکتر ایرج مهدیزاده
دانشیار دانشگاه ارومیه	- دکتر فرزانه میکائیلی منیع
دانشیار دانشگاه بیرجند	- دکتر جواد میکائیکی
دانشیار دانشگاه بیرجند	- دکتر حامد نوروزی

به استناد نامه‌ی شماره ۱۳۹۶۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۴

کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه "مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان" حائز درجه علمی - ترویجی گردیده است. پروانه انتشار این مجله به شماره ۹۲/۷۲۶۰ مورخ ۹۲/۳/۲۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است. فصلنامه مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی www.srlst.com و پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور به نشانی ww.inti@magiran.com و پایگاه مجلات تخصصی نور به نشانی www.noormags.com نمایه می‌شود.

شرایط پذیرش مقاله

فصلنامه علمی "مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان"، مقاله‌هایی در موضوعاتی با جهت‌گیری فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم، تاریخ، جغرافیا و آموزش در گستره‌ی خراسان که با توجه به نکات زیر تدوین شده باشد، منتشر می‌کند.

۱. ساختار مقاله دارای چکیده، مقدمه، بیان مسأله، روش‌شناسی، یافته‌ها، نتیجه، منابع و نیز ارجاعات دقیق و در صورت لزوم پیوست‌ها باشد.

۲. مقاله در محیط واژه‌پرداز Microsoft Word 2007 و قلم B nazanin، اندازه ۱۴ از طریق رایانامه حداکثر ۲۰ صفحه و هر صفحه ۲۴ سطر باشد.

۳. چکیده فارسی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه باشد و چکیده انگلیسی هم، همراه مقاله باشد.

۴. معادل‌های لاتین اسامی غیر فارسی و اصطلاحات غیر رایج با علامت شماره‌گذاری مستقل برای هر صفحه، در پانویس آورده شود.

۵. جداول، نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌ها (حداقل درجه وضوح ۳۰۰ dpi)، با شماره و عنوان گویا آورده شود.

۶. ارجاعات درون‌متنی با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال نشر منبع و شماره صفحه مورد استفاده، درون کمانک آورده شود. مثال: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).

۷. فهرست منابع در انتهای مقاله و بر اساس حروف الفبا همراه با مشخصات کامل کتابشناختی مطابق نمونه‌های ذیل آورده شود.

۱-۷- کتاب

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۹). *از سیر تا پیاز*. تهران: نشر علم.

۲-۷- مقاله

شاطری، مفید (۱۳۸۵). "گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان". *فرهنگ خراسان جنوبی*، سال اول،

ش ۱ (بهار): ۴۹-۶۶.

۳-۷- مجموعه مقالات همایش

میکانیکی، جواد (۱۳۸۹). "اثرات مهاجرت‌های روستایی بر ساختار جمعیتی و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش مهاجرت، نظم و امنیت، ج ۱. مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی: ۷۳-۹۱.

۴-۷- پایان‌نامه

علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۷۰). "روبارویی اهل شریعت و اهل طریقت در عصر صفوی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۵-۷- گزارش‌های چاپ نشده

سروش، محمدرضا (۱۳۸۵). گزارش فصل اول آواربرداری قلعه کوه قاین. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی [چاپ نشده].

۶-۷- وب‌گاه‌های اینترنتی

فاضلی، نعمت (۱۳۸۶). «شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی». [پیوسته] قابل دسترس در:

[http://www.farhangshenasi.com/article/s/9/5/html\[1388/8/2\]](http://www.farhangshenasi.com/article/s/9/5/html[1388/8/2])

۸. نام و نام خانوادگی، وابستگی سازمانی نویسندگان، میزان تحصیلات و رشته مربوطه، نشانی کامل پستی (نام استان، شهر، رایانامه)، شماره تلفن ثابت یا همراه و دورنگار نویسنده بر روی صفحه‌ی جداگانه درج گردد. چنانچه مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد، ضمن مشخص کردن نویسنده مسؤول عهده‌دار مکاتبات، اسامی سایر نویسندگان هم به ترتیب ذکر شود.

۹. مقاله ارسالی نباید به منظور چاپ به دیگر مجلات ارسال شده باشد.

مقاله‌های دریافت شده، نخست توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورت تأیید، برای دو نفر از داوران صاحب‌نظر ارسال خواهد شد. مقاله‌ها ابتدا به ترتیب تاریخ دریافت و سپس به ترتیب دریافت نظر مثبت داوران منتشر می‌شوند.

فهرست مطالب

مطالعه‌ی زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری فرایند طلاق (مورد مطالعه: شهر مشهد)	
محمدباقر آخوندی، فاطمه همتی	۷
دین‌داری و انزوای اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان شهر مشهد)	
سیدعلیرضا افشانی، حسین عباس‌نژاد	۳۰
تحلیل انباشت سرمایه وقف در نواحی خراسان جنوبی	
محمد حجی‌پور، جواد کریمی‌پور، گلزار حجی‌پور، فاطمه نعمتی	۶۰
تحلیل و ارزیابی پایداری اجتماعی با رویکرد توسعه پلیدار شهری (مورد مطالعه: شهرستان‌های استان خراسان شمالی)	
کرامت‌الله زیاری، رباب ملکی، ابراهیم معمری	۷۷
سنجش عدالت فضایی شهرستان‌های استان‌های منطقه ۹ آمایش سرزمین (خراسان بزرگ) براساس شاخص‌های قانون استفاده متوازن کشور	
محمد غفاری‌فرد، اسلام‌الدین رضایی، احمد هومان	۱۰۳
بررسی ضرب‌المثل‌های گویش گریمنج از منظر علم بیان	
طاهره میرزائی	۱۲۷

مطالعه‌ی زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری فرایند طلاق

مورد مطالعه: شهر مشهد

محمدباقر آخوندی^۱

فاطمه همتی^۲

سال چهاردهم، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۸

شماره صفحه: ۷-۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۳۱

چکیده

بررسی‌های صورت گرفته در خصوص طلاق در مشهد نشان می‌دهد که از سال ۱۳۹۰ تاکنون شاهد سیر صعودی طلاق هستیم. به‌عنوان مثال، در سال ۱۳۹۰، تعداد طلاق‌های ثبت شده ۱۳۸۰۹ مورد بوده است که در مقایسه با سال گذشته ۳/۷٪ رشد داشته است. با توجه به آمارهای موجود، مشاهده می‌شود که جامعه ما در زمینه طلاق از وضعیت مناسبی برخوردار نیست و نرخ طلاق سیر صعودی دارد و نیازی به پژوهش در این زمینه احساس می‌شود. به همین دلیل، هدف اصلی پژوهش مطالعه‌ی زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری فرایند طلاق است. این پژوهش کیفی و به روش داده‌بنیاد انجام شده است و برای این منظور ۴۰ نفر نمونه‌ی طلاق گرفته یا در حال طلاق در شهر مشهد به روش نمونه‌گیری نظری و گلوله‌برفی و با استفاده از مصاحبه‌ی عمیق و باز، مورد مطالعه قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نظریه‌ی مبنایی و در قالب مدل پارادایمی استروس و کوربین، نشان داد که نقاط آغازین در طلاق، عبارتند از سردی در روابط زناشویی، عوامل شخصیتی، پنهان‌کاری، عدم بهبود زندگی، تغییرات منفی، سوء ظن، حس به خیانت، اشتباه در تعیین مصداق و افشای دروغ. همچنین بسترها و زمینه‌های طلاق شامل زمینه‌ها و بسترهای روانی، شخصیتی، خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی است. علاوه بر

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه بیرجند akhondi@birjand.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه بیرجند، نویسنده مسؤول f.hematii95@gmail.com

این، عوامل مداخله‌گر طلاق در بردارنده‌ی دخالت اطرافیان، ازدواج اجباری، نارضایتی والدین در ازدواج، شفاف‌سازی حقایق، ناکامی در آرزوها، تصمیم برای جدایی، تنش در خانواده، تعهد، قبح طلاق، هراس، تلاش برای حفظ زندگی، بخشش و اعتقاد به تحصیلات دانشگاهی است.

واژگان کلیدی: روش داده‌بنیاد، طلاق، نمونه‌گیری نظری

مقدمه

خانواده نهادی است که با ازدواج شکل گرفته، انسان در آن رشد می‌کند، آموزش می‌بیند و شخصیتش شکل می‌گیرد، بنابراین در بیشتر کشورها از نقش مهمی برخوردار است. ازدواج در اکثر ادیان مقدس و مهم است و بر آن تأکید شده است، زیرا باعث می‌شود که افراد غریزه خویش را کنترل کنند و مانع از انحرافات اخلاقی می‌شود، هم‌چنین برای تولید نسل نیز بسیار حائز اهمیت است. "پیامبر می‌فرماید: «بغض الاشیاء عندی الطلاق» بدترین امور برای من طلاق است". اگر جامعه‌ای به سوی افزایش طلاق رود، بی‌هیچ شبهه‌ای، در آستانه بحران قرار دارد. بدین‌سان به درستی می‌توان گفت میزان طلاق، نشانه‌ی دقیق سلامت یا بیماری جامعه است (باستانی، ۱۳۷۶: ۱۲).

با توجه به آمارهای ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران، استان خراسان رضوی در ثبت واقعه طلاق بعد از استان تهران، رتبه دوم را دارد، به‌طوری که در سال ۱۳۹۱ تعداد طلاق ثبت شده برابر با ۱۴۸۳۴ مورد بوده است که ۱۰٪ کل طلاق‌های کشور را در برمی‌گیرد. از این تعداد، ۸۴/۸٪ در نقاط شهری و ۱۵/۳٪ در نقاط روستایی رخ داده است. در سال ۱۳۹۰، تعداد طلاق‌های ثبت شده ۱۳۸۰۹ مورد بوده است که در مقایسه با سال گذشته، ۳/۷٪ رشد داشته است. همین آمار اجمالی نشان از تهدید مسأله‌ی افزایش سالانه طلاق در این استان و بویژه شهر مشهد دارد که با توجه به آن حائز اهمیت بسیاری است (اسکافی، ترکمان و ساروخانی، ۱۳۹۴: ۲۳۰).

فرایند طلاق در طی زمان و در قالب مراحل خاصی اتفاق می‌افتد و به احتمال زیاد ویژگی آن عبارت است از فشار روانی فراوان، دوسوگرایی، دودلی، تردید به‌خود و عدم یقین، حتی زمانی

که طرفین قبول دارند که این رابطه را نمی‌توان نگه داشت. کرسل^۱ در سال ۱۹۸۵ فرایند طلاق را به‌عنوان یکی از شاق‌ترین تکالیفی می‌داند که از فردی عاقل انتظار می‌رود آن را انجام دهد. در واقع، به‌صورت کلی می‌توان علل و عوامل مؤثر در طلاق را این‌گونه ذکر کرد که شامل مسائل و مشکلات مالی و اقتصادی، اعتیاد، خشونت و بد رفتاری مردان، وجود همسر جدید، دخالت‌های دیگران، عدم تعلق خاطر زن و مرد به همدیگر، افزایش آگاهی زنان از حقوق خود، اختلاف سلیقه بین زوجین، نگاه مردسالارانه جامعه نسبت به زنان و دختران، عدم همسانی در ازدواج، تشریفات ازدواج، بیماری روانی شدید یکی از زوجین، برطرف نشدن نیاز جنسی یکی از زوجین، نگرش مثبت به طلاق، روابط جنسی خارج از سامانه خانواده، عدم شناخت کافی زوجین قبل از ازدواج از یکدیگر و عدم درک تفاوت‌ها می‌باشد (کریمی، ۱۳۹۴: ۳۳).

از سوی دیگر، کارکردهای پنهان و نامناسب پدیده طلاق در طبقات اجتماعی موجب شده است تا ازدواج کاهش یابد. علاوه بر کاهش ازدواج، مسائل متعددی را برای جامعه به‌وجود آورده است، زیرا طلاق در طبقات اجتماعی به یک مسأله جدی تبدیل شده و با گسترش خود مشکلاتی را به جامعه تحمیل نموده است (آقاجانی مرسا، ۱۳۸۷: ۱۱).

نوع تربیت در خانواده و محیط خانوادگی در شکل‌گیری هویت و شخصیت فرد تأثیرگذار است. در واقع، باعث جامعه‌پذیری و درونی کردن ارزش‌ها در فرد می‌شود. بنابراین هر پژوهشی که در جهت کمک به خانواده و سلامت جامعه باشد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا خانواده از مهمترین ارکان جامعه است و اولین مرحله اجتماعی شدن و تربیت افراد در خانواده اتفاق می‌افتد. وقتی بنیان خانواده حفظ شود و جامعه‌پذیری افراد به‌درستی انجام شود، آنگاه جامعه‌ای سالم و موفق خواهیم داشت. مطالعات انجام شده در زمینه طلاق این نکته را بیان می‌کنند که این پدیده باعث نابودی خانواده و ضربه به شخصیت فرد می‌شود و آسیب‌های فردی و اجتماعی فراوانی برجای می‌گذارد.

اهمیت این پژوهش از آن جهت است که سعی دارد نشان دهد، طلاق فرایندی است و به یکباره اتفاق نمی‌افتد. بدین معنی که طلاق از نقطه‌ای آغازین شروع و باعث می‌شود فرد ابتدا در ذهنش به طلاق فکر کند و به تدریج قید تمام وابستگی‌ها و سال‌های زندگی مشترک را بزند، تا مرحله آخر که طلاق قانونی و پایان زندگی مشترک است.

ضرورت این تحقیق به این دلیل است که خانواده از ارکان مهم و حیاتی هر جامعه است و سلامت و پیشرفت جامعه با وجود خانواده‌های سالم تضمین می‌شود و اگر طلاق در جامعه‌ای زیاد شود، آسیب‌ها و عوارض گاه جبران‌ناپذیری را برای افراد و جامعه به دنبال دارد. وقتی طلاق در جامعه‌ای فزونی می‌یابد، رهبران جوامع، سیاست‌مداران و جامعه‌شناسان و ... این خطر را احساس کرده و به دنبال شناخت عوامل و کم کردن این پدیده منفی هستند، ولی متأسفانه در جامعه‌ای ما با تلاش‌های زیادی که در راستای کاهش طلاق صورت گرفته و تحقیقات و پژوهش‌های زیادی که انجام شده است، آمارها و نمودارها، نشان می‌دهد که هم‌چنان طلاق با شدت زیاد و همه‌گیر ادامه دارد که این خود نشان دهنده نقصی در کار است.

هدف این پژوهش، مطالعه زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری فرایند طلاق در زوجین مطلقه یا در حال طلاق شهر مشهد می‌باشد و اهداف فرعی مبتنی بر الگوی پارادایمی استروس و کوربین^۱ عبارتند از:

- ۱- کشف نقاط آغازین فرایند طلاق در شهر مشهد
- ۲- یافتن زمینه‌های ایجاد و رشد طلاق در شهر مشهد
- ۳- کشف عوامل مداخله‌گر در ایجاد و رشد طلاق در کلان‌شهر مشهد

سؤالات تحقیق

- ۱- آغازگاه‌ها (علل دور) طلاق در زوجین مطلقه یا در حال طلاق شهر مشهد، کدامند؟
- ۲- بسترهای شکل‌گیری فرایند طلاق در زوجین مطلقه یا در حال طلاق شهر مشهد کدامند؟
- ۳- عوامل مداخله‌گر طلاق در زوجین مطلقه یا در حال طلاق شهر مشهد کدامند؟

پیشینه پژوهش

شیرزاد و کاظمی‌فر (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «مطالعات همه‌گیرشناسی زوجین در حال طلاق ارجاعی به اداره کل پزشکی قانونی استان همدان در سال ۱۳۷۹» که با مصاحبه بالینی و تکمیل پرسشنامه انجام گرفته است، به مطالعه‌ی طلاق پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ۵۰٪ علت طلاق، اعتیاد است. در این پژوهش مشاهده شد که کمترین درخواست طلاق در اسفندماه (۱/۷٪) و بیشترین درخواست طلاق در مردادماه (۱۵/۶٪) است. میانگین سن خانم‌ها در زمان ازدواج ۱۸/۸۳ سال و میانگین سنی آنها در زمان طلاق ۲۵/۵۸ سال است و در آقایان میانگین سنی در زمان ازدواج ۲۵/۳۱ سال و میانگین سنی در زمان طلاق ۳۱/۸۱ سال است. طول مدت زندگی زناشویی از زمان ازدواج تا زمان درخواست طلاق، ۶/۷۲ سال محاسبه گردید. ۷۱/۲٪ افراد مورد مطالعه ساکن شهرها و ۲۸/۷٪ آنها ساکن روستاها بوده‌اند. ۱۹۶ نفر از زوجین (۴۷/۶٪) در زمان درخواست طلاق بدون بچه و ۲۱۵ (۵۲/۴٪) از آنها حداقل دارای یک بچه بوده‌اند.

در تحقیق فوق مشاهده شده است که در اسفندماه طلاق کمتر و در مردادماه طلاق بیشتر اتفاق می‌افتد. همچنین در پژوهش فوق، فقر اقتصادی، بیکاری و اعتیاد از شایع‌ترین علل طلاق ذکر شده است، از این‌رو، می‌توانیم به این نکات توجه و آن را در پژوهش‌مان ملاک قرار دهیم و به شایع‌ترین علل طلاق نیز توجه کنیم.

بخشی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «سنجش ایستار مردم ۱۸ تا ۶۵ ساله شهری مشهد به طلاق در سال ۱۳۸۳ و عوامل مؤثر بر آن» پرداخته است. برای سنجش متغیر وابسته (نگرش به طلاق) و برخی از متغیرهای مستقل مهم یا مبهم از طیف لیکرت استفاده شد و دیگر متغیرهای مستقل به‌وسیله‌ی یک یا چند پرسش چندجوابی مورد سنجش قرار گرفتند. پس از طرح مسأله و تعاریف اولیه با استفاده از نظرات دورکیم^۱ و چشم‌اندازهای کارکردگرا، تعامل‌گرا و

تبادلی چارچوب نظری تحقیق مشخص و تبیین نظری آن مطرح شده است. ابزار سنجش پرسشنامه به شیوه‌ی مصاحبه حضوری است که از جمعیت نمونه که به شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده بود، پرسیده شده است. یافته‌های تحقیق مطرح شده عبارتند از با بالا رفتن سن، میزان رضایت از زناشویی و پرهیز فرد در روابط خود با جنس مخالف بیشتر و نگرش به طلاق سخت‌گیرانه‌تر می‌شود و با افزایش سطح تحصیلات، نگرش به طلاق سهل‌گیرانه‌تر می‌شود.

مشکی و دیگران (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه شهرستان گناباد در سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۸»، ۶۷ عامل مؤثر بر طلاق را مورد بررسی قرار دادند. این پژوهش یک مطالعه‌ی توصیفی-تحلیلی از نوع مقطعی است و با روش نمونه‌گیری سرشماری انجام گرفته است و جامعه آماری شامل ۸۱ زن و ۴۲ مرد مطلقه است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شناخت ناکافی از همسر، عدم تفاهم، دخالت فامیل و دیگران در زندگی، بیکاری، اجباری بودن ازدواج، کمبود مهارت زندگی، اعتیاد، سن پایین ازدواج، شهرنشینی، بیماری‌های جسمی یا روانی، کمبود مهارت‌های جنسی و ارتباط در ازدواج، عامل طلاق بوده است. بیشترین میزان طلاق در گروه سنی ۲۱-۲۵ سال و بعد از آن در گروه ۳۰-۲۶ سال اتفاق افتاده است. ۶۲٪ طلاق‌ها در گروه سنی ۲۰-۳۰ سال رخ داده است و کمترین سن طلاق ۱۳ سال و بیشترین سن طلاق ۷۶ سال بود. ۸۷٪ از پدران و ۹۲٪ از مادران زوجین مطلقه سطح سواد کمتر از دیپلم داشتند. بیش از نیمی از خانواده‌ها (۵۴٪) با طلاق فرزندان‌شان موافق بودند.

در پژوهش مذکور به عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فردی که در طلاق تأثیرگذار است، توجه شده است و این گستردگی ابعاد و پراکندگی عوامل، احتمال خطا را افزایش می‌دهد و توجه پژوهشگر را از عوامل مهم و تأثیرگذار دور می‌کند. یکی از نقاط قوت این تحقیق، استفاده از مطالعه توصیفی-تحلیلی است که باعث کشف شروع پدیده طلاق می‌شود. نکته جالب در پژوهش فوق این است که بیشتر خانواده‌ها با طلاق فرزندان‌شان موافقت نمی‌توانیم به این نکته در پژوهش‌مان توجه کنیم.

محسن‌زاده، محمدنظری و عارفی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه)» به تأثیرات نارضایتی زناشویی پرداخته‌اند. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش نظریه مبنایی انجام گرفته است. از ۲۸ زوج متقاضی طلاق در شهر کرمانشاه که به روش نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس انتخاب شده، با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت‌دار مورد مطالعه قرار گرفتند. روش غالب تحلیل داده‌ها روش پژوهشی، تحلیل مقایسه‌ای پیوسته است. گستره سنی زنان ۱۸-۴۲ با میانگین ۲۸/۹ سال، گستره سنی مردان ۲۳-۴۵ با میانگین ۲۷/۶ سال و مدت ازدواج ۲-۱۸ سال با میانگین ۶/۱ سال بود.

از بین ۲۸ زوج به استثنای دو نفر، تمامی متقاضیان طلاق، زنان بودند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های نظریه داده‌بنیاد نشان داد که دو دسته از عوامل، نارضایتی زناشویی را رقم می‌زنند:

۱- عوامل قبل از ازدواج شامل ازدواج با انگیزه نامناسب (فرار از فشارهای اجتماعی مجرد ماندن و فضای ناخوشایند خانه پدری)

۲- ازدواج اجباری و عوامل بعد از ازدواج شامل تعارض با خانواده همسر، حضور اندک شوهر در منزل و تداوم معاشرت مجردي، تعارض بر سر نگرش‌های نقش جنسیتی، خشونت زناشویی، خیانت، بدگمانی و مشکلات مالی. به‌علاوه یافته‌ها حاکی از این بود که تنها چهار عامل اعتیاد، خیانت، خشونت و تعارض شدید با خانواده همسر، باعث اقدام عملی متقاضیان طلاق برای پایان دادن به رابطه‌ی زناشویی می‌شود.

در تحقیق فوق روش غلب تحلیل داده، روش تحلیل مقایسه‌ای است که کمک می‌کند تفاوت‌ها را مشاهده کنیم. از طرف دیگر، روش این پژوهش کیفی-داده‌بنیاد است.

- عنایت، نجفی اصل و زارع (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر طلاق زودهنگام در بین جوانان شهری، شهر بوشهر (مقایسه دو گروه افراد طلاق گرفته و متأهل طلاق نگرفته)» که از نوع تحقیقات همبستگی-مقایسه‌ای است و در آن به مقایسه بیان روابط بین متغیرها و توصیف شرایط و وضعیت اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و فردی دو گروه از جوانان

طلاق گرفته (به عنوان گروه تجربی) و طلاق نگرفته (به عنوان گروه گواه) که از ازدواج آنها کمتر از ۳ سال نگذشته، پرداخته‌اند. جامعه آماری تحقیق، شامل کلیه افراد بین گروه سنی ۱۵ تا ۳۴ سال ساکن در نقاط شهری بوشهر در سال ۱۳۹۰ می‌باشد. حجم نمونه ۴۰۰ نفر بودند که از بین دو گروه (طلاق گرفته و طلاق نگرفته به صورت مساوی) با استفاده از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. روش جمع‌آوری اطلاعات تلفیقی از روش اسنادی و پیمایشی است و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، بخش میدانی از نوع پرسشنامه و مصاحبه بود. براساس یافته‌ها، بیشتر پاسخگویان متأهل (۵/۵۹٪) و بیشتر پاسخگویان طلاق گرفته (۵/۵۸٪) در رده سنی ۲۶ تا ۳۵ سال قرار دارند. میانگین سن ازدواج در بین پاسخگویان متأهل (۲۷/۵۵)، پایین‌تر از میانگین سن ازدواج در بین پاسخگویان طلاق گرفته (۲۸/۰۵) می‌باشد. هم‌چنین پاسخگویان متأهل از بیشترین میزان امنیت اقتصادی، رضایت از زندگی، ارضای نیازهای عاطفی، احساس تعلق به خانواده، پایبندی دینی، همسان‌همسری، تفاهم زناشویی و اعتماد به همسر و از طرفی، کمترین تأثیرپذیری از گروه دوستان، نسبت به پاسخگویان طلاق گرفته برخوردارند. به عبارت دیگر، تمامی متغیرهای فوق در افزایش و کاهش طلاق تأثیر دارند.

جمشیدی‌ها، نریمانی و جمالی (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان «آسیب‌شناسی اجتماعی طلاق در جامعه‌ی شهری ایران ۱۳۸۳-۱۳۹۴» به شناسایی مهم‌ترین عوامل فردی-خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پرداخته‌لند. در این پژوهش از روش تحلیل ثانویه با حجم ۲۷ مقاله استفاده شده است. یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد که مهم‌ترین علل فردی، ضعف مهارت‌های زندگی، دروغ‌گویی و بدگمانی، نارضایتی جنسی و خیانت، خشونت، اعتیاد، نازایی، ازدواج مجدد و بیماری روانی است. مهم‌ترین علل خانوادگی، مداخله اطرافیان و ازدواج اجباری و نامناسب است. مهم‌ترین علل اقتصادی، مشکلات اقتصادی و بیکاری، استقلال‌خواهی مالی زنان و میزان مهریه و به روز شدن آن و عدم پرداخت نفقه است. مهم‌ترین علل فرهنگی، تأثیر منفی رسانه‌هاست و مهم‌ترین علت اجتماعی، آرمان‌زدگی و افزایش سطح توقعات، کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی و دینی، ارتباط نامناسب قبل از ازدواج، عدم تناسب و تفاهم میان زوجین و تصور مثبت از پیامدهای طلاق در جامعه شهری ایران بوده است.

تحقیق فوق به روش تحلیل ثانویه انجام شده است و کمک می‌کند در مورد یک موضوع مشخص، مقالات مربوط به موضوع را مطالعه و مقایسه و در هم ادغام کرد و به یک نتیجه مشخص و واحد رسید. با توجه به این که در مقالات مختلف (۲۷ مقاله) در جامعه شهری ایران به شناسایی مهم‌ترین عوامل مربوط به طلاق به صورت نظام‌مند می‌پردازد، از این جهت کمک می‌کند که مهم‌ترین عوامل طلاق را از گذشته تا به امروز بهتر بشناسیم و روش‌های تکراری که باعث شکست در مطالعه می‌شود را انجام ندهیم.

- الینگتون (Ellington, 2003) پژوهشی را انجام داد. این پژوهش به روش کمی صورت گرفته است و شامل یک نمونه از حداقل ۲۰ کودک طلاق در مکتب مسیحی در نورث کنتاکی^۱ بود. پژوهشگر گروهی از شش دانش‌آموز کلاس چهارم و ششم را در یازده جلسه هفتگی مورد بررسی و مطالعه قرار داد. برای پنج نفر از شش کودک، حداقل ۵ سال از طلاق والدین گذشته بود. سه فرزند نمی‌توانستند زمانی را که والدین‌شان طلاق گرفته بودند را به یاد بیاورند، اما تصورات غلط و احساس طلسم در مورد طلاق در این گروه شایع بود. مبارزه با زندگی در دو خانه‌ی پدر و مادر، احساس بین دو پدر و مادر (پدر و مادر خویش و ناپدری و نامادری)، خشونت و ناتوانی در حل مسائل، از مشکلات رایج بود که کودکان به‌عنوان چالش‌های فعلی در زندگی خود شناخته بودند. نتایج نشان می‌دهد که کودکان در مکتب مسیحی، تحت تأثیر طلاق قرار می‌گیرند و نیاز به مدارس برای حمایت از این کودکان وجود دارد و گروه‌های حامی فرزندان طلاق در محیط مدرسه مؤثر هستند. در واقع، مدرسه نقش مهمی را در حمایت از فرزندان طلاق ایفاء می‌کند و بسیار تأثیرگذار است.

در تحقیق فوق، نکته قوتش توجه به کودکان طلاق در مدرسه است و اینکه مدرسه می‌تواند کمک شایانی به این کودکان کند، ولی توجه به دین خاص و تأثیر بیشتر طلاق، در آن دین صحیح نمی‌باشد زیرا آسیب‌ها و آثار طلاق در همه افراد، با هر دین و آیینی انکارناپذیر است.

سیویتسی و سیویتسی و فیاکالی (Civitci, Civitci & Fiyakali, 2009) پژوهشی انجام دادند. در این مطالعه، میزان تنهایی و رضایت از زندگی در بین دانش‌آموزان دبیرستان با والدین

طلاق گرفته و طلاق نگرفته مورد بررسی قرار گرفت. این مطالعه در مجموع روی ۸۳۶ دانش‌آموز دبیرستانی انجام شد. ۳۸۳ نفر از آنها فرزندان بودند که والدین طلاق گرفته داشتند و ۴۵۳ فرزند با والدین متأهل طلاق نگرفته بودند. یافته‌های مطالعه نشان داد که نوجوانان با والدین طلاق گرفته نسبت به نوجوانان با والدین طلاق نگرفته، بیشتر احساس تنهایی و احساس ناامنی در زندگی می‌کنند.

در تحقیق فوق به احساس تنهایی و ناامنی که کودکان طلاق را تهدید می‌کند توجه شده است و این می‌تواند نشان دهد که چرا به طلاق و راه‌های کاهش آن توجه می‌شود و چرا محقق به دنبال کشف سرچشمه طلاق است.

- وایت و گالاچر (Waite & Gallagher, 2014) پژوهشی انجام داده‌اند. این پژوهش بیان می‌دارد، افرادی که تصمیم به طلاق می‌گیرند، باید در مورد هزینه‌های بالقوه خود، همسر و فرزندان‌شان آگاه باشند. وقتی که همسران با ناامیدی، مشغول به کار هستند، کارشناسان خانواده مسؤولیت دارند که آنها را از سرمایه‌گذاری درازمدت در کنار یکدیگر و فرزندان خود آگاه کنند. در مقایسه‌ی بین دو گروه از افراد متأهل طلاق نگرفته و طلاق گرفته، افراد طلاق گرفته به‌طور متوسط دارای سلامت جسمی و روانی ضعیف‌تر هستند و انزوای اجتماعی بیشتری را تجربه می‌کنند. پس از چند سال، بیشتر پدران طلاق گرفته با فرزندان خود تماس منظم ندارند. برای برخی از افراد مطلقه، روابط جدید عاشقانه کمک به بازسازی عزت نفس و شادی آنها می‌کند، اما برای دیگران روابط عاشقانه جدید ایجاد احساس تنهایی بیشتر، ناخودآگاهی و به عزت نفس پایین‌تر می‌انجامد. بسیاری از افراد در تلاش برای مدیریت روابط عاطفی خود با همسر سابق‌شان هستند و هم‌چنین به حمایت عاطفی و کمک عملی وابسته هستند، حتی اگر روابط قانونی شکسته شده باشد، عمیقاً متصل هستند. وابسته بودن به همسر سابق باعث می‌شود که طلاق برای افراد مطلقه، دشوارتر شود. از عواملی که به افراد کمک می‌کند بهتر با طلاق کنار بیایند، توانایی تغییرپذیری است.

در تحقیق فوق، مشکلات اقتصادی و روانی و اجتماعی بعد از طلاق بررسی می‌شود و به دنبال آگاهی دادن به بزرگسالان و افرادی متأهل در این زمینه است.

چارچوب مفهومی

طلاق

طلاق از نظر لغوی به معنی رها شدن می‌باشد و در اصطلاح عبارت است از پایان دادن به وظایف زناشویی به‌وسیله‌ی زن یا شوهر (کریمی، ۱۳۹۴: ۲۷). هم‌چنین، طلاق، به گسیختگی خانواده و انحلال قانونی، شرعی و عرفی ازدواج تحت شرایط و مقرراتی خاص و انحلال رابطه زناشویی در ازدواج دائم که به‌دنبال آن از نظر رعایت حقوق و تکالیف زناشویی مسئولیتی برای زن و شوهر وجود ندارد، گفته می‌شود (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۳۶۹). این پدیده در بین طبقات مختلف اجتماعی به‌صور گوناگون رخ می‌دهد و به فروپاشی هسته اصلی و بنیادین جامعه یعنی خانواده منجر می‌شود (سیف‌اللهی، ۱۳۸۱: ۱۲۲). طلاق یعنی خلاص شدن زن و مرد از وظایف زناشویی و سختی‌هایی که برای یکی یا هر دو آزار دهنده بود که در نهایت این امر باعث نابودی و از هم پاشیدگی خانواده می‌شود. طلاق خود به چند دسته تقسیم می‌شود که بوهنان^۱ آن را به شش دسته تقسیم کرده است:

۱- طلاق عاطفی: بیانگر رابطه‌ی زناشویی رو به زوال است. تنش فزاینده‌ی زن و شوهر معمولاً به جدایی می‌انجامد.

۲- طلاق قانونی: متضمن زمینه‌ها و دلایلی است که بر پایه‌ی آن به ازدواج پایان داده می‌شود.

۳- طلاق اقتصادی: به تقسیم ثروت و دارایی مربوط می‌شود.

۴- طلاق هماهنگی میان والدین: مسائل نگهداری کودک و حتی ملاقات را در بر می‌گیرد.

۵- طلاق اجتماعی: به تغییر در دوستی‌ها و سایر روابط اجتماعی مربوط می‌شود که فرد طلاق گرفته با آن سروکار دارد.

۶- طلاق روانی: از طریق آن فرد باید پیوندها و وابستگی عاطفی را قطع کند و با الزامات تنها زیستن رو به رو شود (بخارایی، ۱۳۸۶: ۶۱).

در تحقیق فوق طلاق قانونی مدنظر است و این پژوهش به دنبال کشف نقاط آغازین در طلاق و بسترهایی است که باعث به وجود آمدن این پدیده می شود.

روابط اجتماعی

مارک نپ^۱ برای روابط اجتماعی چرخه‌ای تعریف کرده و اسم آن را «چرخه حیات روابط اجتماعی» گذاشته است. به نظر او شکل‌گیری و سپس خاموشی روابط اجتماعی در چرخه‌ای قرار دارد که لحظه‌ای (گاه به دلیل خیلی ابتدائی) آغاز و سپس رشد می‌کند و به اوج می‌رسد (عشق). خیلی از روابط اجتماعی در همین اوج ادامه یافته و خللی در آنها ایجاد نمی‌شود. اما برخی روابط اجتماعی ناگهان به صورت ناباورانه (به علت گاه ناپیدا و ابتدائی) رو به افول گذاشته، بتدریج به تضاد تنش و سپس خاموشی می‌گرایند. هر کدام از اوج‌گیری و خاموشی روابط اجتماعی، در پنج مرحله اتفاق می‌افتد که مجموع ده مرحله مزبور شکلی همانند نمودار نرمال را شکل می‌دهد. پنج مرحله اوج‌گیری روابط اجتماعی (نیمه اول نمودار نرمال) محل بحث این مقاله نیست و از توضیح آنها صرف نظر می‌شود. اما پنج مرحله دوم (نیمه دوم نمودار نرمال) با موضوع این مقاله مرتبط است و مختصراً به توضیح آنها پرداخته می‌شود:

۱- مرحله افتراق: زمانی به وقوع می‌پیوندد که دو طرف رابطه، یا یکی از آنها احساس کند که روابط او با دیگری، او را کاملاً محدود و در چارچوب معینی محبوس کرده است و از این رو، تصمیم می‌گیرد خود را از این قید برهاند. در این شرایط زوجین به اندک چیزی از کوره درمی‌روند و با حالتی پرخاشگرانه به یکدیگر می‌تازند. از یکدیگر ایراد می‌گیرند و منتظر بهانه‌اند که طرف مقابل اشتباهی کند، تا او را بر اثر آن اشتباه کاملاً در فشار قرار دهند. دیگر تحمل یکدیگر را ندارند و همه چیزهای خوب گذشته، چهره زشتی به خود می‌گیرند.

۲- مرحله محدود کردن: در این مرحله، طرفین رابطه، دفعات ارتباط خود را کاهش داده و صمیمیت را بتدریج کم می‌کنند. دیگر اشتیاق زیادی برای ارتباط با طرف

دیگر نشان نمی‌دهند و اگر اجباراً با هم ارتباطی داشته باشند، از صمیم دل نیست، بلکه بیشتر ایفای وظیفه است تا آن چه دل می‌خواهد.

۳- مرحله بی‌روح شدن و توقف رابطه: این مرحله، بیانگر افزایش تخریب و تباهی رابطه است، اما طرفین بنا به عواملی سعی در حفظ و گاه پیوند مجدد آن رابطه دارند. عواملی مانند اعتقادات مذهبی و نهی آن از جدایی، عوامل اقتصادی و مالی که زیانی را متوجه طرفین می‌کند، یا به خاطر فرزندان و زندگی و آینده آنها.

۴- مرحله پرهیز از یکدیگر: مرحله‌ای است که در آن می‌کوشند با ابزار گریز، از بار غم و درد رابطه‌ای که باعث ناراحتی می‌شود، بکاهند. یا می‌توان گفت که طرفین رابطه با گریز از یکدیگر سعی می‌کنند ناراحتی‌های خود را کاهش دهند و اغلب جدایی جسمی انجام می‌گیرد. یعنی طرفین سعی می‌کنند به یکدیگر نزدیک نشوند و یکدیگر را نبینند.

۵- مرحله جدایی: مرحله‌ی آخرین در هر رابطه‌ای میان اشخاص یا حداقل میان دو نفر است. معمولاً هر اندازه که رابطه دیرپا و بامعنی و یا ارزشمند باشد به همان میزان، جدایی دشوارتر و سخت‌تر و دردناک‌تر خواهد بود. پیام‌های فاصله و متلاشی شدن ارتباط در این مرحله ردوبدل می‌شوند و این پیام‌ها معمولاً به‌خوبی بیانگر آنچه میان آن دو گذشته یا می‌گذرد، می‌باشد. مثلاً «دیگر نمی‌خواهم رویت را ببینم» یا «برایت احترام قائلم اما دیگر دوستت ندارم». این پیام‌ها کاملاً جدی بوده و در نهایت به جدایی منجر می‌شوند (فرهنگی، ۱۳۷۸: ۱۶۹).

روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله روش کیفی و به‌طور مشخص رویکرد داده‌بنیاد است، رویکرد مزبور دارای مراحل اجرایی زیر است:

۱- کدگذاری باز: پس از آماده سازی متن (انجام مصاحبه و پیاده کردن آن)، واحد تحلیل متن مشخص و سپس متن به واحدهای معنای مشخص و مستقل، تجزیه و نام‌گذاری می‌شود. به معنای به‌دست آمده از متن مصاحبه، مفهوم گفته می‌شود. بنابراین پس از تجزیه

متن مصاحبه، همه مفاهیم موجود در آن شناسائی و کشف می‌شود. مفاهیم مشابه کنار همدیگر قرار گرفته و یک طبقه را تشکیل می‌دهند که به آن، مقوله گفته می‌شود. با مقایسه مفاهیم به‌دست آمده از متن مقولات فرعی شکل می‌گیرند و این جزو اولین مرحله ترکیب پس از تجزیه می‌باشد.

۲- کدگذاری محوری: پس از کشف مقولات فرعی، مقولات فرعی مشابه و هم‌معنا، مقولات اصلی را شکل می‌دهند. مقولات اصلی که در سطحی انتزاعی‌تر از زیرمجموعه خود (مقولات فرعی) قرار دارند، توسط محقق نام‌گذاری و در محورهای ذیل دسته‌بندی یا محوربایی می‌شوند:

- ۱- پدیده (مسأله اصلی تحقیق که عبارت است از طلاق)
- ۲- علل (موارد و موضوعاتی که باعث تغییر در طلاق می‌شوند)
- ۳- بسترها و زمینه‌ها (شرایط محیطی که طلاق، در آن شکل می‌گیرد)
- ۴- شرایط مداخله‌گر (شرایطی کمکی و فرعی که در طلاق، می‌توانند مؤثر باشند)
- ۵- راهبردها (روش‌هایی که اتخاذ آنها به شکل‌گیری طلاق، کمک می‌کند)
- ۶- پیامدها (آثاری که بر اثر بروز طلاق، ظهور می‌کنند).
- ۳- کدگذاری گزینشی (انتخابی): پس از کدگذاری محور مقولات اصلی و فرعی به همدیگر مرتبط شده، کدگذاری محوری در سطحی انتزاعی‌تر پیگیری می‌شود و مقولات اصلی مشابه و هم‌معنا کشف و نهایتاً خط اصلی داستان شکل می‌گیرد و بتدریج مدل پارادایمی شکل می‌گیرد.

لازم به توضیح این‌که به‌دلیل گستردگی مقولات محوری و مبتنی بر موضوع مقاله، در این مقاله تنها به سه مقوله محوری سرچشمه (علل)، بسترها و عوامل مداخله‌گر پرداخته شده و از بقیه صرف نظر شده است.

جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، مصاحبه عمیق با افراد طلاق گرفته یا در شرف طلاق بوده است. جهت انجام مصاحبه از نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. در نمونه‌گیری نظری، پژوهشگر همزمان داده‌ها را گردآوری، کدگذاری و تحلیل می‌کند و سپس تصمیم

می‌گیرد داده‌های بعدی را از کجا و از چه کسانی گردآوری کند. ضمناً به‌دلیل حساسیت موضوع از نمونه‌گیری گلوله‌برفی نیز استفاده شد. در این نمونه‌گیری، پژوهشگر برای پیدا کردن نمونه‌های مد نظر، به مصاحبه‌شونده‌ای که می‌شناسد که به موضوع تحقیق مرتبط است مراجعه و او نیز افرادی که در شرایط مشابه هستند را معرفی می‌کند و یا پژوهشگر به افرادی که می‌شناسد مراجعه و از آنها تقاضا می‌کند، افرادی که مرتبط با موضوع طلاق هستند را به وی معرفی کنند. با این دو روش نمونه‌گیری، ۴۰ نفر شناسائی و به آنها مراجعه شد. اما مصاحبه تنها با ۱۷ نفر (۱۳ زن و ۴ مرد) صورت گرفت. دلیل عدم انجام مصاحبه با بقیه حصول اشباع نظری با همین تعداد بود.

یافته‌های پژوهش

الف) آغازگاه‌های (علل) طلاق

آغازگاه‌ها همان علل اولیه و ابتدائی (علل دور) از رفتارها، احساسات و عواطفی هستند که معمولاً نقطه شروع فرایند طلاق قرار گرفته، به‌سرعت یا به‌تدریج افراد را به‌سوی جدایی سوق می‌دهند (فرهنگی، ۱۳۷۸: ۱۶۵). این نکته را مارک نپ نیز در الگوئی که برای رابطه‌ی اجتماعی ترسیم می‌کند، به‌خوبی در ده مرحله توضیح داده است (همان: ۱۶۸).

براساس نظر مارک نپ و تجزیه مصاحبه‌های صورت گرفته در کدگذاری باز، مفاهیم شناسائی و نام‌گذاری شدند، اما به‌دلیل حجم بالای جداول مربوط به آنها، امکان ذکر نتایج مرحله تجزیه، در این مقاله نیست. بنابراین تنها نتایج به‌دست آمده از کدگذاری محوری (یا مرحله ترکیب) در هر کدام از محورهای به‌دست آمده که شامل مقولات فرعی و اصلی است، در جداول شماره‌های ۱ تا ۵ توضیح داده می‌شود.

جدول ۱) مقولات اصلی و فرعی مربوط به مقوله محوری آغازگاه

مقولات اصلی	مقولات فرعی
سردی روابط زناشویی	-
احساسات و عواطف	مقایسه کردن خود و همسر با دیگران، بی‌مسئولیتی همسر، گلایه داشتن از یکدیگر، فراموشی (گاه فراموشی تاریخ تولد)، رفتار بچه‌گانه همسر، بدبینی به همدیگر، حساسیت بیش از حد، تصور جلوه‌گری همسر برای دیگری، کنایه زدن به همدیگر، عیب‌جویی از همدیگر، پرخاشگری نسبت به همدیگر، عصبانیت از هم، دعوا و ناراحتی، کژرفتاری، عدم تعهد و خیانت، بی‌بندوباری، بددلی، همسرآزاری، تهدید، حس انزجار، سوء ظن و حس خیانت داشتن
پنهان‌کاری	فریب در ازدواج، دروغ‌گویی، پنهان‌کاری، مظنون شدن و میج‌گیری
عدم بهبود زندگی طبق تصور	ناامیدی از ادامه زندگی و به نتیجه نرسیدن تلاش
اعتیاد (بعد از ازدواج)	-
اختلاف در عقاید	-
تغییر در اخلاق	تغییر اخلاق و کم شدن رضایت از زندگی مشترک
اشتباه در تعیین مصداق	-
افشای دروغ‌های قبل از ازدواج	-

جدول ۱ نشان می‌دهد مقولات اصلی هم‌چون سردی در روابط زناشویی، احساسات و عواطف، پنهان‌کاری، عدم بهبود زندگی، اعتیاد (بعد از ازدواج)، اختلاف در عقاید، تغییر در اخلاق، اشتباه در تعیین مصداق و افشای دروغ، آغازگاه‌های ایجادکننده در طلاق هستند. به‌عنوان مثال، مقولات فرعی در احساسات و عواطف خیلی جالب، تعیین‌کننده و برای برنامه‌ریزان خانواده راهگشا هستند که شامل مقایسه کردن خود و همسر با دیگران، بی‌مسئولیتی همسر، گلایه داشتن از یکدیگر، فراموشی (گاه فراموشی تاریخ تولد)، رفتار بچه‌گانه همسر، بدبینی به همدیگر، حساسیت بیش از حد، تصور جلوه‌گری همسر برای دیگری، کنایه زدن به همدیگر، عیب‌جویی از همدیگر، پرخاشگری نسبت به همدیگر، عصبانیت از هم، دعوا و ناراحتی، کژرفتاری، عدم تعهد و خیانت، بی‌بندوباری، بددلی، همسرآزاری، تهدید، حس انزجار، سوء ظن و حس خیانت داشتن است.

ب) بسترها و زمینه‌های طلاق

بسترها، فضا و شرایطی هستند که زمینه اولیه طلاق در آن شکل گرفته، رشد می‌کند و سرانجام

منجر به طلاق می‌شود (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۳۳). در مصاحبه‌های صورت گرفته پس از مفهوم‌سازی و کشف مقولات، زمینه‌ها و بسترهای شناسائی شدند که برای پژوهشگر کاملاً جدید و قابل ملاحظه‌اند. مانند زمینه‌های اجتماعی، امنیتی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی.

جدول ۲) مقولات اصلی و فرعی مربوط به مقوله محوری زمینه‌ها و بسترها

مقولات اصلی	مقولات فرعی
زمینه‌ها و بسترهای روانی	خودکشی، طلاق والدین، سختی شرایط، تجربه بد در گذشته، افسردگی، نگرانی (از آینده و همسر)، احساس ناخوشایند نسبت به همسر و شرایط
زمینه‌ها و بسترهای شخصی و شخصیتی	شناخت ناکافی، بیان صریح نظرات به همدیگر، انزوا و گوشه‌گیری، بی‌تفاوتی نسبت به یکدیگر، خساست در مخارج زندگی، دلبستگی کاذب به امور واهی، فرمانبردار بودن صرف، وابستگی روحی شدید به خانواده، دروغ‌گویی، فریب در ازدواج، کم‌رویی و خجالت، بی‌علاقگی نسبت به همسر، معذرت‌خواهی و تکرار دوباره اشتباه، زودباوری (زودباوری بلبت درست شدن زندگی)، اعتماد بی‌منا، ساده‌لوحی، ظاهر‌سازی، استعمال دخانیات، اتهام به خیانت، کمبود عاطفی، رفتار غیرمنتظره، تغییر رویه، علاقه‌ی زیاد به همسر و احترام به تصمیم همسر
زمینه‌ها و بسترهای خانوادگی	ازدواج، اهمیت روابط جنسی، ازدواج زودهنگام (ازدواج برای فرار از شرایط، عجله در ازدواج، ازدواج در سن پایین)، عدم همدلی، انتخاب اشتباه، دخالت والدین برای جدایی، دین‌داری در ازدواج، تأیید بدون شناخت یکدیگر، در رفاه بودن در خانواده، میهمانی خانوادگی، مسافرت، رسم پاگشا، دوستی دو خانواده، ازدواج سنتی (خواستگاری سنتی، مراحل قبل از ازدواج، معرفی برای ازدواج)، شروط ازدواج (اختلاف در تعیین مهریه، سنگینی مهریه و تشریفات)، اعتیاد قبل از ازدواج، طلاق (مراحل طلاق)، دوستی قبل از ازدواج، ازدواج فامیلی، انتخاب همسر و شادکامی (بهبود شرایط و خوشبختی اوایل ازدواج)
زمینه‌ها و بسترهای اقتصادی	بیکاری، فشار اقتصادی
زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی- فرهنگی	اختلاف طبقاتی، شبکه‌های اجتماعی، تفاوت فرهنگی، فاصله مکانی، کاهش حضور فرد در خانواده، تصمیم برای رفتن از ایران و استفاده از تجربه دیگران

بر اساس جدول ۲، مقولات اصلی مربوط به بسترها و زمینه‌های طلاق در پنج دسته قرار می‌گیرند که عبارتند از زمینه‌ها و بسترهای روانی، زمینه‌ها و بسترهای شخصیتی، زمینه‌ها و بسترهای خانوادگی، زمینه‌ها و بسترهای اقتصادی و زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی- فرهنگی. همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود مقولات فرعی در زمینه‌ها و بسترهای شخصیتی عبارتند از شناخت ناکافی، بیان صریح نظرات به همدیگر، انزوا و گوشه‌گیری، بی‌تفاوتی نسبت به یکدیگر، خساست در مخارج زندگی، دلبستگی کاذب به امور واهی، فرمانبردار بودن صرف، وابستگی روحی شدید به خانواده، دروغگویی، فریب در ازدواج، کم‌رویی و خجالت، بی‌علاقگی نسبت به همسر، معذرت‌خواهی و تکرار دوباره اشتباه، زودباوری (زودباوری بابت درست شدن زندگی)، اعتماد بی‌مبنا، ساده‌لوحی، ظاهرسازی، استعمال دخانیات، اتهام به خیانت، کمبود عاطفی، رفتار غیرمنتظره، تغییر رویه، علاقه‌ی زیاد به همسر و احترام به تصمیم همسر.

ج) عوامل مداخله‌گر طلاق

براساس نتایج به‌دست آمده از فرایند کدگذاری باز و سپس محوری مصاحبه‌های انجام شده در شهر مشهد، برخی عناصر و عوامل به‌طور جدی در فرایند بروز طلاق دخالت داشته و آن را تسریع کرده‌اند. مهمترین مقولات محوری که اتفاقاً زیرمجموعه هم ندارند و همین موضوع بر اهمیت آنها دلالت دارد، در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳) مقولات اصلی و فرعی مربوط به مقوله محوری عوامل مداخله‌گر

مقولات اصلی	مقولات فرعی
دخالت اطرافیان زن و مرد در زندگی آنها	تشویق به انجام کار
ازدواج اجباری زن یا مرد	-
نارضایتی والدین از ازدواج صورت گرفته	-
شفاف شدن حقایق زندگی خانوادگی پس از ازدواج	-
احساس ناکامی زن یا مرد در آرزوهای قبل از ازدواج	-
تصمیم برای جدایی	-
تضاد و تنش در خانواده	-
میزان تعهد به زندگی	-

-	عادی شدن طلاق (ریختن قبح طلاق)
-	هراس از اتفاقات ناگوار در زندگی
تحمل سختی‌های زندگی، توقف برای فرصت دوباره، میانجی‌گری برای آشتی و تلاش برای نجات زندگی	تلاش برای حفظ زندگی
-	چشم‌پوشی از اشتباهات همسر در مراحل اولیه
-	اعتقاد به تحصیلات دانشگاهی

با توجه به جدول ۳، عوامل اصلی تأثیرگذار در بروز طلاق عبارتند از دخالت اطرافیان زن و مرد در زندگی آنها، ازدواج اجباری زن یا مرد، نارضایتی والدین از ازدواج صورت گرفته، شفاف‌شدن حقایق زندگی خانوادگی پس از ازدواج، احساس ناکامی زن یا مرد در آرزوهای قبل از ازدواج، تصمیم برای جدایی، تضاد و تنش در خانواده، میزان تعهد به زندگی، عادی شدن طلاق (ریختن قبح طلاق)، هراس از اتفاقات ناگوار در زندگی، تلاش برای حفظ زندگی، چشم‌پوشی از اشتباهات همسر در مراحل اولیه و اعتقاد به تحصیلات دانشگاهی.

د) جمع‌بندی

جدول ۴) جمع‌بندی مقولات

آغازگاه‌ها (علل)	عوامل مداخله‌گر	زمینه‌ها و بسترها
سردی روابط زناشویی	دخالت اطرافیان زن و مرد در زندگی آنها	بسترهای روانی
احساسات و عواطف	ازدواج اجباری زن یا مرد	بسترهای شخصی و شخصیتی
پنهان‌کاری	نارضایتی والدین از ازدواج صورت گرفته	بسترهای خانوادگی
عدم بهبود زندگی طبق تصور	شفاف‌شدن حقایق زندگی خانوادگی پس از ازدواج	بسترهای اقتصادی
اعتیاد (بعد از ازدواج)	احساس ناکامی زن یا مرد در آرزوهای قبل از ازدواج	بسترهای اجتماعی-فرهنگی
اختلاف در عقاید	تصمیم برای جدایی	
تغییر در اخلاق	تضاد و تنش در خانواده	
اشتباه در تعیین مصداق	میزان تعهد به زندگی	
افشای دروغ‌های قبل از ازدواج	عادی شدن طلاق (ریختن قبح طلاق)	

	هراس از اتفاقات ناگوار در زندگی	
	تلاش برای حفظ زندگی	
	چشم‌پوشی از اشتباهات همسر در مراحل اولیه	
	اعتقاد به تحصیلات دانشگاهی	

نتیجه

هدف اصلی این پژوهش، مطالعه‌ی بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری فرایند طلاق در بین زوجین مطلقه و در حال طلاق شهر مشهد است که برای این منظور، به افراد مطلقه یا زوجینی که درگیر در طلاق بودند مراجعه و مصاحبه انجام گرفت. پس از گردآوری داده‌ها و کشف مفاهیم و مقولات، مفهوم‌سازی و مقوله‌سازی انجام گرفت. مقولات اصلی و فرعی که پاسخگوی سؤالات پژوهش بودند، در سه مقوله محوری سرچشمه (علل)، بسترها و زمینه‌های طلاق و عوامل مداخله‌گر طبقه‌بندی شدند. براساس یافته‌های پژوهش، در مقوله محوری اول احساسات و عواطف زوجین بسیار مهم و عمدتاً علت اولیه طلاق قرار می‌گرفت از جمله مقایسه کردن خود یا همسر با دیگران، بی‌مسئولیتی همسر، گلایه داشتن از یکدیگر، فراموشی (گاه فراموشی تاریخ تولد همسر)، رفتار بچه‌گانه همسر، بدبینی به همدیگر، حساسیت بیش از حد، تصور جلوه‌گری همسر برای دیگری، کنایه زدن به همدیگر، عیب‌جویی از همدیگر، پرخاشگری نسبت به همدیگر، عصبانیت از هم، دعوا و ناراحتی، کژرفتاری، عدم تعهد و خیانت، بی‌بندوباری، بددلی، همسرآزاری، تهدید، حس انزجار، سوء ظن و حس خیانت داشتن.

هم‌چنین در مقوله محوری دوم بسترها و زمینه‌های جالب توجهی کشف و فهرست شد، همانند میزان اهمیت روابط جنسی نزد زوجین، ازدواج زودهنگام، دخالت والدین برای جدایی، مهم بودن دین‌داری در ازدواج، تأیید اولیه همدیگر بدون شناخت از یکدیگر، در رفاه بودن در خانواده پدری، میهمانی‌های خانوادگی، مسافرت، آداب و رسوم ازدواج، دوستی دو خانواده، دوستی قبل از ازدواج، اختلاف طبقاتی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی، تفاوت فرهنگی، کاهش حضور فرد در خانواده، استفاده از تجربه دیگران. علاوه بر دو مقوله محوری مزبور عواملی دیگری نیز در طلاق دخالت داشتند که برخی از آنها عبارتند از دخالت اطرافیان زوجین در زندگی آنها (گاه تشویق به طلاق)، ازدواج اجباری، نارضایتی والدین از ازدواج، شفاف‌سازی حقایق زندگی

پس از ازدواج، ناکامی در آرزوهای قبل از ازدواج، تنش در خانواده، ریخته شدن قبح طلاق، هراس از آینده و اعتقاد به تحصیلات دانشگاهی.

راجع به نتایج پژوهش چند نکته قابل توجه است:

۱- نتایج با تأیید نظریه مارک نپ نشان می‌دهد، طلاق تنها یک پدیده مجرد نیست که در لحظه شکل گیرد، بلکه فرایندی است که علل آن حتی به لحظه‌های عاطفی و احساسی قبل از ازدواج بر می‌گردد. تصور پژوهشگر این است که با وجود تحقیقات بسیار زیاد در موضوع طلاق، تاکنون به طلاق به‌عنوان یک فرایند نگاه نشده است. شاید این مهمترین دستاورد این مقاله باشد.

۲- همان‌گونه که گذشت، اغلب علل دور طلاق و نیز زمینه‌ها و بسترهای آن و حتی عوامل مداخله‌گر، مرتبط با شخصیت و موضوعات روانی فرهنگی زوجین است. این نتیجه نشان از نقص در جامعه‌پذیری زوجین دارد که متولی اصلی آن، خانواده، مدرسه و رسانه می‌باشد.

۳- تأثیر مشکلات اقتصادی و مسائل ساختاری بر طلاق قابل توجه نیست. حتی در صورت وجود مشکلات اقتصادی و تربیت صحیح، تحمل افراد در برابر آنها افزایش داده و به‌راحتی تصمیم به جدایی نمی‌گیرند.

۴- چنانچه نتیجه اول درست باشد، باید گفت اصولاً طلاق در اختیار خانواده، مدرسه و رسانه قرار دارد و چون سه نهاد اصلی جامعه‌پذیری، نقش اجتماعی خویش را به‌خوبی اجرا نکرده‌اند، مسأله طلاق شکل گرفته است. از این‌رو، اگر آنها به مسؤولیت خویش عمل کنند، بخش زیادی از مسأله حل خواهد شد.

۵- از جهت ساختاری نیز باید اذعان کرد همه نهادها، به‌جز خانواده متولی دارند. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود مجلس و دولت، ساختاری را برای ساماندهی امور خانواده، بویژه بحث جمعیت که نشان از قدرت هر جامعه‌ای است، تعریف کنند. اتفاقی که هم اکنون در حال رخ دادن آن است که از یک‌سو، ازدواج کاهش یافته و از سوی دیگر، طلاق (به دلایل واقعاً واهی) افزایش یافته و در نتیجه، جمعیت فعلاً ثابت و به‌تدریج کاهش می‌یابد. این شرایط با موضوع پیری جمعیت، در چند سال آینده، تهدید بسیار بزرگی برای موجودیت ایران خواهد بود.

منابع

- آقاجانی مرسا، حسین (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی همسرگزینی ازدواج و طلاق. تهران: علم.
- استراوس، انسلم؛ کوربین، جولیت (۱۳۹۲). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.
- اسکافی، مریم؛ ترکمان، فرح؛ ساروخانی، باقر (۱۳۹۴). "اثر شبکه‌های اجتماعی بر طلاق عاطفی در شهر مشهد". فصلنامه علوم/اجتماعی (دانشگاه فردوسی)، دوره ۱۲، ش ۲۵ (تابستان): ۲۲۵-۲۵۰.
- باستانی، سوسن (۱۳۷۶). "پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی‌های مواجهه با آن". خانواده‌پژوهی، دوره ۷، ش ۲۶ (بهار): ۱۲-۵۷.
- بخارایی، احمد (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی زندگی‌های خاموش در ایران (طلاق عاطفی). تهران: پژوهاک جامعه.
- بخشی، حامد (۱۳۸۴). "سنجش ایستار مردم ۱۸ تا ۶۵ ساله شهر مشهد نسبت به طلاق در سال ۱۳۸۳ و عوامل مؤثر بر آن". فصلنامه علوم/اجتماعی (دانشگاه فردوسی)، دوره ۲، ش ۱ (پاییز): ۲-۵۲.
- حسینی بهشتی، ملوک‌السادات (۱۳۹۰). "بازسازی زندگی پس از طلاق". فصلنامه علوم/اجتماعی (دانشگاه تهران)، دوره ۲، ش ۲ (پاییز): ۳۵۰-۳۸۷.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ نریمانی، سعید؛ جمالی، عبدالله (۱۳۹۴). "آسیب‌شناسی اجتماعی طلاق در جامعه‌ی شهری ایران (۱۳۸۳-۱۳۹۴)". فصلنامه علوم/اجتماعی (مهندسی فرهنگی)، دوره ۱۰، ش ۸۵ (بهار): ۱۰-۲۹.
- سیف‌اللهی، سیف‌الله (۱۳۸۱). جامعه‌شناختی مسائل اجتماعی ایران (مجموعه مقاله‌ها و نظرها). تهران: جامعه‌پژوهان سینا.
- شیرزاد، جلال؛ کاظمی‌فر، امیرمحمد (۱۳۸۳). "مطالعه همه‌گیرشناسی زوجین در حال طلاق ارجاعی به اداره کل پزشکی قانونی استان همدان در سال ۱۳۷۹". مجله علمی - پزشکی قانونی، دوره ۱۰، ش ۳۶ (پاییز): ۲۰۷-۲۱۲.

- عنایت، حلیمه؛ نجفی اصل، عبدالله؛ زارع، صادق (۱۳۹۲). "بررسی عوامل مؤثر بر طلاق زودهنگام در بین جوانان شهری شهر بوشهر (مقایسه دو گروه افراد طلاق گرفته و متأهل طلاق نگرفته)". *علوم اجتماعی: پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، دوره ۳، ش ۳ (تابستان): ۱-۳۶.
- فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۷۸). *مبانی ارتباطات انسانی*. تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- کریمی، سحر (۱۳۹۴). "علل و عوامل طلاق در جامعه و جنبه‌های مختلف آن". *پژوهش ملل*، دوره ۱، ش ۱ (بهار): ۲۶-۳۴.
- مشکي، مهدی، و دیگران (۱۳۸۹). "بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه‌ی شهرستان گناباد در سال ۱۳۸۷-۱۳۸۸". *مجله علمی - پژوهشی افق دانش*، دوره ۱۷، ش ۱ (پاییز و زمستان): ۳۵-۴۵.
- محسن‌زاده، فرشاد؛ محمدنظری، علی؛ عارفی، مختار (۱۳۹۰). "مطالعه‌ی کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه)". *فصلنامه علوم اجتماعی: مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۱۴، ش ۵۳ (پاییز): ۷-۴۲.
- Ellington, Cheryl A. (2003). "Effects of divorce on children and ways schools can offer support". *Cedarville university*, Vol. 42, No. 1: 328-475.
- Civitci, N.; Civitci, A.; Fiyakali, N. C. (2009). "Loneliness and life satisfaction in adolescents with divorced and non-divorced parents". *Educational sciences: theory and practice*, Vol. 9, No. 2: 513-525.
- Waite, L. J.; Gallagher, M. (2014). "What are the possible consequences of divorce for adults". *Utah divorce orientation*, Vol. 6, No. 1: 93-108.

دین‌داری و انزوای اجتماعی

مورد مطالعه: شهروندان شهر مشهد

سیدعلیرضا افشانی^۱

حسین عباس‌نژاد^۲

سال چهاردهم، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱۶

شماره صفحه: ۳۰-۵۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۲۰

چکیده

یکی از مؤلفه‌های اساسی در توسعه هر جامعه‌ای، مشارکت و عدم انزوای اجتماعی افراد آن جامعه است. پایین بودن سطح میزان انزوای اجتماعی، در هر جامعه‌ای پیش‌نیاز هر گونه توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی محسوب شده است. آگاهی از وضعیت انزوای اجتماعی ساکنان یک اجتماع، نقش مؤثری در شناخت چالش‌ها و راهکارهای توسعه یک جامعه داشته و به برنامه‌ریزی در جهت رسیدن به توسعه پایدار در جامعه کمک خواهد نمود. به عقیده بسیاری از محققین و صاحب‌نظران، یکی از عواملی که نقش قابل ملاحظه‌ای در کاهش میزان انزوای اجتماعی دارد، دین‌داری است. لذا پژوهش حاضر در صدد است تا رابطه بین دین‌داری، با انزوای اجتماعی را در بین شهروندان شهر مشهد مورد بررسی قرار دهد. روش این تحقیق پیمایشی بوده و جمع‌آوری داده‌ها به کمک پرسشنامه محقق‌ساخته دین‌داری و پرسشنامه استاندارد انزوای اجتماعی (دی‌یونگ گیرولد) صورت گرفته و روایی به صورت محتوایی احراز شده است و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۲۳ نفر تعیین شده است. پرسشنامه در سطح شهر مشهد توزیع و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای اجرا شده و داده‌های تحقیق در دو

۱. دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، نویسنده مسؤول afshanalireza@yazd.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه یزد a.hossein70@gmail.com

بخش توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و اموس مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که میانگین نمرات پاسخ‌گویان به لحاظ انزوای اجتماعی در سطح کمی پایین‌تر از حد متوسط (۲۸/۹۰) در مقایسه با میانگین نظری (۳۳) و از لحاظ میزان دین‌داری در سطح بیشتر از حد متوسط (۸۶/۶۱) در مقایسه با میانگین نظری (۷۲) قرار دارند. هم‌چنین آزمون فرضیه اصلی تحقیق نشان داد رابطه معکوس و معناداری (۰/۱۷۳-) بین دین‌داری و انزوای اجتماعی وجود دارد و بین سطح دین‌داری بر حسب وضعیت تأهل و جنسیت و سطح انزوای اجتماعی بر حسب وضعیت تأهل و جنسیت، تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود. نتایج این تحقیق، همسو با دیدگاه جامعه‌شناسان بزرگی هم‌چون استارک، بین بریج، برگر، یونگ، ویلسون، دورکیم، پوتنام، آدی و یینگر است که معتقدند رابطه معناداری بین دین‌داری و انزوای اجتماعی وجود دارد.

واژگان کلیدی: دین‌داری، انزوای اجتماعی، تنهایی عاطفی، تنهایی اجتماعی

بیان مسأله

یکی از مسائلی که امروزه مورد مطالعه‌ی بسیاری از اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی، روان‌شناسی، مدیریت و سایر حوزه‌های علوم انسانی قرار گرفته، انزوای اجتماعی است. اندیشمندان مختلف از جنبه‌های متفاوتی انزوای اجتماعی را مطالعه کرده‌اند. لوچر و دیگران (Locher, et al., 2005: 748) انزوای اجتماعی را جدایی فیزیکی و اجتماعی افراد از دیگران تعریف نموده‌اند. سیمن (Seeman, 1983: 175) انزوای اجتماعی را واقعیتی فکری می‌داند که در آن فرد تعلق و انفصال کاملی را با ارزش‌های موسوم جامعه احساس می‌کند. یورک و وایت (York & Waite, 2009: 119)، آن را به معنای عدم پیوندهای اجتماعی در میان افراد می‌دانند. بورهالت و ونگر (Burholt & Wenger, 2004: 119) انزوای اجتماعی را در فقدان ارتباط با دیگر مردم می‌دانند. کریستینا، اسکامبلر و بوند (Christina, Scambler & Bond, 2009: 1175) بر این باورند که انزوای اجتماعی در دو مفهوم مجزا بیان می‌شود: اول در معنای جدایی افراد از گروه‌های اجتماعی، مثل خانواده، دوستان و همسایگان، دوم در معنای جدایی فرد از روابط و

وابستگی‌های شخصی خود با دیگران. به عبارتی، دیگر زمانی که فرد از خود ناراضی باشد و کسی را نداشته باشد که برای مهرورزی به او تکیه کند، منزوی می‌شود. چلبی و امیرکافی (۱۳۸۳: ۴) نیز انزوای اجتماعی را در معنای فقدان یا ضد آرای فرد با سایر افراد، گروه‌ها و جامعه تعریف می‌نمایند و ابعاد آن را بر اساس سطح روابط خانوادگی، روابط محلی، پیوندهای انجمنی و سرمایه اجتماعی ابزاری بررسی می‌کند.

توسعه اجتماعی را می‌توان فرایندی دانست که منجر به توانمندسازی انسان‌ها، افزایش بهره‌وری، کاهش مشکلات و پیشرفت جامعه می‌شود. یکی از مؤلفه‌های اساسی در توسعه هر جامعه‌ای، مشارکت و عدم انزوای افراد آن جامعه است (Mannarini, Fedi & Trippetti, 2010: 265). توجه کردن به نقش مشارکت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مشکلات ناشی از عدم مشارکت و انزوای افراد در جامعه ایران که به عنوان یک جامعه در حال گذار، شرایط و مشکلات ویژه‌ای را تجربه می‌کند (جلایی‌پور، ۱۳۸۹: ۲۷)، حائز اهمیت فراوان است. هم‌چنین باید بیان داشت که اگرچه نمی‌توان با قاطعیت رابطه‌ای مستقیم و همیشگی بین مشارکت اجتماعی و توسعه اجتماعی برقرار کرد (Woolcock, 1998: 168)، ولی نتایج بسیاری از تحقیقات نشان می‌دهد که مشارکت (به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی سرمایه اجتماعی) با توسعه اجتماعی، رابطه مثبتی دارد (فیروزآبادی، حسینی و قاسمی، ۱۳۸۹: ۶۵).

نتایج تحقیقاتی که مرتبط با موضوعات مشارکت کردن و درگیر شدن افراد با جامعه و مسائل اجتماعی است، نشان از مشارکت بالای افراد جامعه ندارد. به طور مثال، بنی‌فاطمه و رسولی (۱۳۹۰: ۲۵) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که رضایت اجتماعی و احساس اثربخش بودن در بین دانشجویان دانشگاه تبریز در حد پایین است. بنابراین برای کشورهای در حال توسعه مانند ایران، ضروری است که از حداکثر توان مشارکتی اعضای جامعه خود بهره‌برداری مناسب را داشته باشند.

رادکلیف براون^۱، تنها به کارکردهای دین توجه کرده و آن را باعث نگه‌داشت نظم اجتماعی می‌داند (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۵۴-۵۵). امام علی (ع) نیز در معنی دین فرموده‌اند: آغاز دین

تسلیم بودن در برابر پروردگار و پایان آن، بندگی خالص در برابر او است. همچنین از دیدگاه اسلام دین را می‌توان چنین تعریف کرد: دین مجموعه‌ای از معارف، عقاید، احکام و اخلاق و در یک کلام هست‌ها و نیست‌ها و باید‌ها و نبایدهاست که خداوند جهت هدایت بشر به‌وسیله منابع و ابزاری چون کتاب، سنت، عقل و فطرت نازل فرموده است (خسروپناه، ۱۳۷۹: ۷۴).

نگاه رایج به دین و تأثیر آن بر رفتارهای اجتماعی (از جمله انزوای اجتماعی)، عمدتاً در چارچوب عمل اخلاقی است، یعنی مذهب (همان بحث دین‌داری افراد)، گذشتن از نفع فردی به‌عنوان یک عمل اخلاقی و پسندیده را به پیروان خود توصیه و آنها را به پذیرش آن ترغیب می‌کند. دورکیم^۱ (۱۳۶۹: ۱۰۵) درباره این نوع از تأثیر دین می‌گوید: «مذهب اساساً امری اجتماعی است. مذهب نه تنها امری فردی نیست، بلکه هر لحظه فشارها و محدودیت‌هایی را بر افراد اعمال می‌کند. مذهب فرد را وادار به اعمالی می‌کند که برای وی آسان نیست و ایثارهای کوچک و بزرگی را از وی انتظار دارد که برای او گران تمام می‌شود. قربانی‌ها و نذوراتی که فرد باید در راه خدا خرج کند، از اموال او برداشت می‌شود و لحظه‌های لازم برای انجام فرایض مذهبی، از اوقات کار و فراغت او می‌کاهد، فرد مجبور است به انواع محدودیت‌ها که مذهب به وی دستور داده است، تن در دهد و حتی در راه خدا از زندگی خویش بگذرد. حیات مذهبی، حیاتی است سرشار از فداکاری و از خودگذشتگی».

جامعه ایرانی به‌عنوان یک جامعه مذهبی و در حال گذار، شرایط ویژه‌ای را تجربه می‌کند. شاید مهم‌ترین مسأله‌ای که در تحلیل پدیده‌های اجتماعی در چنین جامعه‌ای باید در نظر گرفت، این واقعیت است که ایران به‌عنوان یک جامعه در حال گذار که به‌واسطه ضرورت‌های تاریخی درگیر روابط پیشرفته با پیرامون خود است، با مجموعه‌ای از بحران‌های دوره گذار و مسائل مربوط به جوامع پیشرفته به‌طور هم‌زمان دست به‌گریبان است. مسأله‌ای که غفلت از هر کدام، این جامعه را تا حد زیادی در معرض آسیب‌های ناشی از بی‌هنجاری اجتماعی قرار می‌دهد. شاید یکی از مسائل مهمی که درباره رفتاری‌های اجتماعی در ایران امروز به چشم می‌آید، میزان انزوای اجتماعی و گسستگی حاصل از آن و همچنین رشد شتابان این پدیده در جامعه ایران است که به لحاظ ذهنی،

در انسان ایرانی احساس بی‌پناهی مضاعف و عدم امنیت و اعتماد و از این طریق، ایجاد احساس محرومیت و عدم رضایت‌مندی از زندگی را تولید می‌نماید. از آن جایی که جامعه ایران یک جامعه مذهبی است، نقش مذهب و دین‌داری در این مسأله می‌تواند بسیار حائز اهمیت و بنیادین باشد. این‌طور به نظر می‌رسد که جامعه ایرانی به لحاظ اجتماعی، در شرایطی قرار دارد که فقدان حداقلی از جهت‌گیری‌های جمع‌گرایانه در آن گسترش روزافزون انزوای اجتماعی را دامن زده است. با عنایت به موارد بالا، تحقیق حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که چه رابطه‌ای بین دین‌داری و انزوای اجتماعی، وجود دارد؟

پیشینه تجربی پژوهش

در یک نگاه کلی در جدول ۱ می‌توان گفت مرور پیشینه تجربی در وهله نخست بیانگر این است که مطالعات معدودی در داخل کشور به بررسی رابطه دین‌داری با انزوای اجتماعی پرداخته است. همچنین در برخی مطالعات از مفاهیم احساس تنهایی، بیگانگی اجتماعی، بی‌تفاوتی اجتماعی که مشابهت مفهومی با انزوای اجتماعی دارند بهره برده شده است. در وهله دوم، هیچ مطالعه‌ای به طور مستقیم رابطه دین‌داری با انزوای اجتماعی را چه در داخل و خارج کشور نسنجیده‌اند و بیشتر به مطالعه انزوای اجتماعی با سایر مفاهیم جامعه‌شناختی پرداخته شده است.

جدول (۱) پیشینه داخلی و خارجی

نام محقق و سال انتشار تحقیق	روش تحقیق	یافته‌های تحقیق
چلبی و امیرکافی (۱۳۸۳)	پیمایش	سطح روابط اجتماعی به نوبه خود، تأثیر مؤثر و کاهنده‌ای بر احساس تنهایی، انزوای اجتماعی و احساس عجز نشان می‌دهد.
محسنی، دوران و سهرابی (۱۳۸۵)	پیمایش	بین زمان استفاده از اینترنت در طول شبانه‌روز و انزوای اجتماعی، رابطه معنادار و معکوس وجود دارد. همچنین استفاده اجتماعی از اینترنت (استفاده از شبکه‌های مجازی) موجب کاهش انزوای اجتماعی می‌گردد.
سجادیان و نادی (۱۳۸۵)	پیمایش	رابطه مستقیمی بین میزان استفاده از اینترنت، با افسردگی و انزوای اجتماعی مشتریان وجود دارد. تفاوتی بین انزوای اجتماعی و میزان ساعات کار با اینترنت بر حسب جنسیت، تأهل و تحصیلات کاربران وجود ندارد.
ابراهیمی مقدمیان (۱۳۸۸)	پیمایش	بین متغیرهای جمعیت‌شناختی با انزوای اجتماعی، ارتباط معناداری وجود ندارد. بین تصور از آینده، تنش فرهنگی ناشی از وسایل ارتباط جمعی، آرمان‌گرایی و مشارکت

اجتماعی جوانان امور روزمره با انزوای اجتماعی همبستگی معناداری وجود دارد.		
رابطه معکوس و معناداری بین دین‌داری با بیگانگی اجتماعی و انزوای اجتماعی وجود دارد. بین سن و انزوای اجتماعی، رابطه وجود ندارد، اما بین اعتماد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی، رابطه وجود دارد.	پیمایش	بنی فاطمه و رسولی (۱۳۹۰)
هر چه اضطراب ناشی از ارزیابی منفی اجتماعی در نوجوانان بالاتر باشد، انزوای اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود. اضطراب و به تبع آن انزوا، در بین دختران بیشتر از پسران است.	پیمایش	پیراسته‌مطلق، پیراسته‌مطلق و پیشرو نصرآبادسغلی (۱۳۹۱)
میانگین نمره بیگانگی اجتماعی نمونه آماری، برابر با ۴۴/۹ و در حد متوسط است. رابطه بین محل سکونت، سن و دین‌داری با بیگانگی اجتماعی، معنادار نبوده، در حالی که رابطه بین جنسیت و پایگاه اقتصادی- اجتماعی با بیگانگی اجتماعی، معنادار است.	پیمایش	کلانتری، بشیری گیوی و غلامی شاهسواری (۱۳۹۱)
بین بیگانگی اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه معناداری وجود ندارد. بین مؤلفه‌های بیگانگی، تنها احساس انزوای اجتماعی با میزان مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.	پیمایش	علمی، تقی‌لو و موسی‌زاده (۱۳۹۲)
بین جنسیت، اعتماد اجتماعی و استفاده از اینترنت با انزوای اجتماعی، رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد، ولی رابطه پایگاه اجتماعی- اقتصادی با انزوای اجتماعی، معنادار نبود.	پیمایش	حقیقتیان (۱۳۹۲)
بین استفاده اجتماعی از اینترنت، وضعیت استفاده از اینترنت (میزان ساعات استفاده از اینترنت در روز) و متغیرهای زمینه‌ای با انزوای اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد.	پیمایش	ربعی و محمدزاده‌یزدی (۱۳۹۲)
بین ابعاد انزوای اجتماعی با خشونت خانگی والدین نسبت به فرزندان رابطه معناداری وجود دارد. بین انزوای اجتماعی با ابعاد خشونت خانگی (جسمی، عاطفی، غفلت) والدین نسبت به فرزندان رابطه معناداری وجود دارد.	پیمایش	یعقوبی‌دوست (۱۳۹۲)
میزان بیگانگی اجتماعی در بین جوانان بالاست. از بین عوامل مورد مطالعه، نارضایتی اجتماعی و فردگرایی بیشترین سهم را در افزایش بیگانگی و انزوای اجتماعی به‌خود اختصاص داده‌اند.	پیمایش	ابراهیمی‌لویه، صحبتی‌ها و رضایی‌زاده (۱۳۹۳)
استفاده از اینترنت با بتای ۰/۲۸ تأثیر مستقیم بر انزوای اجتماعی استفاده‌کنندگان دارد.	پیمایش	مصطفوی‌کهنگی (۱۳۹۳)
بین مدت زمان عضویت، میزان استفاده، میزان مشارکت و فعالیت، استفاده هدفمند از فیس‌بوک و انزوای اجتماعی، رابطه معکوس و معناداری وجود دارد، اما بین استفاده غیرهدفمند از فیس‌بوک و انزوای اجتماعی، همبستگی مستقیم و معناداری وجود دارد.	پیمایش	رسول‌زاده‌اقدام و دیگران (۱۳۹۳)
بین بیگانگی اجتماعی و مؤلفه‌های آن بویژه انزوای اجتماعی با بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان، رابطه وجود دارد. رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که مؤلفه‌های بیگانگی	پیمایش	فولادیان (۱۳۹۴)

اجتماعی به تنهایی ۴۰٪ از کل تغییرات متغیر بی تفاوتی اجتماعی را توجیه می‌کند.		
میزان بیگانگی اجتماعی در بین گروه شاغلان اداری و دفتری و نیز در میان افراد دارای تحصیلات کمتر در سطح بالایی قرار دارد. بین اعتماد اجتماعی و رضایت اجتماعی با بیگانگی اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد.	پیمایش	رضایی، بساطیان و جعفریان (۱۳۹۴)
بین سن و وضعیت تأهل با بیگانگی اجتماعی، تفاوت معناداری وجود دارد، اما بین جنسیت و پایگاه اقتصادی - اجتماعی با بیگانگی اجتماعی، تفاوت معناداری وجود ندارد.	پیمایش	محمدی، قهرمان و فتاحی (۱۳۹۴)
مردان مجرد اغلب نسبت به زنان مجرد، به انزوای اجتماعی بیشتری دچار می‌شوند، چرا که مردان، نیازهای عاطفی خود را اغلب در ارتباط با شرکای جنسی‌شان ارضاء می‌کنند، ولی زنان این نیاز را در ارتباط با شبکه اجتماعی، دوستان و آشنایان خود تأمین می‌کنند.	پیمایش	Vandervoort (2000)
میزان انزوای اجتماعی با توجه به سطح فردی ویژگی‌های پاسخ‌دهنده، ترکیب شبکه اجتماعی و برخی از انواع مشارکت سازمانی با فقر محله، مرتبط است.	پیمایش	Bruce & Quane (2000)
۲۴٪ از افراد نمونه تحقیق - که از آمریکاییان بالغ و در سطح ملی انتخاب شدند - دچار بیگانگی و انزوای اجتماعی بودند. همین نسبت در میان پاسخ‌گویان سیاه‌پوست ۳۴٪ بود.	پیمایش	Heriss (2006)
نتایج تحقیق حاکی از آن است که عوامل چون فردیت، هتک شخصیت و مشغله فکری افراد بر انزوای اجتماعی، تأثیر دارند.	پیمایش	Fridenberg (2008)
استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی هم‌چون تلفن همراه و اینترنت، باعث انزوای اجتماعی نمی‌شوند، بلکه این فناوری‌ها باعث درگیری یا مشارکت اجتماعی بیشتر می‌شوند.	پیمایش	Hamptont, etal (2009)
انزوای اجتماعی در میان گروه‌های مختلف سنی متفاوت نیست، اما افراد پیرتر احساس انزوای بیشتری نسبت به افراد جوان‌تر دارند.	پیمایش	York & Waite (2009)

ملاحظات نظری

برگر (Beckford, 1992: 9) به‌عنوان یک جامعه‌شناس دینی معتقد است «دین در طول زمان از بین نرفته و نخواهد رفت و این به‌خاطر کارکرد معنادهی است که دین همیشه آن را به عهده داشته است. از نظر وی، دین یکی از مهم‌ترین اشکال نظام معنایی است که جهان بیرونی را در نظامی مشخص معنا می‌کند و آن را برای تفسیر جهان بیرونی به مؤمنان القاء می‌کند». دغدغه اصلی دورکیم، از بین بردن بی‌هنجاری^۱ در جامعه و برقراری نظم بود، از این‌رو، همواره در تحلیل‌های

اجتماعی خود به پدیده‌ای انسجام‌بخش و پیوند دهنده می‌اندیشید. بنابراین می‌توان جامعه‌شناسی دین و تبیین او درباره نقش دین در جامعه، به‌عنوان بخشی از دستگاه نظری وی در حذف بی‌هنجاری قلمداد کرد. دورکیم در صور ابتدایی حیات دینی، نشان می‌دهد دین یک پدیده اجتماعی است و در زمینه اجتماعی تکامل می‌یابد. زمانی که انسان‌ها اشیای مقدس را می‌ستایند، در واقع، به‌طور ناخودآگاه قدرت جامعه خود را مورد ستایش قرار می‌دهند. این قدرت چندان از وجود بشر فراتر می‌رود که برای متصور ساختن آن باید معنای مقدس به آن بخشد (کوزر، ۱۳۷۲: ۱۹۱؛ دورکیم، ۱۳۸۴: ۱۲۳-۱۲۴). دورکیم معتقد است مشارکت در امور گروهی و یا جامعه می‌تواند منجر به افزایش احساس تعلق به گروه و یا جامعه شود، زیرا زمانی که افراد تماس‌های مکرر و گسترده با یکدیگر داشته باشند، دل‌مشغولی‌ها، منافع مشترک و پیوندهای عاطفی، آنها را به یکدیگر نزدیک می‌کند و احساس تعلق ناشی از این پیوندها باعث می‌شود نه تنها اعتماد اجتماعی در بین افراد جامعه افزایش یافته، بلکه موجب کاهش میزان انزوای اجتماعی خواهد شد. در نتیجه، می‌توان شاهد این بود که آنها از خودشان برای گروه و یا جامعه مایه بگذارند (Ritzer, 2011: 95). بنابراین دین در پیوند اعضای جامعه و همبستگی اجتماعی کارکرد مثبتی دارد.

توماس اُدی (Thomas oddy, 1966؛ به نقل از توسلی، ۱۳۸۰: ۱۴۱) نیز با طرح شش کارکرد عمده دین (حمایتی، کششی، هویت‌بخشی، رشددهی، هنجاری و مشروعیت‌بخشی و پیامبرانه) به چگونگی اثرات آن در کاهش بیگانگی و انزوای اجتماعی اشاره می‌کند. چنان‌که ملاحظه می‌شود، چهار مورد از موارد نامبرده، به‌کار ویژگی‌های دین در انطباق فردی و شکل‌دهی به هویت افراد محسوب می‌شود که هر یک به نحوی در جذب فرد در نظام اجتماعی مؤثر است. کارکرد پنجم به کارکرد اجتماعی دین در هنجاری‌بخشی و مشروعیت‌بخشی به هنجارها (نظارت اجتماعی) ارتباط می‌یابد. دین با تقدیس‌بخشی هنجارها، نظم اجتماعی را مشروعیت می‌بخشد و اهداف گروهی را بر خواسته‌های فردی اولویت می‌نهد. از این طریق دین می‌تواند مانع از انزوای اجتماعی و جدایی فرد از ارزش‌های آن شود. دسته آخر نیز به کارکرد انقلابی و پیامبرانه دین اختصاص دارد که عامل انسجام درون‌گروهی و در عین حال تغییر و دگرگونی اجتماعی است. در عین حال، توماس اُدی تأکید می‌کند که دین دست کم با تکیه بر کارکردهای حمایتی و هنجاری‌بخشی می‌تواند عاملی برای انزوا و

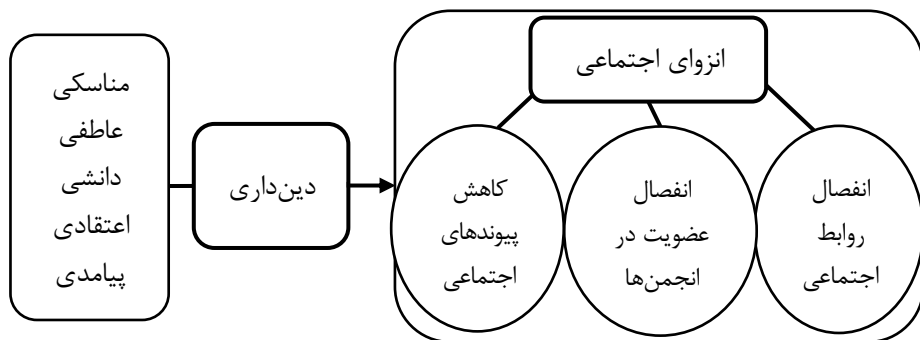
بیگانگی فرد از خود و جامعه باشد.

یینگر (Yinger, 1977: 68)، نظریه پرداز مشهور و جامعه شناس دین، از زاویه ای دیگر به نقش دین در کاهش انزوای اجتماعی اشاره می کند. از نظر وی، دین که برای کاهش اضطراب و حل مسائل معنانشناسی بشر آمده، عامل اصلی خلق ارزش ها و هنجارهای عملی برای معنایابی است. به زعم وی، عضویت در گروه های دینی می تواند هویت ثابت و مشخصی را برای افراد پدید آورد که در مقایسه با سایر گروه های صنفی، کمتر ابزاری و آنی بوده و می تواند روابط مداوم، ثابت، غیر حسابگرانه و هنجاری را برای افراد به ارمغان آورد (Robertson, 1978: 308). بدین ترتیب وی معتقد است دین در گروه های دینی کارکرد انسجام بخشی و مشروعیت دهی به هنجارهای گروهی را به بار خواهد آورد. در واقع، کارکرد ادیان مختلف در برآوردن نیاز طبیعی بشر، معنابخشی و تعریف جایگاه فرد در نظام هستی می تواند از طریق عضویت فرد در نظام های گروهی و مشارکت در هنجارهای آن به شکل قوی تری برای وی درآید. «به نظر می رسد که ادیان خاص را باید بیان نمادین مشروعیت های گروه معینی تلقی کرد و این ادیان باید بتوانند به مسائل اخلاقی و متافیزیکی که برای افراد مطرح می شود، پاسخ دهند» (توسلی، ۱۳۸۰: ۱۰۵). در واقع، به دلیل تعلق فرد به گروه و پایبندی وی به آن، کارکرد معنابخشی دین تقویت شده و فرد به دلیل پایبندی به گروه دینی، به میزان بیشتری به معرفت بخشی دین مربوطه ایمان می آورد. هر نظام دینی علی رغم ویژگی تضاد با سایر ادیان و دیگر نظام های نظری، انسجام درون گروهی را می توان افزایش داده و موجبات پایبندی افراد به هنجارها و ارزش های گروهی را فراهم آورد (Robertson, 1978: 306). در اینجا رویکرد یینگر در خصوص ویژگی تضادگری و انسجام بخشی دین کاملاً به مقصود ما نزدیک می شود. در واقع، دین با توجه به ویژگی ایدئولوژیک آن، افراد را در مقوله های متفاوت (مؤمن - ملحد) جای می دهد و از این طریق دسته بندی خودی - بیگانه را پدید می آورد. از این رهگذر، چنانچه یینگر به درستی اشاره می کند که دین، عاملی برای گسترش انسجام درون گروهی و بروز تضاد با گروه های غیر خودی است. دین با معنابخشی به زندگی پیروان، انسجام درون گروهی را افزایش داده و با تکیه بر قدرت انسجام درون گروهی، بر میزان مشروعیت کارکرد معنایابی آن افزوده می شود. یینگر با رویکردی جامعه شناختی به پدیده دین و نقش آن در برقراری دو نیاز اساسی (معنایابی و هنجارمندی) اشاره

دارد. تأکید وی بر نقش تبیین‌های دینی در حل بحران معنا، آن را به سمت مسأله هنجارهای گروهی و مشروعیت ارزش‌های جمعی سوق می‌دهد. از آنجا که دین عاملی مؤثر در جهت ارلئه تبیین‌هایی برای درک جهان و حل مسائل غایی بشری است، می‌تواند میان پیروان آن، یک وحدت رویه و انسجام عقیدتی فراهم آورد که خود منجر به تشکیل گروه‌های دینی ملتزم به دین مذکور گردد. این گروه‌ها تنها در صورتی مشروعیت بیشتری می‌یابند که بتوانند اعضا را در پذیرش تبیین‌های معناساختی دین ترغیب کنند. به همین ترتیب، هر چه اعضای گروه نسبت به دین مذکور ایمان و التزام بیشتری داشته باشند، به همان نسبت تبیین‌های دینی در مشروعیت‌بخشی به گروه دینی نیز بیشتر در افراد مؤثر خواهد افتاد. از این‌رو در نظر یی‌نگر، انسجام اجتماعی و پذیرش هنجارها و ارزش‌های اجتماعی با تکیه بر نقش دین قابل تبیین می‌گردد. در اینجا نیز همانند دیدگاه دورکیم در باب دین و نقش آن در کاهش بیگانگی، انزوای اجتماعی، افزایش انسجام اجتماعی و پیوند گروهی مواجه می‌شویم. یی‌نگر با پیوند میان بُعد معنایی دین و مشروعیت‌بخشی هنجاری آن بر گروه دینی، در واقع برای حل مشکل بیگانگی اجتماعی چاره‌ای می‌اندیشد و آن چیزی جز دین و التزام دینی نیست.

مدل تحلیلی تحقیق

بعد از ارائه چارچوب نظری در جمع‌بندی و به‌عنوان مدل مفهومی تحقیق، لازم به ذکر است که در این طرح جهت معرف‌سازی شاخص انزوای اجتماعی، از نظریه دورکیم، آدی، یی‌نگر، برگر، استارک و بین‌بریچ استفاده شده است که در نمودار ۱ نمایش داده شده است.



نمودار ۱) مدل مفهومی تحقیق

فرضیات تحقیق

تحقیق حاضر دارای یک فرضیه اصلی و پنج فرضیه فرعی است.

فرضیه اصلی

بین میزان دین‌داری و انزوای اجتماعی رابطه وجود دارد.

فرضیات فرعی

- بین بُعد مناسکی دین‌داری با میزان انزوای اجتماعی، رابطه وجود دارد.
- بین بُعد اعتقادی دین‌داری با میزان انزوای اجتماعی، رابطه وجود دارد.
- بین بُعد عاطفی دین‌داری با میزان انزوای اجتماعی، رابطه وجود دارد.
- بین بُعد دانشی دین‌داری با میزان انزوای اجتماعی، رابطه وجود دارد.
- بین بُعد پیامدی دین‌داری با میزان انزوای اجتماعی، رابطه وجود دارد.

روش و داده‌های مطالعه

مطالعه حاضر، به لحاظ اجرا از نوع پیمایشی؛ به لحاظ معیار زمان، مقطعی؛ به لحاظ معیار کاربرد، کاربردی و به لحاظ معیار ژرفایی، پهنانگر است. جمعیت آماری تحقیق، کلیه افراد ۱۵ ساله و بیشتر شهر مشهد در زمان مطالعه تشکیل می‌دهند که براساس برآوردهای جمعیتی از سرشماری سال ۱۳۹۰، تعداد کل آنها ۲۳۱۸۸۰۳ نفر بوده است. برای برآورد حجم نمونه ابتدا یک مطالعه مقدماتی روی ۳۰ نفر از افراد جامعه آماری انجام شد، تا پراکندگی صفات مورد مطالعه محاسبه شود و سپس با استفاده از فرمول کوکران^۱ با سطح اطمینان ۹۵٪ و دقت احتمالی ۵٪، حجم نمونه ۳۲۳ نفر مشخص شد. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، خوشه‌ای چندمرحله‌ای^۲ بوده است.

ابزار مورد استفاده در این مطالعه، پرسشنامه بود. پرسشنامه پس از احراز اعتبار^۳ و پایایی^۴ آن، در مراحل مقدماتی تحقیق - برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز - در مرحله نهایی مورد

1. Cochran
2. Multistage Cluster Sampling
3. Validity
4. Reliability

استفاده قرار گرفت. به همین منظور، ابتدا سعی شد گویه‌هایی که متغیرهای تحقیق را می‌سنجند، یا از گویه‌های تحقیق‌های پیشین استخراج شوند و یا برای انتخاب بهترین گویه‌ها، از نظرات محققین و استادان دیگر کمک گرفته شود. سپس یک بار دیگر پرسشنامه تدوین شده به استادان و متخصصان نشان داده شد و از نظرات آنها برای تصحیح پرسشنامه استفاده شد. بنابراین اعتبار تحقیق حاضر از نوع محتوایی^۱ است. برای سنجش پایایی نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که در تعریف عملیاتی متغیرها به آن اشاره شده است.

سنجش انزوای اجتماعی

تعریف نظری: منظور، احساس تنهایی عاطفی و اجتماعی است. فردی دچار تنهایی عاطفی است که از روابط و وابستگی‌های شخصی خود با دیگران ناراضی باشد و کسی را نداشته باشد که برای مهرورزی به او تکیه کند. تنهایی اجتماعی در نتیجه احساس عدم عضویت در یک گروه و نداشتن فعالیت‌های مشترک با دیگران ایجاد می‌شود (کلینکه، ۱۳۸۴: ۶۵).

تعریف عملیاتی: دو نمونه تنهایی وجود دارد. وایس (Weiss, 1973) بین احساس تنهایی عاطفی، ناشی از عدم وجود رابطه صمیمی یا یک دل‌بستگی عاطفی نزدیک (به‌عنوان مثال، یک شریک یا بهترین دوست) و تنهایی اجتماعی ناشی از عدم وجود گروه وسیع‌تری از مخاطبان و یا شبکه‌های اجتماعی (به‌عنوان مثال، دوستان، همکاران و مردم محله)، تفاوت قائل است. تنهایی عاطفی به‌عنوان مثال، در هنگامی که یک زندگی مشترک به وسیله طلاق به انتها می‌رسد، به‌وجود می‌آید و با احساس پوچی، رهاسازی و دل‌کندن مشخص می‌شود. هم‌چنین افراد جوان که به یک محله تازه وارد می‌شوند، مثالی از تنهایی اجتماعی هستند.

دو مقیاس قابل اعتماد و معتبر تنهایی در بسیاری از پروژه‌های تحقیقاتی استفاده شده است (Pinquart & Sörensen, 2001). اولین مقیاس تنهایی UCLA نام دارد (Russell, Peplau & Cutrona, 1980) که متشکل از ۲۰ سؤال، و نسخه کوتاه‌تر آن، مقیاس تنهایی UCLA سه

موردی است (Hughes, Adreus & Boonc, 2004). دومین مقیاس توسعه یافته توسط دی یونگ گیرولد، کمفیوس و تیلبرگ (De Jong & De Jong Gierveld & Kamphuis, 1985) (Gierveld & Tilburg, 1999) بیان شده است و متشکل از ۱۱ گویه است. مقیاس تنهایی دی یونگ گیرولد در آغاز در سال ۱۹۸۰ بیان شد. مفهوم پدیده تنهایی و اندازه گیری آن، از طریق مثلث بندی و یک روش گام به گام از مرحله کیفی تحقیقات و بررسی مطالعات، توسط دی یونگ گیرولد و کمفیوس (De Jong Gierveld, & Kamphuis, 1985) و دی یونگ گیرولد (De Jong, & Tilburg, 1999) طرح شد. مقیاس تنهایی دی یونگ گیرولد می تواند به عنوان مقیاس تنهایی یک بُعدی استفاده شود، اما مقیاس ها با تفاوت بین تنهایی اجتماعی و عاطفی که در مطالعات وایس (Weiss, 1973) بیان شد، بسط داده شدند. به همین دلیل، با توجه به سؤال پژوهش محققان می توانند به طور کلی تنهایی را با ۱۱ سؤال، تنهایی عاطفی را به شش سؤال و تنهایی اجتماعی را با پنج سؤال که در جدول ۲ آمده بسنجند.

اعتبار و قابل اعتماد بودن مقیاس تنهایی دی یونگ گیرولد برای تنهایی عاطفی و اجتماعی به اثبات رسیده است. جهت صحت روایی و پایایی از روش دو نیم کردن استفاده شده است. در پژوهش حاضر نیز میزان آلفا برای سازه انزوای اجتماعی ۰/۷۲۰ به دست آمده است که نشان گر پایایی مطلوب ابزار است.

جدول ۲) مقیاس تنهایی دی یونگ گیرولد

زیرمقیاس تنهایی اجتماعی	زیرمقیاس تنهایی عاطفی	
*		۱- همیشه کسی وجود دارد که می توانم در مورد مشکلات روزمره ام با او صحبت کنم.
	*	۲- دلم برای داشتن یک دوست نزدیک تنگ شده است.
	*	۳- پوچی را به معنای واقعی کلمه تجربه کردم.
*		۴- تعداد زیادی از افراد هستند که می توانم هنگام مشکلات به آنها تکیه کنم.

۵-	دلم برای لذت مصاحبت با دیگران تنگ شده است.	*
۶-	دایره دوستان و آشنایان من خیلی محدود است.	*
۷-	تعداد زیادی از افراد هستند که می‌توانم کاملاً به آنها اعتماد کنم.	*
۸-	به اندازه کافی افرادی هستند که می‌توانم خودم را به آنها نزدیک احساس کنم.	*
۹-	دلم برای دیدن دوستان و اطرافیانم، تنگ شده است.	*
۱۰-	اغلب احساس طرد شدن می‌کنم.	*
۱۱-	می‌توانم هر موقع که به دوستانم نیاز دارم، با آنها تماس بگیرم.	*

سنجش دین‌داری

تعریف نظری: تعاریف متعدد دین^۱ خود گواهی بر مشکل بودن ارائه تعریف دین است. از نظر لغوی، دین از ریشه اوستایی "دئنا" به معنی نفس و ذات و وجدان و در عربی به معنی اطاعت، کیش، آئین و داوری است. هم‌چنین دین در لغت به معنای قید و بند، الزام، تعهد، تکریم، تقدیس، شریعت (علیزاده، ۱۳۷۷: ۴۴) و یا مذهب، ورع، اطاعت و پاداش است (عمید، ذیل "دین"). دین‌داری عبارت است از «مجموعه شناخت‌ها، احساس‌ها و تمایلات نسبتاً پایدار و مثبت نسبت به دین که در وضعیت عادی، طبیعی، اجتماعی و روانی در فرد وجود داشته باشد و در کنش‌های وی نسبت به نیروی جذاب (خداوند) جهان، خود، جامعه و تاریخ به ظهور برسد» (حشمت‌یغمایی، ۱۳۸۰: ۱۹۰). در تحقیق حاضر، تعریف زیر پذیرفته شده است: «دین‌داری عبارت خواهد بود از پذیرش تمام یا بخشی از عقاید، اخلاقیات و احکام دینی به نحوی که شخص دین‌دار خود را ملزم به تبعیت و رعایت از مجموعه بدانند» (افشانی، ۱۳۸۵: ۱۰۵).

تعریف عملیاتی: گلاک و استارک^۲ با توجه به تناقض‌های نتایج تحقیقاتی که پیرامون دین‌داری انجام شده بود، کوشیدند ویژگی‌هایی را از میان این پژوهش‌ها برگزینند تا

براساس آن، یک مفهوم عملیاتی مشخص برای دین‌داری بسازند. به عقیده این دو محقق، علی‌رغم این‌که در ادیان تفاوت‌هایی وجود دارد، لیکن وجوه مشترکی را بین آنها می‌توان یافت. این عرصه‌ها، ابعاد اصلی دین‌داری را تشکیل می‌دهند و عبارتند از: ابعاد اعتقادی، مناسکی، پیامدی، عاطفی و فکری.

- **بُعد تجربی^۱ یا عواطف دینی:** عبارت از تصورات و احساساتی است که مربوط به داشتن رابطه با جوهری ربوبی هم‌چون خدا یا واقعیتی غایی و یا اقتداری متعالی است.

- **بُعد مناسکی^۲:** شامل اعمال دینی مشخص هم‌چون نماز، روزه و شرکت در آئین‌های مذهبی است که انتظار می‌رود پیروان هر دینی آنها را به‌جای آورند و بُعد پرستش و دعا شامل اعمال خصوصی و فردی است که فرد با رضایت خاطر و بدون اجبار انجام می‌دهد.

- **بُعد اعتقادی و باورهای دینی^۳:** که عبارت است از باورهایی که انتظار می‌رود پیروان دین مورد نظر، به آنها اعتقاد داشته باشند. در واقع، باورهای دینی عبارتند از نوعی ادراک فردی برخاسته از معرفت دینی که به فرد بینش خاصی نسبت به حقایق اصول دینی می‌دهد.

- **بُعد فکری یا دانش دینی^۴:** که مشتمل بر اطلاعات و دانسته‌های مبنایی در مورد معتقدات هر دین است که پیروان هر دین باید آنها را بدانند و در واقع، شامل حداقل شناخت از اصول، فروع، سنت‌ها و تاریخ دین است به نحوی که فرد خود را ملزم به انجام اعمال دینی دانسته و یا حداقل به آن گرایش یابد.

- **بُعد پیامدی^۵ یا آثار دینی:** که ناظر به اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره است. به عبارت دیگر، تأثیر و انعکاس دین در رفتارهای روزمره‌ی زندگی است.

برخی از پژوهشگران که دین‌داری یا موضوعات مرتبط با آن را در ایران مورد بررسی قرار داده‌اند، کوشیده‌اند تا ابعاد دین‌داری مدل یاد شده را بر اسلام منطبق کنند. از آن‌جا که پژوهشگران در مورد

-
1. Experience
 2. Characters
 3. Beliefs
 4. Religious Knowledge
 5. Consequences

چندبعدی بودن دین‌داری به دیدگاه واحدی نزدیک می‌شوند و همچنین مزیت نسبی مدل گلاک و استارک مورد تأیید برخی از صاحب‌نظران قرار گرفته است و بعضی پژوهش‌های مربوط به دین‌داری در ایران نیز بر اساس آن انجام شده، در پژوهش حاضر نیز سعی بر این است که برای سنجش دین‌داری مدل یاد شده، مورد استفاده قرار گیرد و بدین منظور، ابعاد این مدل با دین اسلام تطبیق داده شده است.

بر مبنای برخی از شاخص‌های مناسب جهت سنجش دین‌داری مسلمانان، جمعاً ۲۴ گویه طراحی شده است که ابعاد اعتقادی، پیامدی، عاطفی، و مناسکی هر کدام پنج گویه و بعد دانشی چهار گویه دارد. این گویه‌ها قبلاً توسط افشانی و دیگران (۱۳۸۹) استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

اطلاعات توصیفی مربوط به آزمودنی‌های پژوهش حاضر، در جدول ۳ نشان داده شده است. از مجموع ۳۲۳ پاسخگوی این تحقیق، ۴۷/۷٪ را مردان و ۵۲/۳٪ را زنان تشکیل داده‌اند. اکثر این افراد، متأهل و غیر شاغل بوده‌اند. جوان‌ترین پاسخگوی تحقیق، ۱۵ سال و مسن‌ترین آنها ۶۳ سال سن داشته‌اند.

جدول ۳) توزیع ویژگی‌های پاسخگویان

جنس	درصد	وضعیت تاهل	درصد	وضعیت اشتغال	درصد
مرد	۴۷/۷	مجرد	۳۹/۳	غیر شاغل	۵۰/۲
زن	۵۲/۳	متأهل	۵۷/۹	شاغل	۴۶/۷

سن	آماره	تحصیلات	آماره	درآمد ماهیانه خانواده (تومان)	درصد
کمترین	۱۵	کمترین	۰	کمتر از ۵۰۰ هزار	۴/۳
بیشترین	۶۳	بیشترین	۲۶	۵۰۰ هزار تا یک میلیون	۲۰/۱
میانگین	۳۲/۸۸	میانگین	۱۴/۴۱	یک تا یک و نیم میلیون	۲۰/۷

انحراف معیار	۱۱/۰۸۲	انحراف معیار	۳/۱۴	یک و نیم تا دو میلیون	۲۲/۹
دامنه تغییرات	۴۸	دامنه تغییرات	۲۶	بیش از دو میلیون	۲۷/۲

میانگین سواد افراد نیز در حد فوق دیپلم (۱۴/۴۱) بوده است و از نظر درآمدی نیز بیشترین پاسخها (۲۷/۲) در گروه بیش از دو میلیون تومان قرار داشته‌اند.

جدول ۴) آماره‌های توصیفی انزوای اجتماعی و ابعاد آن

ابعاد	امتیاز نظری	میانگین	انحراف معیار	دامنه تغییرات	حداقل نمره	حداکثر نمره
تنهایی عاطفی	۶-۳۰	۱۶/۸۶	۳/۳۹۵	۲۱	۶	۲۷
تنهایی اجتماعی	۵-۲۵	۱۲/۲۸	۳/۸۲۵	۱۸	۵	۲۳
انزوای اجتماعی (شاخص کل)	۱۱-۵۵	۲۹/۱۵	۶/۰۱۱	۳۵	۱۴	۴۹

در جدول ۴، حداقل و حداکثر نمره، دامنه تغییرات، میانگین و انحراف معیار انزوای اجتماعی به تفکیک ابعاد آورده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد میانگین شاخص کلی انزوای اجتماعی ۲۹/۱۵ و کمترین و بیشترین مقدار آن ۱۴ و ۴۹ است. بنابراین به‌طور کلی میانگین انزوای اجتماعی در میان شهروندان شهر مشهد، کمی پایین‌تر از حد متوسط (۳۳) است.

جدول ۵) آماره‌های توصیفی دین‌داری و ابعاد آن

ابعاد	امتیاز نظری	میانگین	انحراف معیار	دامنه تغییرات	حداقل نمره	حداکثر نمره
عاطفی	۵-۲۵	۲۲/۲۵	۳/۴۱۶	۱۴	۱۱	۲۵
مناسکی	۵-۲۵	۱۱/۶۱	۳/۵۸۶	۱۶	۵	۲۱
اعتقادی	۵-۲۵	۲۱/۷۳	۳/۵۹۱	۱۶	۹	۲۵
دانشی	۴-۲۰	۱۱/۶۴	۳/۱۲۵	۱۶	۴	۲۰
پیامدی	۵-۲۵	۱۹/۳۶	۳/۸۳۲	۱۸	۷	۲۵
دین‌داری (شاخص کل)	۲۴-۱۲۰	۸۶/۶۱	۱۳/۳۹۳	۷۱	۴۲	۱۱۳

در جدول ۵، حداقل و حداکثر نمره، دامنه تغییرات، میانگین و انحراف معیار متغیر دین‌داری به تفکیک ابعاد آورده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد میانگین شاخص کلی دین‌داری ۸۶/۶۱ و

کمترین و بیشترین مقدار آن ۴۲ و ۱۱۳ است. بنابراین به‌طور کلی میانگین دین‌داری در میان شهروندان شهر مشهد، بیش از حد متوسط (۷۲) است.

برای پاسخ به این سؤال که «میزان دین‌داری شهروندان شهر مشهد چگونه است؟» از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شد. برای سنجش میزان دین‌داری در پاسخگویان شهر مشهد، ۲۴ گویه در پرسشنامه گنجانده شد. با توجه به این که هر گویه پنج گزینه‌ای بود، کمترین امتیاز پاسخگویان از مجموع گویه‌ها ۲۴ و حداکثر ۱۲۰ خواهد شد. عدد ۷۲ به‌عنوان حد وسط دامنه مزبور انتخاب شد. اختلاف معنادار از ۷۲ به بالا، نشان دهنده بالاتر بودن میزان دین‌داری پاسخگویان از حد متوسط می‌باشد. هم‌چنین اختلاف معنادار از ۷۲ به پایین، نشان دهنده پایین‌تر بودن میزان دین‌داری پاسخگویان از حد متوسط می‌باشد. خروجی آزمون تی (t) که در جدول ۵ منعکس شده است، نشان داد که میانگین نمره میزان دین‌داری در نمونه مورد مطالعه، برابر با ۸۶/۶۱ شده است. هم‌چنین اندازه تی (t) برابر ۱۹/۵۷۲ و سطح معناداری ($\text{sig}=0/001$) از ۰/۰۵ کمتر شده است، یعنی به‌طور معناداری میانگین میزان دین‌داری بیشتر از ۷۲ بوده است. بنابراین در مجموع، میزان دین‌داری پاسخگویان بیشتر از حد متوسط (۷۲) بوده است.

جدول ۶) خروجی آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای بررسی وضعیت میزان دین‌داری و میزان انزوای اجتماعی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	تی	سطح معناداری
میزان دین‌داری	۸۶/۶۱	۱۳/۳۹۳	۱۹/۵۷۲	۰/۰۰۱
میزان انزوای اجتماعی	۲۸/۹۰	۶/۰۱۱	-۱۲/۲۵۷	۰/۰۰۱

برای پاسخ به این سؤال که «میزان انزوای اجتماعی شهروندان شهر مشهد چگونه است؟» از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شد. برای سنجش میزان انزوای اجتماعی در شهر مشهد ۱۱ گویه در پرسشنامه گنجانده شد. با توجه به این که هر ۱۱ گویه پنج گزینه‌ای بود، کمترین امتیاز پاسخگویان از مجموع گویه‌ها ۱۱ و حداکثر ۵۵ خواهد شد. عدد ۳۳ به‌عنوان حد وسط دامنه مزبور انتخاب شد. اختلاف معنادار از ۳۳ به بالا، نشان دهنده بالاتر بودن میزان انزوای اجتماعی پاسخگویان از حد متوسط می‌باشد. هم‌چنین

اختلاف معنادار از ۳۳ به پایین، نشان دهنده پایین تر بودن میزان انزوای اجتماعی پاسخگویان از حد متوسط می باشد. خروجی آزمون تی (t) که در جدول ۶ منعکس شده است، نشان داد که میانگین نمره میزان انزوای اجتماعی در نمونه مورد مطالعه برابر با ۲۸/۹۰ شده است. همچنین اندازه تی (t) برابر ۱۲/۲۵۷- و سطح معناداری ($\text{sig}=0/001$) از ۰/۰۵ کمتر شده است، یعنی به طور معناداری میانگین میزان انزوای اجتماعی کمتر از ۳۳ بوده است. بنابراین در مجموع، میزان انزوای اجتماعی پاسخگویان کمتر از حد متوسط (۳۳) بوده است.

جدول ۷) خروجی آزمون تی مستقل جهت مقایسه میزان انزوای اجتماعی و دین داری بر حسب وضعیت تأهل

متغیر	وضعیت تأهل	میانگین	انحراف معیار	تی	درجه آزادی	سطح معناداری
دین داری	متاهل	۸۹/۸۱	۱۲/۱۱۵	-۵/۵۲۵	۳۱۱	۰/۰۶۷
	مجرد	۸۱/۶۴	۱۳/۸۴۴			
انزوای اجتماعی	متاهل	۲۸/۳۴	۵/۹۱۱	۱/۹۹۷	۳۱۲	۰/۵۸۰
	مجرد	۲۹/۷۰	۵/۹۸۲			

همان طور که نتایج آزمون تی مستقل در جدول ۷ نشان می دهد، بین میانگین دین داری متأهلین و مجردین ساکن شهر مشهد تفاوت معناداری وجود ندارد ($P > 0/05$). همچنین بین میانگین انزوای اجتماعی متأهلین و مجردین ساکن شهر مشهد تفاوت معناداری وجود ندارد ($P > 0/05$).

جدول ۸) خروجی آزمون تی مستقل جهت مقایسه میزان انزوای اجتماعی و دین داری بر حسب جنسیت

متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	تی	درجه آزادی	سطح معناداری
دین داری	مرد	۸۵/۱۴	۱۳/۷۱۵	-۱/۸۹۶	۳۲۰	۰/۳۳۳
	زن	۸۷/۹۶	۱۲/۹۸۷			
انزوای اجتماعی	مرد	۲۹/۴۰	۵/۸۵۷	۱/۴۳۴	۳۲۱	۰/۵۵۹
	زن	۲۸/۴۴	۶/۱۲۸			

همان‌طور که نتایج آزمون تی مستقل در جدول ۸ نشان می‌دهد، بین میانگین دین‌داری مردان و زنان ساکن شهر مشهد تفاوت معناداری وجود ندارد ($P > 0.05$). هم‌چنین بین میانگین انزوای اجتماعی زنان و مردان ساکن شهر مشهد تفاوت معناداری وجود ندارد ($P > 0.05$).

جدول ۹) ماتریس همبستگی بین متغیر دین‌داری با انزوای اجتماعی و ابعاد آن

متغیر	شاخص	انزوای عاطفی	تنهایی اجتماعی	انزوای اجتماعی
دین‌داری	ضریب همبستگی	-۰/۱۳۱	-۰/۱۵۴	-۰/۱۷۳
	سطح معناداری	۰/۰۲۲	۰/۰۰۶	۰/۰۰۲

چنان‌که در جدول ۹ مشاهده می‌گردد، سطح معناداری آزمون پیرسون ($sig=0.002$) حکایت از وجود همبستگی معکوس و معنادار بین متغیر دین‌داری و میزان انزوای اجتماعی دارد. هم‌چنین هر دو بُعد انزوای اجتماعی با متغیر دین‌داری، همبستگی معکوس و معناداری داشتند. بنابراین، یافته‌های پژوهش حاضر از فرضیه اصلی مبنی بر وجود همبستگی معنادار بین دین‌داری و میزان انزوای اجتماعی حمایت می‌کند.

جدول ۱۰) خروجی آزمون پیرسون برای بررسی رابطه ابعاد دین‌داری با انزوای اجتماعی

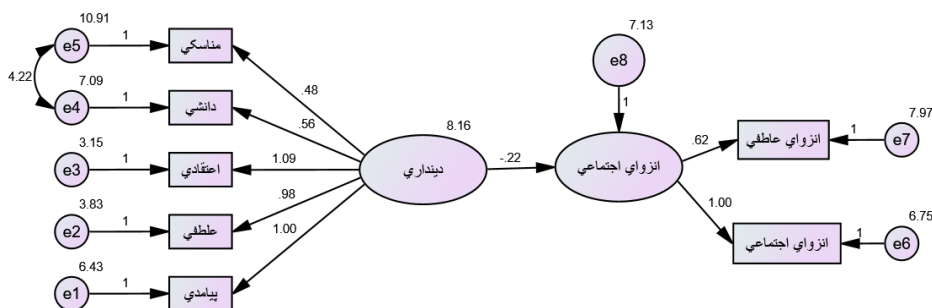
ابعاد دین‌داری	ضریب همبستگی	سطح معناداری
عاطفی	-۰/۱۳۹	۰/۰۱۲
مناسکی	-۰/۰۹۶	۰/۰۸۶
اعتقادی	-۰/۱۱۸	۰/۰۳۵
دانشی	-۰/۰۸۰	۰/۱۵۶
پیامدی	-۰/۲۱۵	۰/۰۰۱

براساس اطلاعات جدول ۱۰، بین میزان دین‌داری مناسکی و دانشی با انزوای اجتماعی، رابطه معناداری وجود ندارد، اما بین دین‌داری اعتقادی، پیامدی و عاطفی با انزوای اجتماعی، رابطه معکوس

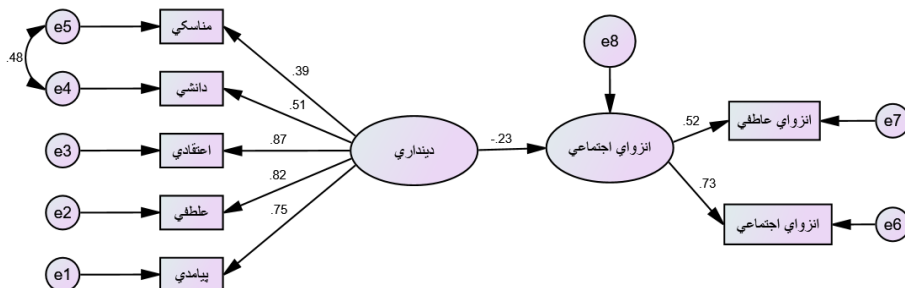
و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه میزان دین‌داری اعتقادی، پیامدی و عاطفی افزایش پیدا کند، انزوای اجتماعی کاهش خواهد یافت. بنابراین از بین فرضیه‌های فرعی این تحقیق، فرضیه‌های اول و دوم تأیید نشد، اما فرضیه‌های سوم، چهارم و پنجم تأیید شد.

مدل سازی معادلات ساختاری

به منظور تعیین رابطه دین‌داری و انزوای اجتماعی از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. همان‌گونه که در نمودار ۲ و نمودار ۳ مشخص است، بعد اعتقادی مهم‌ترین مؤلفه متغیر مکنون دین‌داری است. مهم‌ترین مؤلفه متغیر انزوای اجتماعی نیز، بعد انزوای اجتماعی است. هم‌چنین تأثیر دین‌داری بر انزوای اجتماعی، منفی و معنادار است. به عبارت دیگر، هر چه دین‌داری فرد بیشتر باشد، انزوای اجتماعی او پایین‌تر است.



نمودار ۲) رابطه دین‌داری و انزوای اجتماعی (مدل در حالت غیراستاندارد)



نمودار ۳) رابطه دین‌داری و انزوای اجتماعی (مدل در حالت استاندارد)

در این پژوهش برای ارزیابی مدل از مشخصه‌های $cmin/df$ ، RMSEA، GFI، NFI، CFI و IFI استفاده شده است. شاخص $cmin/df$ فاقد یک معیار ثابت برای یک مدل قابل قبول است، اما مقدار کوچک $cmin/df$ دلالت بر برازش بهتر مدل دارد، معمولاً مقادیر کمتر از سه مطلوب فرض می‌شود. توصیه شده است از جذر برآورد واریانس خطای تقریب^۱ که به عنوان اندازه تفاوت برای هر درجه آزادی ارائه کرده است، استفاده شود. شاخص RMSEA برای مدل‌های خوب برابر با ۰/۰۸ یا کمتر است. مقادیر بالاتر از آن تا حد ۰/۱، نشان‌دهنده خطای معقولی برای تقریب در جامعه است. مدل‌هایی که RMSEA آنها ۰/۱۰ یا بیشتر باشد، برازش ضعیفی دارند. در برنامه ایموس^۲، شاخص برازندگی GFI نشان می‌دهد که مدل تا چه حد نسبت به عدم وجود آن، برازندگی بهتری دارد. بر پایه قرارداد، مقدار GFI، AGFI، NFI، IFI و CFI باید برابر یا بزرگتر از ۰/۹۰ باشد، تا مدل پذیرفته شود.

جدول (۱۱) شاخص‌های نیکویی برازش مدل

شاخص	Cmin	Df	$cmin/df$	RMSEA	GFI	AGFI	CFI	NFI	IFI
مقدار	۳۵/۶۹۱	۱۲	۲/۹۷۴	۰/۰۷۸	۰/۹۷۲	۰/۹۳۴	۰/۹۶۷	۰/۹۵۲	۰/۹۶۸

با توجه به خروجی ایموس که در جدول ۱۱ ارائه شده، مقدار $cmin/df$ محاسبه شده ۲/۹۷۴ است. همچنین ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMosSEA) در مدل اصلاح شده برابر ۰/۰۷۸ است. میزان مولفه‌های GFI، AGFI، CFI، NFI و IFI نیز به ترتیب برابر ۰/۹۷۲، ۰/۹۳۴، ۰/۹۶۷، ۰/۹۵۲ و ۰/۹۶۸ است. بنابراین با توجه به شاخص‌ها و خروجی‌های نرم‌افزار ایموس و توضیحات ارائه شده در ابتدای این بحث، می‌توان گفت مدل از برازش مطلوبی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر به منظور بررسی رابطه میزان دین‌داری با میزان انزوای اجتماعی در شهر مشهد انجام شد. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که بین میزان دین‌داری و میزان انزوای اجتماعی، رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. در برخی تحقیقات دیگر نیز این نتیجه حاصل شده است

(بنی فاطمه و رسولی، ۱۳۹۰). هم‌چنین بین دین‌داری و ابعاد دوگانه انزوای اجتماعی (تنهایی عاطفی و تنهایی اجتماعی) نیز همبستگی معنادار وجود داشت. در باب تأثیر دین‌داری و مذهب بر انزوای اجتماعی، نظریه‌پردازان مختلفی سخن رانده‌اند. از جمله این صاحب‌نظران، استارک و بین‌بریچ هستند که معتقدند علم قادر نیست وجود بشر را معنادار سازد. به عبارتی، افراد نمی‌توانند به شیوه علمی هویت خودشان را به‌دست آورند. از نظر مردم، تنها خداوند است که می‌تواند چنین کارهایی انجام دهد. به نظر این نظریه‌پردازان، جز خداوند که منشأ دین‌داری است، کسی نمی‌تواند به افراد معنا دهد. برگر نیز معتقد است کارکرد اصلی دین، معنادهی به افراد است. به عبارتی دیگر، دین یکی از مهم‌ترین اشکال نظام معنایی جهان به‌شمار می‌رود. یونگ و ویلسون نیز دین‌داری را یکی از عوامل مؤثر بی‌معنایی می‌دانند و معتقدند که دین‌داری پایین در یک جامعه، منجر به افزایش بی‌معنایی و در نتیجه کاهش انزوای اجتماعی را به همراه خواهد داشت. دورکیم و پوتنام از جمله مهم‌ترین صاحب‌نظرانی هستند که در باب دین‌داری و انزوای اجتماعی سخن گفته‌اند. آنها معتقد است که دین عاملی است برای پیوند اعضای جامعه و موجبات حفظ و تحکیم همبستگی و انسجام اجتماعی را فراهم و از این طریق، انزوای اجتماعی را کاهش می‌دهد. توماس آدی نیز با طرح کارکردهای دین، به چگونگی اثرات آن در کاهش انزوای اجتماعی اشاره می‌کند. وی معتقد است دین با تقدیس هنجارها (رسمی، غیررسمی)، نظم اجتماعی را مشروعیت می‌بخشد و اهداف گروهی را بر خواسته‌های فردی، اولویت می‌بخشد که از این طریق، دین مانعی برای افزایش انزوای اجتماعی محسوب خواهد شد. یینگر از جمله نظریه‌پرداز مشهور و جامعه‌شناس دین، معتقد است دین عاملی مؤثر در کاهش انزوای اجتماعی است. از نظر وی دین با ایجاد همبستگی و انسجام در گروه‌های دینی، کارکرد انسجام‌بخشی و مشروعیت‌بخشی به هنجارهای گروهی را به بار خواهد آورد که در نتیجه، این همبستگی و انسجام میزان انزوای اجتماعی، کاهش خواهد یافت. بنابراین همسو با نظریات استارک و بین‌بریچ، برگر، یونگ و ویلسون، دورکیم، پوتنام، آدی و یینگر است که یافته‌های تحقیق حاضر نیز، نشان از همبستگی معکوس و معنادار میزان دین‌داری و میزان انزوای اجتماعی داشت. بنابراین هر چه روحیه مذهبی و اعتقاد دینی افراد بالاتر رود، آنها انزوای

اجتماعی کمتری را احساس خواهند کرد.

یافته‌های این تحقیق نشان داد بین سه بُعد از ابعاد دین‌داری (اعتقادی، عاطفی و پیامدی) رابطه مستقیم و معناداری با انزوای اجتماعی وجود دارد. در واقع، این نتیجه‌ای است که همسو با نظریات صاحب‌نظرانی چون دورکیم و پوتنام و همچنین تحقیقات پیشین بوده که نشان داد، دین‌داری می‌تواند در انسجام‌بخشی اجتماعی، تسهیل در جامعه‌پذیری و هنجارهای اجتماعی، تحکیم عواطف مشترک، تقویت پایه‌های کنترل اجتماعی، افزایش آرامش خاطر، تقویت روحیه گروهی، همکاری و تعاون، برقراری کنش‌های اجتماعی مبتنی بر اعتماد و صداقت و تقویت مشارکت فعالانه و نظایر آن نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای ایفاء نماید. از آنجایی که ادیان از نشست‌های عمومی و از مراسم و مناسکی برخوردارند و باعث توسعه و شیوه همکاری و تعاون و آگاهی از مسائل اجتماعی می‌گردند و ادیانی که بیشتر از مراسم و مناسک عمومی برخوردارند، در افزایش شبکه‌های روابط و پیوندهای اجتماعی و کاهش انزوای اجتماعی، نقش بیشتری ایفاء می‌کنند. دین اسلام بویژه مذهب تشیع، به دلیل ماهیت جمعی فراوانی که دارد، می‌تواند نقش بسیار مهمی در کاهش انزوای اجتماعی ایفاء نماید. انواع مراسم و مناسک مذهبی که در ماه‌های مختلف سال و به مناسبت‌های مهم برگزار می‌گردد (شامل فعالیت‌های جمعی، مانند مراسم‌های مذهبی و نماز جماعت)، در نتیجه آن، شبکه روابط افراد گسترده‌تر شده و باعث ایجاد پیوندهای اجتماعی می‌گردد و از این طریق، میزان انزوای اجتماعی را کاهش می‌دهد و این یکی از مزایایی است که استفاده از این قابلیت می‌تواند در جهت افزایش پیوندهای اجتماعی و کاهش سطح انزوای اجتماعی عمل نماید.

از دیگر سو، اقدامات معقول و منطقی برای کاهش انزوای اجتماعی، افزایش میزان دین‌داری مناسکی است که به نظر می‌رسد نقش کلیدی در کاهش میزان انزوای اجتماعی داشته باشد. از آنجایی که مناسک و مراسم دینی، نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش میزان انزوای اجتماعی (از طریق گسترش پیوندهای اجتماعی و شبکه روابط اجتماعی افراد) دارند، لذا کیفیت برگزاری این مراسم، از اهمیت بالایی برخوردار است و باید با برنامه‌ریزی‌های ویژه و کارشناسی شده، برگزار گردد تا هر روز شاهد افزایش تعداد شرکت‌کنندگان در این مراسم باشیم و از این طریق،

بستر مناسب جهت کاهش میزان انزوای اجتماعی را فراهم نمائیم. لازم به توضیح است که دین اسلام به دلیل ماهیت جمعی فراوانی که دارد، می‌تولند نقش بسیار مهمی در کاهش میزان انزوای اجتماعی ایفاء نماید. انواع مراسم و مناسک مذهبی که در ماه‌های مختلف سال و به مناسبت‌های مهم برگزار می‌شود، یکی از مزایایی است که استفاده مطلوب از آن می‌تواند، در کاهش میزان انزوای اجتماعی در بین شهروندان مؤثر باشد. بر این اساس، مسؤولیت سازمان‌های متولی مراسم و مناسک مذهبی، از جمله اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، صدا و سیما، سازمان تبلیغات اسلامی و ... مضاعف می‌شود و می‌طلبد که در برنامه‌ریزی و اقدامات مختلف خود، به این نکته توجه داشته باشند که یکی از راه‌های کاهش میزان انزوای اجتماعی، افزایش میانگین دین‌داری مناسکی در بین افراد، از طریق برگزاری با کیفیت مناسک و مراسم مختلف دینی و مذهبی است.

در یک جمع‌بندی نهایی باید گفت که نتایج این تحقیق، همسو با انتظار نظری تحقیق و در راستای نظریه‌های دورکیم و پوتنام و سایر نظریه‌پردازان این حوزه است که معتقد بودند دین‌داری، زمینه کاهش انزوای اجتماعی در یک جامعه است.

منابع

- ابراهیمی لویه، عادل؛ صحبتی‌ها، علی؛ رضایی‌زاده، همایون (۱۳۹۳). "بیگانگی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: جوانان ۲۰ تا ۳۰ سال شهرستان خدابنده)". *بررسی مسائل اجتماعی*، دوره ۵، ش ۱۵ (بهار و تابستان): ۱-۱۸.
- ابراهیمی مقدمیان، محمود (۱۳۸۸). "بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر انزوای اجتماعی جوانان در شهر همدان". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- افشانی، سیدعلیرضا (۱۳۸۵). "تبیین جامعه‌شناختی گرایش به خرافات در ایران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- افشانی، سیدعلیرضا، و دیگران (۱۳۸۹). "پژوهشی در باب رابطه دینداری و اعتماد اجتماعی". *فصلنامه علوم اجتماعی*، دوره ۱۷، ش ۴۹ (تابستان): ۱۸۵-۲۱۷.
- بنی‌فاطمه، حسین؛ رسولی، زهره (۱۳۹۰). "بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن". *جامعه‌شناختی کاربردی*، دوره ۲۲، ش ۱ (بهار): ۱-۲۶.
- پیراسته‌مطلق، علی‌اکبر؛ پیراسته‌مطلق، علی‌اصغر؛ پیشرو نصرآبادسفلی؛ نظر (۱۳۹۱). "نقش اضطراب ناشی از ارزیابی منفی اجتماعی در انزوای اجتماعی نوجوانان". *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، دوره ۱، ش ۴ (زمستان): ۱۴۵-۱۵۶.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی دین*. تهران: سخن.
- جلالی‌پور، حمید (۱۳۸۹). "ایران، جامعه کژمدرن". *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۱، ش ۵ (بهار): ۲۲-۴۸.
- چلبی، مسعود؛ امیرکافی، مهدی (۱۳۸۳). "تحلیل چندسطحی انزوای اجتماعی". *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۵، ش ۱۸ (تابستان): ۳-۳۱.
- حشمت‌یغمایی، محمدتقی (۱۳۸۰). "دین‌داری نوجوانان و عوامل مؤثر بر آن". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی (تهران).
- حقیقتیان، منصور (۱۳۹۲). "عوامل اجتماعی مؤثر بر انزوای اجتماعی جوانان (مورد مطالعه: شهر

- اصفهان). "مطالعات توسعه ایران، دوره ۵، ش ۴ (پاییز): ۱۴۰-۱۸۰.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۷۹). در چیستی دین، فلسفه دین و کلام جدید. به کوشش محمدصفر جبرئیلی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ اسلامی، سازمان انتشارات.
- دورکیم، امیل (۱۳۶۹). تقسیم کار/اجتماعی. ترجمه باقر پرهام. بابل: کتابسرای بابل.
- _____ (۱۳۸۴). صور بنیادی حیات دینی. ترجمه باقر پرهام. تهران: نشر مرکز.
- ربیعی، علی؛ محمدزاده یزدی، فرشته (۱۳۹۲). "آسیب شناسی فضای مجازی، بررسی تأثیر استفاده از اینترنت بر انزوای اجتماعی دانشجویان". راهدرد/اجتماعی فرهنگی، دوره ۲، ش ۶ (بهار): ۴۳-۶۰.
- رسولزاده اقدام، صمد، و دیگران (۱۳۹۳). "تحلیل رابطه حضور در شبکه های اجتماعی فیس بوک و انزوای اجتماعی در بین جوانان شهر تبریز". توسعه/اجتماعی، دوره ۸، ش ۴ (تابستان): ۱۳۳-۱۵۴.
- رضایی، مریم؛ بساطیان، سیدمحمد؛ جعفریان، مرتضی (۱۳۹۴). "عوامل مؤثر بر بیگانگی اجتماعی زنان شاغل شهر خرم آباد". مطالعات ملی، دوره ۱۶، ش ۳ (زمستان): ۸۳-۱۰۰.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۴). "مدلی برای سنجش دین داری در ایران". جامعه شناسی ایران، دوره ۶، ش ۱ (بهار): ۳۴-۶۶.
- سجادیان، ایلناز؛ نادری، محمدعلی (۱۳۸۵). "ارتباط بین افسردگی و انزوای اجتماعی کاربران اینترنت نوجوان و جوان با مدت زمان روزانه معمول کاربری اینترنت". تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۴، ش ۷ (بهار و تابستان): ۸-۳۳.
- علمی، محمود؛ تقی لو، فرامرز؛ موسی زاده، رحیم (۱۳۹۲). "بررسی رابطه بیگانگی اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نقده". مطالعات جامعه شناسی، دوره ۲، ش ۶ (بهار): ۱۳۱-۱۵۴.
- علیزاده، سکینه (۱۳۷۷). "درآمدی بر مطالعات مردم شناسی دین". نمایه پژوهش، ش ۵ و ۶ (بهار و تابستان): ۴۳-۵۶.
- عمید، حسن. فرهنگ عمید، ج ۲. ذیل "دین".

- فولادیان، احمد (۱۳۹۴). "بررسی رابطه بین میزان بیگانگی اجتماعی و میزان بی تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد". *مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، دوره ۵، ش ۱۷ (بهار): ۱۲۵-۱۴۴.
- فیروزآبادی، سیداحمد؛ حسینی، سیدرسول؛ قاسمی، روح‌الله (۱۳۸۹). "مطالعه شاخص‌ها و رتبه توسعه اجتماعی در استان‌های کشور و رابطه آن با سرمایه اجتماعی". *رفاه اجتماعی*، دوره ۱۰، ش ۳۷ (تابستان): ۵۷-۹۳.
- کلانتری، عبدالحسین؛ بشیری گیوی، حسین؛ غلامی شاهسواری، سهیلا (۱۳۹۱). "بررسی جامعه‌شناسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر ازخودبیگانگی شهرنشینان شهر گیوی". *مطالعات توسعه اجتماعی/ایران*، دوره ۴، ش ۳ (تابستان): ۵۳-۶۳.
- کلینکه، کریس ال. (۱۳۸۴). *مهارت‌های زندگی*، ج ۱. ترجمه شهرام محمدخانی. تهران: اسپند هنر.
- کوزر، لوییس (۱۳۷۲). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- محسنی، منوچهر؛ دوران، بهزاد؛ سهرابی، محمدهادی (۱۳۸۵). "بررسی اثرات استفاده از اینترنت بر انزوای اجتماعی کاربران اینترنت (در میان کاربران کافی‌نت‌های تهران)". *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۷، ش ۴ (زمستان): ۷۲-۹۵.
- محمدی، حمید؛ قهرمان، علی؛ فتاحی، هوشنگ (۱۳۹۴). "بررسی جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بیگانگی اجتماعی جوانان با تأکید بر میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی (مطالعه موردی: شهر خوی)". *مطالعات امنیت اجتماعی*، دوره ۲، ش ۴۴ (زمستان): ۱۰۹-۱۳۷.
- مصطفوی کهنکی، فرحناز (۱۳۹۳). "آسیب‌شناسی تأثیر استفاده از اینترنت بر انزوای اجتماعی دانشجویان". *مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، دوره ۵، ش ۱۵ (پاییز): ۱۴۳-۱۵۶.
- یعقوبی دوست، محمود (۱۳۹۲). "بررسی رابطه بین انزوای اجتماعی با میزان خشونت والدین نسبت به فرزندان نوجوان". *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، دوره ۷، ش ۳ (پاییز): ۵۸-۷۲.

- Beckford, J. A. (1992). *Religion and advanced industrial societies*. New york: routledge.
- Bruce H. R.; Quane, J. M. (2000). "Neighborhood poverty and the social isolation of inner-city african american families". *Social forces*, Vol. 79, No. 1: 139-164.
- Burholt, V.; Wenger, G. (2004). "Changes in levels of social isolation and loneliness among older people in a rural area: a twenty-year longitudinal study". *Canadian journal of aging*, Vol. 23, No. 2: 115-127.
- Christina, V.; Scambler, S.; Bond, J. (2009). "The social world of older people understanding loneliness and social isolation in later life". *The british journal of social work*, Vol. 39, No. 6: 1175-1176.
- De Jong Gierveld, J.; Kamphuis F. (1985). "The development of a rasch-type loneliness scale". *Applied psychological measurement*, Vol. 9, No. 3: 289-299.
- De Jong Gierveld, J.; Tilburg, T.G. (1999). *Manual of the loneliness scale*. Amsterdam: vrije university, Amsteden.
- Friedenberg, E. (2008). *Coming of age in america*. Net york: Pantheon books.
- Hampton, K, et al. (2009). *Social isolation and new technology*. New york: Princeton survey research associates international.
- Heriss, A. P. (2006). "Alienation Internet and higher education". Vol. 8, No. 2: 97-110.
- Hughes, T.; Andrews, B.; Boonc, C. (2004). "Old drugs, new tricks: using genetically sensitized yeast to reveal drug targets". *Cell*, Vol. 116, No. 1: 5-7.
- Locher, J. L., et al. (2005). "Social isolation, support and capital and nutritional risk in an older sample: Ethnic and gender differences". *Social science and medicine*, Vol. 60, No. 4: 747 - 761.
- Mannarini, T.; Fedi, A.; Trippetti, S. (2010). "Public involvement: How to encourage citizen participation". *Journal of community and applied social psychology*, Vol. 20, No. 4: 262-274.
- Pinquart, M.; Sorensen, S. (2001). "Influences of socioeconomic status, social network and competence on subjective well-being in later life". *A meta analysis psychology and aging*, Vol. 15, No. 2: 187-224.
- Ritzer, G. (2011). *Sociological theories*. New york: Mc Graw-Hill.
- Robertson, R. (1978). "The problem of the two kingdom: religion, individual, and society in the work of J. Milton Yinger". *Journal for the scientific study of seligion*, Vol. 17, No. 3: 306-313.
- Russell, D.; Peplau, L. A.; Cutrona, C. E. (1980). "The revised UCLA lonelinessScale: concurrent and discriminate validity evidence". *Journal of personality and social psychology*, Vol. 39, No 3: 472-480.

- Seeman, M. (1983). "Alienation motifs in contemporary theorizing: The hidden continuity of classic themes". *Social psychology quarterly*, Vol. 46, No. 1: 171-184.
- Vandervoort, D. (2000). "Social isolation and gender". *Current psychology*, Vol. 19, No. 3: 229-236.
- Weiss, R. S. (1973). *Loneliness: The experience of emotional and social isolation*. Cambridge: MIT Press.
- Woolcock, M. (1998). "Social capital and economic development: Toward a theoretical synthesis and policy framework". *Theory and society*, Vol. 27, No. 2: 151-208.
- Yinger, J. M. (1977). "A comparative study of the substructures of religion". *Journal for the scientific study of religion*, Vol. 16, No. 1: 67-86.
- York, E.; Waite, L. (2009). "Measuring social isolation among older adults using multiple indicators from the NSHAP study". *Oxford university press on behalf of The gerontological society of america*, Vol. 27, No. 1: 115-123.

تحلیل انباشت سرمایه وقف در نواحی خراسان جنوبی

محمد حجی پور^۱

جواد کریمی پور^۲

گلزار حجی پور^۳

فاطمه نعمتی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۱۴

سال چهاردهم، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۷

شماره صفحه: ۶۰-۷۶

چکیده

وقف به عنوان یک نهاد ملی- مذهبی با نیت خیرخواهانه، در صورت برنامه ریزی و مدیریت عقلایی می تواند سرمایه ای برای توسعه فضای اجتماعی و جغرافیایی باشد. در حقیقت، موقوفات عمدتاً کالاهای سرمایه ای اعم از پول، زمین و مستغلات است که در محاسبات انباشت سرمایه هر فضای جغرافیایی، می تواند نقش قابل توجهی داشته باشد. بر پایه ی این رویکرد، در مقاله پیش رو تلاش گردیده تا به واکاوی توزیع جغرافیایی موقوفات استان در شهرستان های منتخب پرداخته شود. این تحقیق با مطالعه ی اسنادی انجام شده است. به منظور بازنمایی توزیع فضایی سرمایه های وقفی از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) استفاده شده است. در نهایت، از یافته ها می توان نتیجه گرفت که نابرابری در توزیع و انباشت سرمایه وقف میان نواحی استان، وجود دارد. هم چنین مدل تراکم و انباشت سرمایه وقفی در فضای جغرافیایی استان حاکی از الگوی قطبی است. به عبارتی، می توان قطب برخورداری از کالاهای سرمایه ای وقفی را در مرکز استان با اختلاف زیاد مشاهده نمود. از این رو، می توان انتظار داشت که اثربخشی وقف در اقتصاد فضا و

۱. استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه بیرجند، نویسنده مسؤول mhajipour@birjand.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه بیرجند javad.karimipoor2348@gmail.com

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه بیرجند ghajipour@birjand.ac.ir

۴. دانش آموخته کارشناسی جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه بیرجند f.nemati@gmail.com

رفاه انسانی، دارای تفاوت معناداری بین مناطق باشد.

واژگان کلیدی: توسعه اقتصادی، انباشت سرمایه، موقوفه، استان خراسان جنوبی

مقدمه

تلاش همگان در پهنه‌ی گیتی و نظامات برنامه‌ریزی، دستیابی به جامعه مطلوب و قرار گرفتن در مسیر توسعه است. "توسعه" در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ‌تر شدن است (Murray, 2001). عظیمی (۱۳۹۳: ۱۵) "توسعه" را به معنای بازسازی جامعه بر اساس اندیشه‌ها و بصیرت‌های تازه تعبیر می‌نماید. در پاسخ به این پرسش بنیادین «راه قرار گرفتن در فرایند توسعه چیست؟» نظرات گوناگونی طرح شده است. بروکفیلد^۱ معتقد است راه حصول توسعه کاهش فقر، بیکاری و نابرابری است (کامران، ۱۳۷۲: ۲۸). مایه^۲ معتقد است که در مراحل اولیه توسعه‌یافتگی، سرمایه‌گذاری بر روی منابع و سرمایه‌های فیزیکی لازم و اهمیت دارد. سیمون کوزنتس^۳ برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۱ میلادی، معتقد است که سرمایه‌گذاری در آموزش، عامل مهمی در توسعه کشور به حساب می‌آید (سبحانی، ۱۳۷۱: ۷۸)، چرا که بهبود در این قلمروها، باعث افزایش کیفیت عامل انسانی شده که این ارتقای کیفیت در عامل انسانی، پیامدهای گسترده‌ای از جمله بهبود در بهره‌وری سرمایه فیزیکی و مادی را نیز به همراه خواهد داشت (مایه، ۱۳۷۸: ۵۴). بدین‌سان، توسعه به معنای تلاش برای حل معضلات و مشکلات کنونی و حرکت به سوی آینده‌ای روشن و مورد پسند است.

حل مشکلات جامعه، تنها به‌وسیله دولت و دستگاه‌های اجرایی میسر نیست و نیازمند مشارکت مردم است (سلیمی‌فرد، ۱۳۸۷: ۲۳). بر این اساس، وقف نهادی است که از طریق آن می‌توان بخش قابل توجهی از مشکلات و تنگناهای جامعه را شناخت و اموال و دارایی‌های افراد نیکوکار را داوطلبانه در جهت رفع آنها به کار بست. در حقیقت، وقف یکی از انواع سرمایه‌های مادی است که با پشتیبان‌گیری از ایدئولوژی و مکاتب فکری، می‌تواند در فضای اجتماعی و استیلای توسعه،

1. Brookfield
2. Maye
3. Simon Kuznets

نقش آفرینی کند. وقف در لغت به معنی ایستادن و پابندگی (عمید، ذیل "وقف") و اصطلاحاً حبس کردن عین ملک یا مالی است که منافع آن در امور عام‌المنفعه مصرف شود و در اصطلاح فقهی، وقف عبارت است از «نگه داشتن و حبس کردن عین ملکی، بر ملک واقف آن، نه ملوک خدا و مصرف کردن منفعت آن در راه خدا» (دهخدا، ذیل "وقف").

بنابراین، وقف و بنیادهای خیریه وقفی از عناصری هستند که در طول تاریخ، نقش ارزنده‌ای در توسعه داشته‌اند. موقوفات از نظر درآمد و بهره مستمری که همیشه داشته‌اند، از بهترین و پایدارترین منابع مالی و حمایت کننده در عرصه توسعه برای بخش پژوهش و توسعه علم و دانش در جوامع اسلامی در طول تاریخ بوده است (امیدیانی، ۱۳۸۷: ۱۰). با توجه به این که، وقف یک سرمایه بالقوه و مهم برای کمک رساندن به توسعه فضایی به‌شمار می‌رود، از سوی دیگر، استان خراسان جنوبی به‌عنوان یکی از استان‌های کمتر توسعه یافته (نسبتاً نابرخوردار) در شرق کشور (اسلامی، ۱۳۹۱: ۶۱)، جزو مناطقی است که گرایش و توجه به امر وقف به دلیل علایق مذهبی بالا بوده، به گونه‌ای که مجموع کل وقف‌های استان ۹۷۸۰ موقوفه و ۵۰ هزار رقبه است که از این تعداد، بیش از ۷۰۰ وقف تنها طی پنج سال اخیر بوده است (بخشی‌پور، ۱۳۹۸). در این مطالعه تلاش شده است در راستای کمک به امر برنامه‌ریزی فضایی و مدیریت سرمایه وقف در فرایند توسعه سرزمین، به واکاوی توزیع جغرافیایی موقوفات استان در شهرستان‌های منتخب پرداخته شود. در حقیقت، پرسش اساسی این است که "دسترسی به سرمایه‌های وقفی در شهرستان‌های استان چگونه است؟" به عبارت دیگر، "میزان و نوع موقوفات مستقر در نواحی جغرافیایی استان دارای چه الگوی توزیعی است؟".

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

هر نوع دارایی‌های مالی یا ارزش دارایی‌های مالی نظیر وجه نقد موجود در حساب‌های بانکی، همین‌طور کارخانه‌ها، ماشین‌آلات و تجهیزاتی که برای تولید در اختیار شرکت هاست، "سرمایه" گفته می‌شود. سرمایه می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد. معنی دقیق آن به مفهومی که واژه سرمایه در آن مورد استفاده قرار می‌گیرد، بستگی دارد. عموماً، به منابع مالی

مورد استفاده، سرمایه گفته می‌شود. سرمایه ممکن است نقدی و یا غیر نقدی باشد. سرمایه نقدی که اکثر شرکت‌های سهامی دارند، وجه نقد است. سرمایه غیر نقدی مال یا امتیاز یا عملی است که شرکاء در ازاء قیمت سهام خریداری شده، می‌پردازند. سرمایه ابعاد گوناگونی دارد که هر کدام از نظر ماهیت، قلمرو و تأثیراتی که بر توسعه می‌گذارد، با یکدیگر متفاوتند و در عین حال، در فرایند توسعه و چگونگی شکل‌گیری آن لازم و ملزوم یکدیگرند که عبارتند از سرمایه ثابت اقتصادی، سرمایه مولد اقتصادی، سرمایه جاری و سرمایه ثابت اجتماعی. در مجموع سرمایه نقش مهمی در افزایش رشد و توسعه اقتصادی ایفاء می‌کند، زیرا این توانایی را دارد که در ترکیب بهینه با نیروی کار و فناوری، بخش تولید را به حرکت درآورده و با رونق تجارت، زمینه‌های بهبود سطح زندگی و رشد اقتصادی را فراهم آورد. فقدان سرمایه، یکی از علل اصلی گرفتار شدن بسیاری از کشورها در دور باطل فقر و توسعه‌نیافتگی شناخته شده و علاوه بر آن که بیکاری گسترده‌ای را به دنبال دارد، موجب عقب‌ماندگی سطح تولید ملی شده و نهایتاً به فقر اقتصادی می‌انجامد (فتحانی، ۱۳۹۵).

رویکرد سرمایه‌محور جهان امروز که در چرخه‌ی فزاینده‌ی قرار دارد، توجه به مسأله انباشت سرمایه را ناگزیر ساخته است، چرا که با ترکیب و امتزاج عناصر مهمی از ساخت فضا هم‌چون تولید، مالکیت و ایجاد ارزش افزوده، در تقویت اندام‌های هر اقتصاد و کنش اقتصادی نقش بی‌بدیلی را ایفاء می‌کند (افراخته و حجی‌پور، ۱۳۹۳: ۴۵). انباشت سرمایه یکی از اولین ضرورت‌های حرکت در مسیر توسعه صنعتی در کشورهای در حال توسعه است. ساختار نهاد دولت بر شیوه فراهم آوردن انباشت سرمایه مؤثر است و در مقابل سازوکار فراهم آوردن این انباشت، بر مسیر طی شده به‌وسیله دولت‌ها و شکل ساختارهای نهادی، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (کریمی موغاری و محمودیان، ۱۳۹۲: ۱۰۳). انباشت سرمایه به منظور فراهم آوردن ابزار و وسایل تولید ضروری محسوب می‌شود، به‌طوری که اگر جمعیت افزایش پیدا کند و هیچ انباشت سرمایه خالصی اتفاق نیفتد، این جمعیت افزایش‌یافته نخواهد توانست وسایل، ماشین‌آلات و سایر ابزار تولید را به‌دست آورد که در نتیجه، ظرفیت تولید تحت تأثیر قرار خواهد داد.

انباشت سرمایه در واقع به‌کارگیری ارزش مازاد به‌عنوان سرمایه، یا بازتبدیل ارزش اضافی به

سرمایه است (مارکس، ۱۳۸۸: ۶۲۴). بدین سان، انباشت سرمایه حاصل تبدیل اضافه ارزش به ثروتی که از پس انداز درآمد پدید آمده و برای کسب سود استفاده می شود، است (همان: ۶۳۳). انباشت سرمایه موتور محرکه توسعه و از جمله توسعه اقتصادی است که کنش آن طی سه فرایند عملی می گردد: اول، خلق ارزش اضافی از طریق کاربرد فنون و افزایش بهره وری؛ دوم، تبدیل سرمایه به دارایی ثابت از طریق ایجاد محیط مصنوع در جهت سودیابی بیشتر و سوم، افزایش ظرفیت تولید با واسطه سرمایه گذاری در علوم و تکنولوژی، با هدف اتصال علوم به تولید، سرمایه گذاری در هزینه های اجتماعی در راستای افزایش ظرفیت تولیدی نیروی انسانی و سرمایه گذاری در جذب، ادغام و کنترل نیروی کار (هاروی، ۱۳۸۷: ۵۲). در واقع، با وقوع انباشت سرمایه که در بسترهای تاریخی و جغرافیایی صورت گرفته است و اشکال خاص فضایی را نیز به وجود آورده است به گونه ای که بنا به اعتقاد هاروی^۱ (۱۳۸۷: ۲۸) «روند سرمایه عامل اصلی تولید و تحول فضا است». از این رو، فرایندهای مادی و فعالیت هایی که پایه شیوه تولید و بازتولید اجتماعی را می سازد، تعیین کننده نوع فضای تولیدی است. بنابراین، شکل و چگونگی فضا بیانگر شیوه تولید و آرمان های فرهنگی جامعه است (ژیلنیتس، ۱۳۹۳). سرمایه بودن وقف در اندیشه و دیدگاه بسیاری از پژوهشگران و محققان به چشم می خورد و تاکنون نیز مطالعاتی در این خصوص انتشار یافته است.

سلیمی فرد (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان "نقش وقف در تشکیل سرمایه انسانی و اجتماعی و بسترسازی توسعه اقتصادی" اذعان داشته است که واقفان به کمک سیاست گذاران و مدیران عرصه اقتصادی - اجتماعی آمده که نه تنها در محو فقر و محرومیت ها تأثیر شگرف بگذارد و از نابرابری های شدید طبقاتی که مانع توسعه به شمار می آیند، جلوگیری نماید، بلکه اسباب تألیف قلوب مسلمین (و حتی غیرمسلمین) - یعنی افزایش موجودی سرمایه اجتماعی - که محرک توسعه اقتصادی است را فراهم نماید.

افراخته و حجی پور (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان "انباشت سرمایه و اقتصاد فضا در ایران" پس از بررسی جریان انباشت سرمایه در کشور، اذعان داشته اند که انباشت سرمایه در اولین

مرحله‌ی خود، درجازه و به سرمایه‌داری منتهی نشده است. هم‌چنین از حیث ظرفیت تولید ثروت و انباشت سرمایه، شکاف قابل توجهی بین مناطق مختلف کشور می‌توان دید. به عبارتی، علی‌رغم کارکرد مثبت انباشت سرمایه در راه رسیدن به توسعه، در سطح ملی و بین استان‌های کشور نابرابری انباشت سرمایه قابل توجه است.

صفای‌پور و دیگران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی تأثیر وقف بر توسعه‌ی اقتصادی شهر اهواز" دریافته‌اند که تأثیر وقف در اولویت اول در منطقه یک، بر تشکیل سرمایه و تأمین اجتماعی و در اولویت آخر، بر جریان کالا و پول و شاخص امنیت اقتصادی است. هم‌چنین نتایج حاکی از این بوده که عامل وقف بر توسعه اقتصادی منطقه اثر زیادی دارد.

افراخته (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان "انباشت سرمایه و تشدید مخاطرات محیطی شهر- منطقه تهران" نشان داده است که چهار عامل مرتبط به هم شامل کارکرد سوداگری مستغلات، کالایی‌سازی زمین و مسکن، مدیریت و نظارت بر فضای شهر- منطقه و نظارت و کنترل منابع طبیعی سبب شده که اقتصاد مولد تضعیف و ساخت‌وساز شهری و پیراشهری را به حرفه‌ای سودآور و جذاب تبدیل کند. در نتیجه، سازندگان ساختمان در جستجوی سود با استفاده از کالایی شدن زمین و مسکن و نفوذپذیری قوانین نظارتی، به روش‌های شبه قانونی هر نوع کاربری اعم از پارک، فضای سبز، منابع طبیعی، مسیل و کوه را به فضای ساخت‌وساز تبدیل کرده و فضا برای بروز و تشدید مخاطرات محیطی آماده شده است.

سلمانی‌پور زنوز (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی عوامل تأثیرگذار بر انباشت سرمایه در ایران" بیان داشته است که انباشت سرمایه متأثر از درآمدهای مالیاتی، پس‌اندازهای دولتی و خصوصی، نرخ بهره و خالص حساب جاری و سرمایه است. انباشت سرمایه با درآمدهای مالیاتی، پس‌اندازهای دولتی و خصوصی و خالص حساب سرمایه، رابطه مستقیم، ولی با نرخ بهره داخلی، رابطه عکس دارد. از این‌رو، یک سیاست مالی درست می‌تواند در نیل به هدف انباشت بیشتر سرمایه مؤثر باشد.

فال‌سلیمان، شاطری و کاخکی (۱۳۹۸)، در تحقیقی تحت عنوان "بررسی اثرات اقتصادی، اجتماعی و کالبدی وقف در توسعه محلی بخش کاخک شهرستان گناباد"، به این نتیجه رسیدند

که به طور کلی تأثیر موقوفات بر بهبود شاخص های اقتصادی زیاد است. در مورد شاخص های اجتماعی نیز می توان گفت که تأثیر وقف بر بهبود شاخص های اجتماعی در حد متوسط بوده است و در مورد تأثیر وقف بر بهبود شاخص های کالبدی، نظیر امکانات فیزیکی، شکل گیری اماکن عمومی، عدم استفاده از زمین ها، عدم سرمایه گذاری در ساخت و ساز و ماندگاری نیز در حد متوسط بوده است.

از مجموع مطالعات صورت گرفته می توان نتیجه گرفت که رویکرد سرمایه انگاری موقوفات به واسطه ی نقش تأیید شده آن در ابعاد گوناگون فضاها ی جغرافیایی بوده است. یکی از خلأ های مطالعاتی در زمینه سرمایه وقف این است که کمتر به بررسی توزیع آن در مکان های جغرافیایی پرداخته شده است. لذا این امر، وجه تمایز تحقیق حاضر با مطالعات قبلی به شمار می رود.

روش تحقیق

این تحقیق در زمره ی مطالعات توسعه ای قرار دارد که با مطالعه ی اسنادی انجام شده است. داده های مورد نظر از بانک اطلاعات (سامانه) اوقاف در شهرستان های منتخب استان خراسان جنوبی گردآوری شده است. به جهت این که تمامی شهرستان های استان دارای اداره اوقاف و امور خیریه نبوده و امر وقف در همه ی شهرستان ها به یک اندازه گسترش نداشته است، از این رو، با مشورت کارشناسان اداره کل اوقاف و امور خیریه استان خراسان جنوبی، شش شهرستان برجسته در زمینه وقف برگزیده و مورد مطالعه قرار گرفته است. هم چنین به منظور بازنمایی توزیع فضایی سرمایه های وقفی از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) استفاده شده است.

یافته های تحقیق

بنا به مطالعه ی صورت گرفته موقوفات و رقبات موجود در شهرستان های منتخب، عمدتاً این موقوفات در چهار زمینه دسته بندی می شود: اول زمینه آموزشی - فرهنگی، دوم زمینه اقتصادی - درآمدی، سوم زمینه اداری - زیربنایی و چهارم زمینه مسکونی - رفاهی. در ادامه، به بررسی توزیع مکانی موقوفات در زمینه های یاد شده، بین شش ناحیه (شهرستان) منتخب در

استان خراسان جنوبی پرداخته شده است.

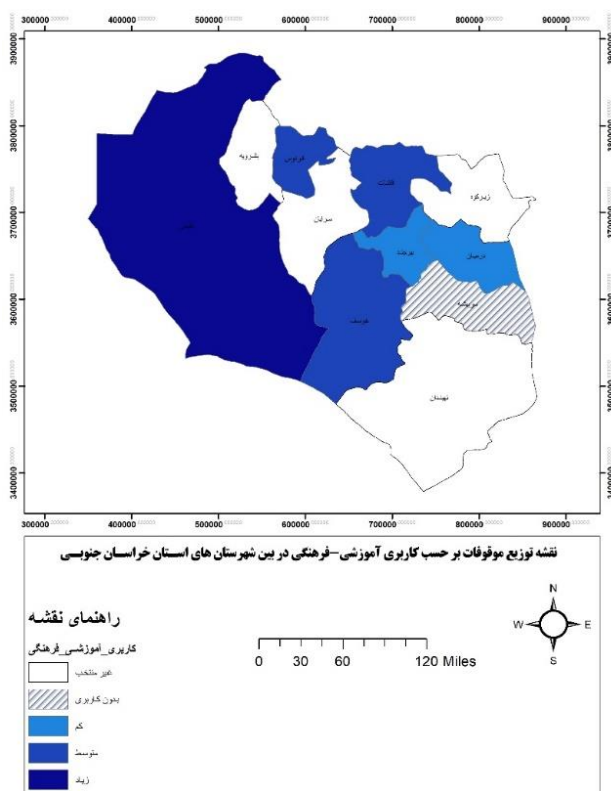
اول، بررسی توزیع جغرافیایی سرمایه وقفی در زمینه آموزشی - فرهنگی

موقوفاتی که با نیت امور آموزشی نظیر احداث مدارس یا مراکز مذهبی، نظیر احداث حسینیه و مساجد صورت گرفته، در دسته‌ی موقوفات آموزشی - فرهنگی جای گرفته است. پراکندگی موقوفات استان خراسان جنوبی برحسب کاربری آموزشی - فرهنگی در بین شهرستان‌های منتخب نشان می‌دهد که شهرستان طبس با دارا بودن ۷۱/۸۷٪، بیشترین میزان موقوفات در حوزه کاربری آموزشی - فرهنگی را به خود اختصاص داده است. پس از آن شهرستان‌های فردوس با ۱۰/۹۵٪، خوسف با ۶/۲۵٪ و شهرستان‌های بیرجند و درمیان با ۶/۲۵٪ در رتبه‌های بعدی قرار دارد. در نهایت شهرستان قاینات با ۴/۶۸٪ کمترین میزان موقوفات آموزشی - فرهنگی نسبت به دیگر نواحی را داشته است.

جدول (۱) فراوانی موقوفات شهرستان‌های منتخب خراسان جنوبی در زمینه آموزشی - فرهنگی

شهرستان	فراوانی	درصد
بیرجند-درمیان	۴	۶/۲۵
خوسف	۴	۶/۲۵
سربیشه	-	۰
قاینات	۳	۴/۶۸
طبس	۴۶	۷۱/۸۷
فردوس	۷	۱۰/۹۵

منبع: اداره‌های اوقاف و امور خیریه شهرستان‌های بیرجند، خوسف، سربیشه، قاینات، طبس و فردوس



شکل (۱) نقشه توزیع موقوفات آموزشی- فرهنگی در بین شهرستان‌های منتخب خراسان جنوبی

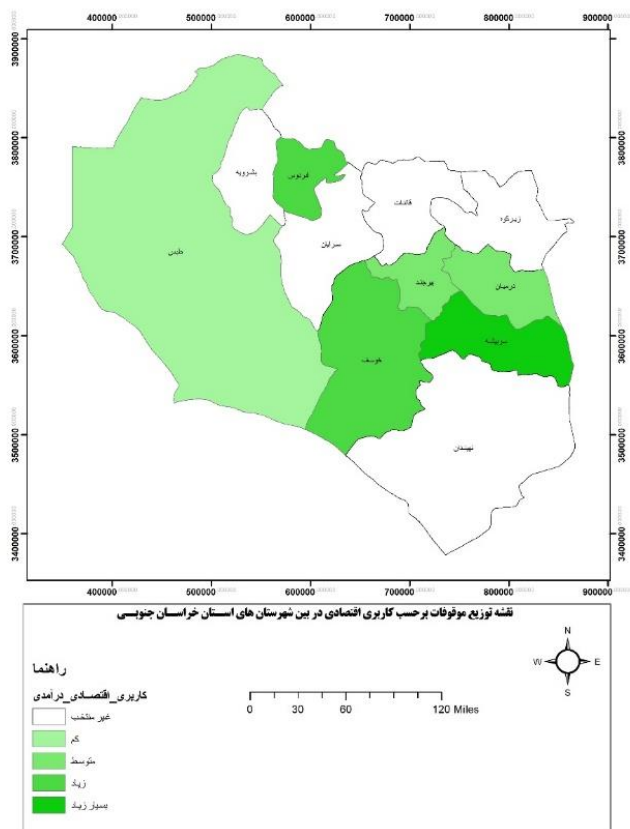
دوم، بررسی توزیع جغرافیایی سرمایه وقفی در زمینه اقتصادی - درآمدی

بررسی موقوفات نشان می‌دهد که برخی در امور مرتبط با بخش کشاورزی، صنعت یا خدمات واگذار شده که به عنوان زمینه اقتصادی- درآمدی وقف می‌توان از آن یاد کرد. پراکندگی موقوفات در بین نواحی منتخب استان خراسان جنوبی برحسب کاربری اقتصادی- درآمدی مؤید این واقعیت بوده است که شهرستان‌های بیرجند و درمیان دارای بیشترین فراوانی موقوفات حوزه اقتصادی- درآمدی بوده که معادل $38/71\%$ از کل موقوفات این حوزه است. شهرستان‌های فردوس، طبس و خوسف به ترتیب با دارا بودن $9/62\%$ ، $11/40\%$ و $10/79\%$ در رتبه‌های بعدی قرار دارد. همچنین کمترین تعداد موقوفات اقتصادی- درآمدی متعلق به شهرستان‌های قاینات ($1/11\%$) و سریشه ($8/48\%$) بوده است.

جدول ۲) فراوانی موقوفات شهرستان‌های منتخب خراسان جنوبی در زمینه اقتصادی- درآمدی

شهرستان	فراوانی	درصد
بیرجند-درمیان	۲۸۰۷	۳۸/۷۱
خوسف	۷۸۲	۱۰/۷۹
سربیشه	۶۱۵	۸/۴۸
قاینات	۷۹۶	۱۱
طیس	۸۲۷	۱۱/۴۰
فردوس	۱۴۲۳	۱۹/۶۲

منبع: اداره‌های اوقاف و امور خیریه شهرستان‌های بیرجند، خوسف، سربیشه، قاینات، طیس و فردوس



شکل ۲) نقشه توزیع موقوفات برحسب کاربری اقتصادی در بین شهرستان‌های منتخب خراسان جنوبی

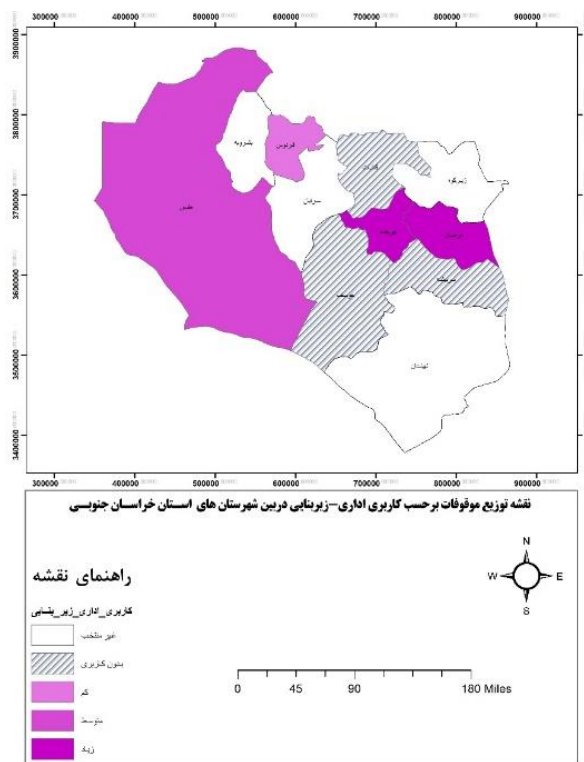
سوم، بررسی توزیع جغرافیایی سرمایه وقفی در زمینه اداری - زیربنایی

مطالعه موقوفات در این نواحی نشان می‌دهد برخی موقوفات در بخش اداری شهرستان و برخی دیگر در امور زیربنایی اعم از آبرسانی، احداث حمام و غیره واگذار گردیده که می‌توان آن را زمینه اداری - زیربنایی وقف، نام نهاد. پراکندگی موقوفات استان خراسان جنوبی برحسب کاربری اداری - زیربنایی در بین شهرستان‌های منتخب نشان می‌دهد که بیرجند و درمیان با در اختیار داشتن ۸۶/۹۵٪، بیشترین میزان موقوفات در حوزه اداری - زیربنایی را به‌خود اختصاص داده است و پس از آن شهرستان‌های طبس و فردوس با دارا بودن ۸/۷۰٪ و ۴/۳۵٪ در رتبه‌های بعدی قرار دارد. نکته قابل توجه این است که شهرستان‌های خوسف، سربیشه و قاینات بدون موقوفات در حوزه اداری - زیربنایی است. در این خصوص می‌توان ادعان داشت که نقش مرکزیت شهرستان بیرجند در ادوار تاریخی و بویژه در دوره حاضر، توانسته است در اذهان واقفین و خیرین نیز اثرگذار باشد و موقوفاتی در این حوزه به‌خود اختصاص دهد.

جدول ۳) فراوانی موقوفات شهرستان‌های منتخب خراسان جنوبی در زمینه اداری - زیربنایی

شهرستان	فراوانی	درصد
بیرجند-درمیان	۲۰	۸۶/۹۵
خوسف	۰	۰
سربیشه	۰	۰
قاینات	۰	۰
طبس	۲	۸/۷۰
فردوس	۱	۴/۳۵

منبع: اداره‌های اوقاف و امور خیریه شهرستان‌های بیرجند، خوسف، سربیشه، قاینات، طبس و فردوس



شکل ۳) نقشه توزیع موقوفات برحسب کاربری اداری-زیربنایی در بین شهرستان های منتخب خراسان جنوبی

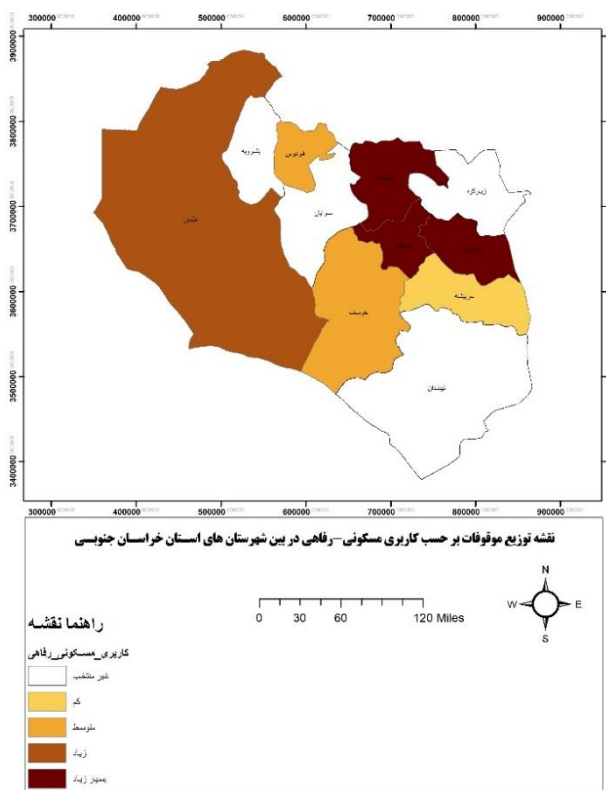
چهارم، بررسی توزیع جغرافیایی سرمایه وقفی در زمینه مسکونی- رفاهی

برخی موقوفات برای امور مسکونی افراد نیازمند و برخی دیگر در امور بهداشتی و درمانی واگذار شده است. از این رو، پراکندگی موقوفات استان خراسان جنوبی برحسب مسکونی- رفاهی در بین شهرستان های منتخب نشان می دهد که شهرستان های بیرجند و درمیان با ۵۷/۳۳٪، بیشترین میزان موقوفات در حوزه کاربری مسکونی- رفاهی را به خود اختصاص داده است، پس از آن شهرستان قاینات با دارا بودن ۲۰/۶۶٪ از این موقوفات و سپس طبس (۱۰٪) و فردوس (۷/۶۶٪) در رتبه های بعدی قرار دارد. در نهایت نیز شهرستان های خوسف و سربیشه به ترتیب با ۳/۶۹٪ و ۰/۶۶٪، کمترین میزان موقوفات این حوزه را در خود جای داده است.

جدول ۴) فراوانی موقوفات شهرستان‌های منتخب خراسان جنوبی در زمینه مسکونی - رفاهی

شهرستان	فراوانی	درصد
بیرجند-درمیان	۱۷۲	۵۷/۳۳
خوسف	۱۱	۳/۶۹
سربیشه	۲	۰/۶۶
قاینات	۶۲	۲۰/۶۶
طبس	۳۰	۱۰
فردوس	۲۳	۷/۶۶

منبع: اداره‌های اوقاف و امور خیریه شهرستان‌های بیرجند، خوسف، سربیشه، قاینات، طبس و فردوس



شکل ۴) نقشه توزیع موقوفات بر حسب کاربری مسکونی- رفاهی در بین شهرستان‌های منتخب خراسان جنوبی

در مجموع نیز وضعیت توزیع سرمایه‌های وقفی در نواحی منتخب استان خراسان جنوبی حاکی از این بوده است که شهرستان‌های بیرجند و درمیان با اختصاص ۳۹/۳۱٪ سهم از کل موقوفات، در مرتبه‌ی اول برخورداری قرار دارد. در مرتبه‌ی دوم، فراوانی موقوفات شهرستان فردوس با ۱۹/۰۳٪ قابل ملاحظه است. در مراتب بعدی می‌توان شهرستان‌های طبس (۱۱/۸۷٪)، قاینات (۱۱/۲۷٪)، خوسف (۱۰/۴۵٪) و سربیشه (۸/۰۷٪) را مشاهده نمود.

جدول ۵) فراوانی کل موقوفات شهرستان‌های منتخب خراسان جنوبی

شهرستان	فراوانی	درصد	اولویت
بیرجند-درمیان	۳۰۰۳	۳۹/۳۱	اول
فردوس	۱۴۵۴	۱۹/۰۳	دوم
طبس	۹۰۷	۱۱/۸۷	سوم
قاینات	۸۶۱	۱۱/۲۷	چهارم
خوسف	۷۹۷	۱۰/۴۵	پنجم
سربیشه	۶۱۷	۸/۰۷	ششم

منبع: اداره‌های اوقاف و امور خیریه شهرستان‌های بیرجند، خوسف، سربیشه، قاینات، طبس و فردوس

نتیجه

از ملزومات اساسی نیل به توسعه، وجود سرمایه است. سرمایه نقش بسیار مهمی در جریان تولید ثروت و توسعه اقتصادی جامعه دارد که دیوید هاروی از آن به عنوان "خون جاری در شریان‌های حیاتی جامعه" یاد می‌کند. با کمک سرمایه، کالاهای بیشتری تولید می‌شود. در حقیقت بهره‌وری بیشتر اقتصادهای توسعه‌یافته، عمدتاً به‌خاطر استفاده‌ی گسترده‌ی آنها از سرمایه در فرایند تولید است. سرمایه، بهره‌وری نیروی انسانی را بسیار افزایش داده و باعث پیشرفت کل اقتصاد می‌شود. بدین‌سان انباشت سرمایه برای فراهم‌آوردن ابزار و وسایل تولید ضروری است. اگر جمعیت افزایش پیدا کند و هیچ انباشت سرمایه خالصی اتفاق نیفتد، این جمعیت افزایش‌یافته نخواهد توانست وسایل، ماشین‌آلات و سایر ابزار تولید را به‌دست آورد، که در نتیجه، ظرفیت تولید شدیداً تحت‌تأثیر قرار خواهد گرفت.

وقف به‌عنوان یک فرایند انتقال دارایی با نیت خیرخواهانه، در صورت برنامه‌ریزی و مدیریت عقلایی می‌تواند سرمایه‌ای برای توسعه فضای اجتماعی و جغرافیایی باشد. از سوی دیگر، موقوفات عمدتاً

کالاهای سرمایه‌ای اعم از پول، زمین و مستغلات است که در محاسبات انباشت سرمایه هر فضای جغرافیایی می‌تواند نقش قابل توجهی داشته باشد. بر پایه‌ی این رویکرد، از خوانش توزیع فضایی سرمایه وقف در نواحی منتخب استان خراسان جنوبی می‌توان نتیجه گرفت که نابرابری در توزیع و انباشت سرمایه وقف میان نواحی وجود دارد. هم‌چنین الگوی تراکم و انباشت سرمایه وقفی در فضای جغرافیایی استان حاکی از الگوی قطبی است. به عبارتی، می‌توان قطب برخورداری از کالاهای سرمایه - ای وقفی را در مرکز استان دانست و از حیث ظرفیت تولید ثروت و انباشت سرمایه، شکاف قابل توجهی بین مناطق مختلف استان وجود دارد که همسو با نتایج به‌دست آمده توسط افراخته و حجی - پور (۱۳۹۳) است.

از این‌رو، می‌توان انتظار داشت که اثربخشی وقف در اقتصاد فضا و رفاه انسانی، دارای تفاوت معناداری بین مناطق باشد. به‌طور کلی از نتایج به‌دست آمده می‌توان این‌گونه استنباط نمود که وقف در خراسان جنوبی در تشکیل سرمایه انسانی و اجتماعی و بسترسازی توسعه اقتصادی، بویژه در مرکز استان نقش غیرقابل انکاری ایفاء نموده است و می‌تواند موجب تقویت بُعد اقتصادی نواحی و سکونتگاه‌های انسانی و بهبود شاخص‌های توسعه اجتماعی شود که مؤید نتایج پژوهش سلیمی‌فرد (۱۳۸۷) است.

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش به نظام برنامه‌ریزی فضا و سیاست‌گذاران این حوزه، توصیه می‌شود به منظور بهره‌برداری منطقی از سرمایه‌های وقفی استان (که یک التزام و تأکید ویژه‌ای بنا به نیات واقف وجود دارد)، الگوهای متنوع بهره‌برداری مختص هر ناحیه را تدوین و اجراء نمایند. هم‌چنین به محققان علاقه‌مند پیشنهاد می‌گردد در راستای تکمیل این پژوهش، تأثیر انباشت سرمایه وقف بر توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی خراسان جنوبی را بررسی کنند.

منابع

- اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان بیرجند و درمیان (۱۳۹۷). گزارش موقوفات شهرستان بیرجند: اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان بیرجند و درمیان، واحد آمار و اطلاعات [چاپ نشده].
- اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان خوسف (۱۳۹۷). گزارش موقوفات شهرستان خوسف: اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان خوسف، واحد آمار و اطلاعات [چاپ نشده].
- اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان سربیشه (۱۳۹۷). گزارش موقوفات شهرستان سربیشه: اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان سربیشه، واحد آمار و اطلاعات [چاپ نشده].
- اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان طبس (۱۳۹۷). گزارش موقوفات شهرستان طبس: اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان طبس، واحد آمار و اطلاعات [چاپ نشده].
- اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان فردوس (۱۳۹۷). گزارش موقوفات شهرستان فردوس: اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان فردوس، واحد آمار و اطلاعات [چاپ نشده].
- اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان قاینات (۱۳۹۷). گزارش موقوفات شهرستان قاین: اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان قاینات، واحد آمار و اطلاعات [چاپ نشده].
- اسلامی، سیف‌الله (۱۳۹۱). "تعیین و محاسبه درجه توسعه‌یافتگی استان‌های کشور طی دو مقطع (۱۳۷۵-۱۳۸۵)". *مجله اقتصادی*، دوره ۱۲، ش ۱ (بهار): ۴۱-۶۸.
- افراخته، حسن (۱۳۹۴). "انباشت سرمایه و تشدید مخاطرات محیطی شهر- منطقه تهران". *تحلیل فضایی مخاطرات محیطی*، دوره ۲، ش ۲ (زمستان): ۴۴-۴۷.
- افراخته، حسن؛ حجتی‌پور، محمد (۱۳۹۳). "انباشت سرمایه و اقتصاد فضا در ایران". *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، دوره ۳، ش ۴ (زمستان): ۴۳-۶۳.
- امیددانی، سیدحسین (۱۳۸۷). "نقش فرهنگ وقف در شکوفایی علم و دانش در تمدن اسلامی". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی. به کوشش نادر ریاحی. اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱-۲۲.
- بخشی‌پور، پرویز (۱۳۹۸). "ثبت ۲۳ وقف جدید در خراسان جنوبی". [پیوسته] قابل دسترس

- دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا، ج ۳۱. ذیل "وقف".
- ژیلنیتس، آندژی (۱۳۹۳). فضا و نظریه اجتماعی. ترجمه محمود شورچه. تهران: مدیران امروز.
- سبحانی، حسن (۱۳۷۱). "بازدهی سرمایه گذاری آموزشی". تحقیقات اقتصادی، دوره ۳۱، ش ۴۵ (بهار): ۷۶-۸۹.
- سلمانپور زنوز، علی (۱۳۹۶). "بررسی عوامل تأثیرگذار بر انباشت سرمایه در ایران". فصلنامه سیاست گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهرا (س)، سال پنجم، ش ۲ (تابستان): ۱۰۷-۱۲۸.
- سلیمی، مصطفی (۱۳۷۰). نگاهی به وقف و آثار اقتصادی و اجتماعی آن. مشهد: آستان قدس رضوی، به نشر.
- سلیمی فرد، مصطفی (۱۳۸۷). "نقش وقف در تشکیل سرمایه انسانی و اجتماعی و بسترسازی توسعه اقتصادی". [پیوسته] قابل دسترس در:
[https://rasekhoon.net/article/show/119846\[1398/08/02\]](https://rasekhoon.net/article/show/119846[1398/08/02])
- صفایی پور، مسعود، و دیگران (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر وقف بر توسعه اقتصادی شهر اهواز (مطالعه موردی: منطقه یک)". مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، دوره ۶، ش ۱۶ (بهار): ۸۹-۱۰۴.
- عظیمی، حسین (۱۳۹۳). مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران. تهران: نشر نی.
- عمید، حسن. فرهنگ فارسی عمید، ج ۲. ذیل "وقف".
- فال سلیمان، محمود؛ شاطری، مفید؛ کاخکی، صادقی (۱۳۹۸). "بررسی اثرات اقتصادی، اجتماعی و کالبدی وقف در توسعه محلی (مطالعه موردی: بخش کاخک شهرستان گناباد)". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش کارکرد وقف در توسعه انسانی با تأکید بر وقف علمی. گردآورندگان جواد میکانیکی، مفید شاطری و محمد حجتی پور. بیرجند: دانشگاه بیرجند: ۱-۱۵.
- فتحانی، محمد (۱۳۹۷). "نقش سرمایه در توسعه اقتصادی". [پیوسته] قابل دسترس در:
[https://donya-e-eqtesad.com\[1398/08/02\]](https://donya-e-eqtesad.com[1398/08/02])
- کامران، فریدون (۱۳۷۲). "نقش جامعه شناسی در توسعه اقتصادی - اجتماعی". تازه های اقتصاد، دوره ۵، ش ۳۳ (تابستان): ۲۶-۲۹.
- کریمی موغاری، زهرا؛ محمودیان، معصومه (۱۳۹۲). "تأثیر شیوه انباشت سرمایه بر عملکرد نهادی و توسعه صنعتی (مورد مطالعه: صنعت نساجی ایران و ترکیه)". برنامه ریزی و بودجه، دوره ۱۸،

ش ۴ (زمستان): ۱۰۳-۱۲۸.

- مارکس، کارل (۱۳۸۸). سرمایه، نقدی بر اقتصاد سیاسی. ترجمه حسن مرتضوی. تهران: آگه.
- مایه، پی‌یر (۱۳۷۸). رشد/اقتصادی. ترجمه علی‌محمد فاطمی قمی. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- هاروی، دیوید (۱۳۸۷). شهری شدن سرمایه. ترجمه عارف اقوامی. تهران: اختران.
- Murray, J. Oxford english dictionary, Vol. 3. Under "Development".

تحلیل و ارزیابی پایداری اجتماعی با رویکرد توسعه پایدار شهری

مورد مطالعه: شهرستان‌های استان خراسان شمالی

کرامت‌الله زیاری^۱

رباب ملکی^۲

ابراهیم معمری^۳

سال چهاردهم، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۸

شماره صفحه: ۷۸-۱۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۹

چکیده

پایداری اجتماعی، می‌تواند به‌عنوان یکی از مهمترین و کلیدی‌ترین ابزار در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های شهری محسوب شود. در این رابطه بین ابعاد توسعه پایدار، بعد اجتماعی یکی از ابعاد اصلی شناخته می‌شود. توجه به رعایت اصول پایداری و پیگیری اهداف آن در برنامه‌های توسعه باعث افزایش کیفیت زندگی مردم می‌شود. هدف اصلی از پژوهش حاضر، بررسی و ارزیابی شاخص‌های پایداری اجتماعی در شهرستان‌های استان خراسان شمالی است. برای مشخص شدن سطح پایداری اجتماعی، از الگوی تصمیم‌گیری چندمعیاره ترکیبی واسپاس استفاده شد. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و از لحاظ هدف، کاربردی می‌باشد. شاخص‌های مورد مطالعه از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از سالنامه آماری استان استخراج شد. بر پایه یافته‌های پژوهش، شاخص‌های پایداری اجتماعی در قالب مدل واسپاس نشان می‌دهد که شهرستان بجنورد با امتیاز ۰/۸۵۶، بالاترین و مطلوب‌ترین شرایط را از نظر پایداری اجتماعی دارا می‌باشد و شهرستان اسفراین با امتیاز ۰/۰۰۹، نامطلوب‌ترین شرایط را از نظر شاخص‌های پایداری اجتماعی به‌خود اختصاص داده است. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد که همبستگی معنی‌داری بین ضریب (Q) توسعه پایدار اجتماعی و شمار جمعیتی

۱. استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، نویسنده مسؤول zayyari@ut.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران robabmaleki2017@gmail.com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه گلستان، گرگان moammeri424@gmail.com

شهرستان‌های استان وجود دارد. در واقع، توزیع و نحوه تخصیص منابع و منافع که مهمترین عامل به‌شمار می‌رود و رابطه جمعیت و توسعه را تعریف می‌کند، در شهرستان‌های استان متعادل نبوده است. لذا پژوهش حاضر، نگاه ویژه مسئولان و مدیران شهری را در سطوح مختلف تصمیم‌گیری و در نظر گرفتن شرایط وضع موجود، جهت توسعه زیرساخت‌ها و توجه به توزیع عادلانه امکانات و خدمات در بخش‌های مختلف، به‌گونه‌ای که تمامی شهروندان در شهرها و روستاهای مختلف استان به این خدمات و زیرساخت‌های پایداری اجتماعی دسترسی داشته باشند، می‌طلبد.

واژگان کلیدی: پایداری اجتماعی، توسعه پایدار، تصمیم‌گیری چندمعیاره، الگوی کمی ریاضی

واسپاس

بیان مسأله

بر اساس دیدگاه‌های جامعه‌شناسان، بازیگران اصلی در فرایند توسعه، انسان‌ها هستند که الگوهای سازمان اجتماعی آنها به منظور تعیین راه‌حل‌ها و تدابیر مناسب در جهت دستیابی به توسعه پایدار، نقش عمده‌ای را ایفاء می‌کند. در واقع، تجربه نشان می‌دهد که بی‌توجهی به عوامل اجتماعی در خلال فرایند توسعه، اثربخشی برنامه‌ها و طرح‌های گوناگون توسعه‌ای را با مخاطره جدی مواجه می‌سازد (زال، ۱۳۸۶: ۱۶). در نهایت، می‌توان چنین گفت که پایداری اجتماعی به چگونگی ارتباط میان افراد، جامعه و جوامع توجه داشته است که برای دستیابی به این هدف، الگوهایی از توسعه انتخاب می‌شود. البته، با توجه به مرزهای فیزیکی موجود، در عمل باید گفت پایداری اجتماعی ناشی از اقداماتی در زمینه موضوعاتی اساسی، هم‌چون عرصه‌های اجتماعی افراد و جامعه بوده و لذا دامنه‌ای از توسعه مهارت‌ها و نابرابری‌ها در زمینه زیست - محیطی و فضایی را در بر گرفته است. در این میان، برای سنجش پایداری اجتماعی غیر از معیارهای سنتی، مانند عدالت و سلامتی می‌توان مفاهیم جدیدتری از جمله شادی، رفاه و کیفیت زندگی را سنجش و ارزیابی کرد (Colantonio, et al., 2009: 3).

مطرح شدن توسعه پایدار به‌عنوان شعار اصلی هزاره سوم نیز ناشی از تأثیرات شهرها بر گستره زیست کره و ابعاد مختلف زندگی انسان است (ملکی و دامن‌باغ، ۱۳۹۲: ۳۰). در واقع، مهم‌ترین

دغدغهای که موجبات تعمق و توجه جدی صاحب نظران و برنامه ریزان شهری به سوی مفهوم توسعه پایدار جلب نموده، واقعیت رشد شتابان شهرنشینی در جهان امروز و تداوم پیامدهای آن برای ساکنان این مناطق است (سرایی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۷۹). در ایران، به عنوان یک کشور در حال توسعه، از دهه ۱۳۴۰ شمسی، شهرنشینی ابعاد تازه‌ای به خود گرفته و رشد شتابان شهرنشینی واقعی و شهری آغاز شده است (نظریان، ۱۳۸۵: ۶۳). از این زمان است که جمعیت شهرها هم به علت رشد طبیعی بالا و هم به علت پدیده مهاجرت روستا-شهری، با سرعت بالایی رشد یافت و الگوی اسکان جمعیت را کاملاً واژگون نموده است. این روند، یعنی غالب شدن الگوی سکونتی شهری، به خصوص طی سه دهه گذشته جامعه ایران را دستخوش تحولات زیادی ساخته است (حسینی، علی‌آبادی و حمیدیان، ۱۳۹۴: ۴۹) و زمینه‌هایی برای نخلپیداری شهری در جنبه‌های مختلف (بویژه اجتماعی) و ظهور پدیده‌هایی چون کودکان کار، بزهکاری اجتماعی، سرقت، زورگیری و ...، به خصوص در کلان‌شهرها فراهم شده است و موجب اتلاف سرمایه‌های مادی و معنوی و تشدید مشکلات و ناهنجاری‌های شهری گردیده است (محمدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۳۸).

در بررسی مسائل شهری در قالب توسعه پایدار شهری، فرض بر این است که چنانچه هزینه‌ای بدون در نظر گرفتن مکانیزم‌های برابری، صرف توسعه زیرساخت‌ها، تجهیزات و خدمات شهری شود، خود باعث تشدید نابرابری بین اقشار مختلف جمعیت شهری می‌گردد (Blory, et al., 2005: 629). به عبارتی، پایداری شهری گونه‌ای از توسعه پایدار است که محیط‌ها و فضاهای شهری را در بر می‌گیرد. این مقوله زمانی محقق می‌شود که اصول و رهیافت‌های توسعه پایدار، به عنوان اصل در مطالعات توسعه شهرها مورد استفاده قرار بگیرد. در برابر عدالت فضایی، بی‌عدالتی فضایی می‌تواند هم به عنوان یک نتیجه و هم به عنوان یک فرایند در نظر گرفته شود. برای مثال، می‌توان از الگوهای پراکندگی که به نوبه خودشان به صورت عادلانه و ناعادلانه پخش شده‌اند، نام برد (Iveson, 2011: 254). بنابراین هدف پژوهش حاضر، بررسی و سنجش وضعیت شهرستان‌های استان خراسان شمالی، در حوزه توسعه پایدار اجتماعی و تعیین عدم تعادل در این زمینه با استفاده از الگوی واسپاس^۱ و شاخص‌های متعدد است.

شناسایی وضع موجود یکی از اساسی‌ترین مسائل در حیطه برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌باشد. اهمیت تحقیق حاضر در این است که با شناخت ابعاد وضعیت موجود و شناسایی مناطق عقب مانده و محروم در استان خراسان شمالی، می‌توان توجه برنامه‌ریزان را به اتخاذ سیاست‌های کارآمد برای رفع نابرابری‌های منطقه‌ای معطوف نمود. به عبارت دیگر، تعیین مناطق محروم و برخوردار از حیث شاخص‌های مختلف می‌تواند راهنمای خوبی جهت تدوین سیاست‌های آتی برنامه‌ریزی پایدار اجتماعی باشد و از طرفی می‌تواند ابزار مناسبی برای دستیابی به یک توازن منطقی بین مناطق مختلف، در اختیار مسؤولین قرار دهد.

مبانی نظری

پایداری اجتماعی، رابطی میان ابعاد مختلف توسعه پایدار است (Colantonio, 2009: 4) و در واقع، پایان توسعه محسوب می‌شود، در حالی که توسعه اقتصادی و زیست-محیطی هر دو از اهداف توسعه پایدار و ابزاری برای رسیدن به آن هستند (Assefa & Frostell, 2007: 66). پایداری اجتماعی زیر عنوان زندگی سالم، بارور و هماهنگ با طبیعت تعریف شده است. هم‌چنین، اطمینان از آینده‌ای بهتر برای همه، با تأکید بر نقش حیاتی آنان در مدیریت محیطی و توسعه، از ارکان تعریف پایداری اجتماعی است (زال، ۱۳۸۶: ۲۱).

امروزه مفهوم توسعه پایدار به صورت عمومی به ایجاد تعادل در ابعاد زیست-محیطی، اقتصادی و اجتماعی اشاره دارد. مورفی (Murphy, 2012: 28) در تعاریف خود از پایداری اجتماعی به چهار رکن اصلی اشاره می‌کند که عبارتند از: «عدالت، مشارکت، آگاهی برای پایداری و همبستگی اجتماعی». از طرفی پایداری اجتماعی همان کیفیت جوامع و ماهیت روابط اجتماعی و به نوعی نشان دهنده روابط درونی جامعه است (Griessler & Littig, 2005: 72).

گاتس و لی (Gates & Lee, 2005: 235) در تبیین پایداری اجتماعی با توجه به نیازهای اساسی، مانند مسکن و درآمد و ظرفیت‌های فردی از جمله فرصت‌های شغلی متنوع و امکانات و برنامه‌های تفریحی، فرهنگی و اوقات فراغت مناسب با حداقل هزینه و ظرفیت‌های اجتماعی، هم‌چون هویت، مشارکت و وجود مکان‌هایی به منظور برگزاری فعالیت‌های هنری و اجتماعی در جهت

توسعه سازمان‌های اجتماعی و تقویت تعادل بین آنها تأکید دارد. وی هم‌چنین به منظور اثرگذاری ظرفیت‌های فردی و جمعی، چهار اصل برابری و عدالت اجتماعی، تعادل اجتماعی، امنیت و سازگاری را معرفی می‌نماید.

براساس بررسی‌های صورت گرفته که توسط وینگتنر و مبرگ^۱ به انجام رسیده، پایداری اجتماعی را در واقع مجموعه‌ای از شاخص‌هایی، هم‌چون دسترسی (اشتغال، فضای باز، خدمات محلی)، سرمایه اجتماعی، بهداشت و بهزیستی، انسجام اجتماعی، امنیت (شامل عینی و ذهنی)، توزیع عادلانه اشتغال و درآمد، مشارکت محلی، میراث فرهنگی، آموزش، مسکن و ثبات جامعه، ارتباط و حرکت (عابر پیاده، حمل‌ونقل مناسب)، عدالت اجتماعی (درون و بین نسلی)، حس مکان و تعلق معرفی کرده‌اند (شفیعا و شفیعا، ۱۳۹۱: ۱۴۵).

تجزیه و تحلیل‌های کولانتونیو (Colantonio, 2008: 41) نشان می‌دهد که پایداری اجتماعی ترکیبی از اصول سنتی اجتماعی، از قبیل نیازهای اولیه و اساسی (مسکن و بهداشت)، اشتغال، آموزش، برابری و عدالت اجتماعی و مفاهیم جدیدی است که کمتر نیز قابل اندازه‌گیری هستند، مانند هویت، حس مکان، خوشبختی، رفاه و کیفیت زندگی.

به‌زعم گلاسون و وود (Glasson & Wood, 2009: 283) مفهوم پایداری اجتماعی در چند سال گذشته به سمت مباحثی چون شبکه‌های اجتماعی، مشارکت، حس مکان و امنیت در جامعه سوق پیدا کرده است.

با توجه به بررسی‌هایی که براملی و دیگران (Bramley, et al., 2006: 11-12) انجام داده‌اند، آنها دو مفهوم اصلی را برای پایداری اجتماعی در نظر گرفته‌اند. نخست عدالت اجتماعی و دیگری پایداری جامعه. مفهوم عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه منابع در جامعه و امکان دسترسی عادلانه به شغل، مسکن و خدمات محلی است و بعد دوم به زیست‌پذیری و عملکرد جامعه به‌عنوان یک نهاد جمعی تأکید دارد. آنها هم‌چنین پایداری اجتماعی را بر جنبه‌های مختلفی از جامعه و زندگی محله، از جمله تعامل، مشارکت، حس مکان، ثبات جامعه و امنیت وابسته می‌دانند.

هم‌چنین می‌توان گفت در بستر مناطق شهری، تفسیر پایداری اجتماعی تنها با تأکید بر برابری و

عدالت اجتماعی ممکن است. شهرهای در حال رشد برای تبدیل شدن به مکان‌هایی مناسب برای زندگی نیازمند تسهیل در توزیع عادلانه منابع در یک چشم‌انداز بلندمدت هستند (Ancell, Thompson & Fawcett, 2008: 432) و با هدف تعیین حداقل الزامات اجتماعی برای توسعه بلندمدت و هم‌چنین شناسایی چالش‌های جامعه در بلندمدت به کار می‌رود (Biar, 2002: 5).

از این‌رو، نابرابری منطقه‌ای همواره به عنوان یک زمینه‌ی مطالعاتی برای جغرافیدانان و اقتصاددانان مطرح بوده است (Krugman, 1999: 143). یکی از موانع مهم بر سر راه توسعه، وجود پدیده نابرابری و عدم توازن‌های اقتصادی و اجتماعی در کشور یا در سطح منطقه است (Ahangari, Saadatmer, 2006: 30). برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای یکی از ابزارهایی است برای دستیابی به توسعه که حکومت‌ها با توسل به آن سعی می‌کنند روند توسعه را به صورت کنترل شده مدیریت نمایند و از بروز عدم تعادل‌ها در کشور جلوگیری کنند، چرا که همه بخش‌های یک کشور از نظر توزیع منابع و امکانات یکسان نیست و این امر موجب می‌شود تا بخش‌هایی با قابلیت بالا، بیشتر جمعیت و فعالیت‌ها را به زیان مناطق کم‌بازده به خود جذب کند که در درازمدت هم، بخش‌های مستعد کشور به دلیل تراکم شدید فعالیت و جمعیت و هم‌چنین بخش‌های کم‌بازده به دلیل عدم وجود فعالیت و جمعیت کافی، تعادل خود را از دست می‌دهند. توسعه‌ی بدون برنامه، سبب توسعه‌ی ناموزون بخش‌های اقتصادی و هم‌چنین تشدید عدم تعادل منطقه‌ای و در نتیجه آسیب‌پذیری و تضعیف وحدت ملی خواهد شد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۹). بحث عدالت اجتماعی در برخورداری از توسعه در ارتباط با عدالت منطقه‌ای در آرای دیوید هاروی^۱، از جغرافی‌دانان رادیکال نیمه‌ی دوم قرن بیستم، به طور برجسته، به چشم می‌خورد. وی در کتاب عدالت اجتماعی و شهر، مفهوم عدالت اجتماعی را «کمک به خیر و صلاح همگانی، ملاک توزیع درآمد در مکان‌ها، تخصیص عادلانه‌ی منابع و رفع نیازهای اساسی مردم تعریف می‌کند» (کریمی و لطفی، ۱۳۸۷: ۷۴) و در زمینه‌ی عدالت اجتماعی منطقه‌ای، توزیع عادلانه از طریق راه‌های عادلانه را مطرح می‌کند و بر این باور است که برای رسیدن به عدالت منطقه‌ای، با در نظر داشتن اصول عدالت اجتماعی باید:

- توزیع درآمد به طریقی باشد که نیازهای منطقه را برآورده کند.

- تخصیص منابع به صورتی انجام شود که ضرایب فزاینده‌ی بین منطقه‌ای به حداکثر برسد.

- سازوکارها به گونه‌ای باشد که دورنمای زندگی در محروم‌ترین مناطق، تا حد امکان بهتر شود.

اگر این شرایط موجود باشد آنگاه می‌توان به توزیع عادلانه، که به شیوه‌ی عادلانه به‌دست آمده است، دست یافت (حاتمی‌نژاد و راستی، ۱۳۸۸: ۹۳). در ایران، سیاست‌ها و اقدامات رفاهی به‌طور عمده در قالب برنامه‌های عمرانی و توسعه‌ای به اجرا درآمده‌اند. این برنامه‌ها به‌دلیل دوری از اصل عدالت اجتماعی، موجب ایجاد نابرابری‌های منطقه‌ای در سطح سرزمین شدند (کرمی و لطفی، ۱۳۸۷: ۷۶).

در گذشته بعد اجتماعی پایداری در زمینه سیاست‌گذاری توسعه و برنامه‌های عملی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است (فتاحی و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۷) و تمرکز بر ابعاد محیطی توسعه و رشد اقتصادی بوده است (مختاری ملک‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰۱). به‌طوری‌که بعد اجتماعی پایداری در مقایسه با ابعاد دیگر (اقتصادی و زیست محیطی) بیشتر موضوع مباحث نظری بوده (فتاحی و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۷) و از نخستین سال‌های قرن ۲۱ و با هدف بهبود شرایط زندگی جامعه است که مورد توجه قرار گرفته است (جمینی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۴۸) و دریچه جدیدی را در رسیدن به توسعه پایدار گشوده است (نسترن و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵۵). طی دهه‌های گذشته، عدم موفقیت و شکست‌های وسیع و گسترده رویکردهای اقتصادی و محیطی، منتهی به ایجاد و تغییر معنادار و تجدید یا نو کردن مفهوم پایداری اجتماعی و دیگر جنبه‌های مربوط و وابسته به آن شد (Vallance, et al., 2011: 342).

بنابراین، پایداری اجتماعی، مفهومی چندبعدی با دامنه گسترده‌ای از معانی بر محور این سؤال است که "اهداف اجتماعی توسعه پایدار کدامند؟" سؤالی با دامنه گسترده بدون اجماع و با پاسخ‌های کثیر (حسینی، علی‌آبادی و حمیدیان، ۱۳۹۴: ۵۱). لذا پایداری اجتماعی، تحت مفاهیم وسیع‌تر برابری اجتماعی، توزیع خوب و مناسب منابع و اجتناب از کارهای محرومیت‌زا، اجازه دسترسی ساکنان به مشارکت فعال و کامل در جامعه به لحاظ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و همچنین پایداری جامعه قرار می‌گیرد (Dempsey, Brown & Bramely, 2012: 93) و جنبه‌های وسیع و عمده‌ای از توسعه پایدار (رابطه انسان با انسان، تعالی رفاه افراد، سلامت و بهداشت و خدمات آموزشی، توسعه فرهنگ - های مختلف و برابری و رفع فقر) (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۵: ۶۳)، (سالمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۵۵) را

براساس تعریف موجود آن در بر می‌گیرد. تعداد زیادی از محققانی که در مورد پایداری اجتماعی سخن رانده‌اند، کار خود را بر روی تعریف توسعه پایدار در گزارش آینده مشترک ما^۱ مبتنی کرده‌اند. به نظر آنان، این تعریف بسیار جذاب است، چرا که این تعریف ظرفیت تطبیق و سازگاری نیازهای مردم را با اهداف مدیریت زیست-محیطی و فیزیکی از طریق توسعه اقتصادی در خود دارد (حسینی، علی‌آبادی و حمیدیان، ۱۳۹۴: ۵۱). همان‌گونه که در جدول ۱ ارائه شده است، رفاه انسانی، عدالت، دولت دموکراتیک و جامعه مدنی، به‌عنوان ترکیبات اصلی پایداری اجتماعی فرض شده است که برای ارائه یک تصویر گویاتر از هر یک از این‌ها، ویژگی‌هایی از توسعه انسان‌محور، پایداری و رفاه جامعه با هم ترکیب شده است.

جدول ۱) اصول نوظهور ابعاد پایداری اجتماعی از دیدگاه‌های مختلف

کمیت رفاه	توسعه انسان‌محور		پایداری		
	نیازهای انسانی ۱۹۷۰	توسعه انسان ۱۹۹۰	آزادی ۱۹۹۹	دستور کار ۲۱ اصول توسعه پایدار ۱۹۹۲	فرایند مونترال ۱۹۹۸ متی-هود ۱۹۹۸
جامعه قابل زندگی، آموزش و مراقبت-های بهداشتی، دسترسی به کالاها و خدمات عمومی، شغل، حمل و نقل، مسکن	هدف اول: نیازهای پایه-ای معاش-تغذیه، آموزش، سلامتی، بهداشت، آبرسانی، مسکن	بهره‌وری، توانمندسازی	امنیت، فرصت-های اجتماعی	ابعاد اقتصادی و اجتماعی، سلامتی، زندگی سازنده، ریشه‌کنی فقر، نیازهای اجتماعی، اقتصادی، زیست-	ارزش‌ها و نیازهای روحی-فرهنگی، شغل و نیازهای جامعه، مؤسسات، ظرفیت جامعه، ارزش‌های

۱. کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۸۷ در گزارشی موسوم به "آینده مشترک ما" (our common future) که توسط دانشگاه آکسفورد انتشار یافت، توسعه‌ی پایدار را به‌عنوان الگویی از توسعه که نیازهای بشر را بدون از بین بردن توانایی نسل‌های آینده تأمین می‌کند، تعریف کرد. همین تعریف ساده از توسعه‌ی پایدار توسط کمیسیون، باعث مشخص نمودن گام‌های عملی برای تحقق سیمای توسعه‌ی پایدار شد.

				محیطی، فرهنگی و معنوی	فرهنگی و اجتماعی، سرزندگی جامعه	
برابری	فرصت‌های عادلانه اقتصادی	برابری اقتصادی، برابری سیاسی	فرصت- های اقتصادی	ابعاد اقتصادی و اجتماعی، کاهش نابرابری، استاندارد زندگی	برابری اجتماعی، ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی	دسترسی برابر عدالت اجتماعی
دولت دموکراتیک، جامعه مدنی دموکراتیک	هدف دوم: ایجاد زیرساخت های اجتماعی، حاکمیت قانون، سرمایه گذاری هدف سوم: مشارکت دموکراتیک، تعیین سرنوشت خود، مشارکت ملی و هویت فرهنگی	آزادی سیاسی، توانمندسازی، آزادی سیاسی	ضمانت شفافیت حقوق مدنی، آزادی های سیاسی، حقوق مدنی آزادی های سیاسی	حکومت- داری، حاکمیت قانون، قوانین محیطی، سیاست فراگیر مراقبت از مردم، مشارکت دموکراتیک، مشارکت شهروندان، بومیان، زنان و جوانان، مشارکت گسترده	ظرفیت نهادی، همکاری مشارکتی، شایستگی سازمانی، مشارکت عمومی، ظرفیت اجتماعی، همکاری مشارکتی، سرپرستی، انعطاف- پذیری جامعه	جامعه فراگیر در سیاست عمومی، دموکراسی، کارایی، برابری، جوامع مکمل و تسهیل‌گر، تصمیم‌گیری و گفتگوی همگانی آگاهانه، یکپارچه سازی و فراگیر کردن همکاری‌های اجتماعی

منبع: (فتاحی و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۷)

پیشینه پژوهش

بررسی‌ها و تحقیقات وسیعی در سطوح مختلف بین‌المللی، ملی و محلی کشورهای مختلف توسعه‌یافته و در حال توسعه جهان، توسط سازمان‌های بین‌المللی، مجامع علمی، دولت‌ها، دانشگاه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و محققان و پژوهشگران مختلف در زمینه پایداری و ارزیابی و سنجش آن در حوزه‌های شهری و ... صورت گرفته است (مختاری ملک‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۳: ۹۵). بخشی از پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص پایداری اجتماعی به شرح زیر می‌باشد:

ابراهیم‌زاده و دیگران (۱۳۹۷) به ارزیابی پایداری منطقه‌ای با رویکرد اقتصاد سبز در شهرستان‌های استان آذربایجان غربی پرداخته‌اند. نتایج حاصل از مدل بارومتر پایداری، نشان دهنده وضعیت پایداری متوسط استان می‌باشد، به‌طوری که از میان شاخص‌های بررسی شده، شاخص سلامت محیطی و مخاطرات با مقدار بتای ۰/۶۳۷ بیشترین نقش و قدرت تبیین را داشته است.

حسینی، علی‌آبادی و حمیدیان (۱۳۹۴) کیفیت پایداری اجتماعی را در نواحی دو و سه شهرداری سبزوهر مورد ارزیابی قرار داده‌اند و معتقدند که شاخص کلی پایداری اجتماعی در این نواحی، در سطح مناسبی قرار ندارد و بیشترین ناپایداری نیز مربوط به مشارکت در امور سرمایه اجتماعی احساس امنیت می‌باشد.

مختاری ملک‌آبادی و دیگران (۱۳۹۳) در سنجش و ارزیابی شاخص‌های پایداری اجتماعی در عسلویه، نتیجه گرفتند که توسعه این شهر در بعد اجتماعی ناپایدار می‌باشد. ملکی و دامن‌باغ (۱۳۹۲)، در پژوهش خود، وضعیت شاخص‌های توسعه پایدار شهری در جنبه‌های مختلف اجتماعی و فیزیکی را در شهر اهواز مورد ارزیابی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که مناطق مختلف کلان‌شهر اهواز از نظر شاخص‌های پایداری، تفاوت زیادی دارند. آنها همچنین بیان داشتند که تمامی شاخص‌های مورد ارزیابی، تأثیرات مستقیمی بر توسعه پایدار مناطق مختلف در شهر اهواز دارند.

احدنژاد، زلفی و نوروزی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان "ارزیابی پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در نواحی شهری با رویکرد توسعه پایدار و عدالت اجتماعی با استفاده از مدل‌های VIKOR و TOPSIS، در شهر زنجان" به بررسی نحوه توزیع جمعیت و خدمات در نواحی شهر زنجان

پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که توزیع جمعیت در نواحی شهری زنجان متناسب می‌باشد، اما توزیع خدمات شهری در نواحی شهری براساس پراکنش جمعیت صورت نگرفته است. فاضلی (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی درجه توسعه‌یافتگی استان‌های غرب ایران طی برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی اول تا چهارم پرداخته است. این کار با استفاده از ۹۶ شاخص اقتصادی، اجتماعی و با به‌کارگیری دو روش تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی انجام شده است. نتایج نشان داد که ۸۰٪ استان‌های مورد مطالعه در سال ۱۳۸۸، از درجه توسعه‌یافتگی بهتری نسبت به سال ۱۳۶۸ برخوردار بودند.

تقوایی و بهاری (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان سطح‌بندی و سنجش درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان مازندران با استفاده از مدل تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای در سال ۱۳۸۹، به این نتیجه دست یافتند که بین شهرستان‌های استان به لحاظ شاخص‌های توسعه اختلاف وجود دارد. در نتیجه به‌کارگیری تحلیل عاملی شهرستان‌های سوادکوه و رامسر در سطح بسیار برخوردار و شهرستان نکا و گلوگاه در سطح بسیار محروم واقع شدند. می‌توان گفت موضوع پژوهش حاضر برای اولین بار در سطح منطقه (شهرستان‌های استان خراسان شمالی) انجام می‌پذیرد. لذا پژوهش حاضر بر این است با استفاده از الگوهای تصمیم‌گیری چندمعیاره به ارزیابی وضعیت پایداری اجتماعی در این استان بپردازد.

روش تحقیق

این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی محسوب شده و دارای ماهیت توصیفی - تحلیلی است. گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی - کتابخانه‌ای بوده است و منبع اصلی اطلاعات، داده‌های خام سالنامه آماری استان خراسان شمالی در سال ۱۳۹۵ بوده است. برای تحلیل وضعیت پایداری اجتماعی در استان و رتبه‌بندی شهرستان‌ها و در نهایت سنجش و تعیین نابرابری‌ها، از الگوی تصمیم‌گیری چندمعیاره واسپاس و ۱۲ شاخص استفاده شده است. یکی از ورودی‌های الگوی واسپاس، وزن شاخص‌ها است که در این پژوهش با استفاده از الگوی آنتروپی شانون^۱ به‌دست آمده

است. گام نخست، استخراج متغیرهای موجود از طریق منابع شامل مقالات، کتب، درگاه‌های اینترنتی، نشریات و مجلات معتبر علمی - پژوهشی مرتبط با موضوع و در مرحله بعد، شاخص‌هایی که از سرشماری عمومی نفوس و مسکن اخذ گردید و از طریق سرانه‌سازی و نسبت‌های مختلف، به شاخص‌های قابل ارزیابی تبدیل می‌شود. با توجه به این که شاخص‌ها ارقامی هستند برای اندازه‌گیری و سنجش نوسان عوامل متغیر در طول زمان (اسکندری ثانی، مرادی و مرادی، ۱۳۹۸: ۱۴)، لذا در این پژوهش از شاخص‌های ترکیبی استفاده شده است، که در جدول ۲ ذکر گردیده است.

جدول ۲) شاخص‌های مورد مطالعه

ردیف	شاخص	ردیف	شاخص
۱	نسبت تعداد کارکنان آموزشی ابتدایی به ۱۰ هزار نفر در شهرستان	۷	نسبت تعداد بیمارستان فعال به ۱۰ هزار نفر در شهرستان
۲	نسبت تعداد کارکنان دفتری و اداری به ۱۰ هزار نفر در شهرستان	۸	نسبت شاغلان شرکت‌های تعاونی فعال صنعتی به ۱۰ هزار نفر در شهرستان
۳	نسبت تعداد آموزشگاه به ۱۰ هزار نفر	۹	نسبت تعداد کتابخانه‌های عمومی به ۱۰ هزار نفر در شهرستان
۴	نسبت گنجایش سالن نمایش به ۱۰ هزار نفر در شهرستان	۱۰	نسبت تعداد داروخانه به ۱۰ هزار نفر در شهرستان
۵	نسبت تعداد جمعیت باسواد مرد به ۱۰ هزار نفر در شهرستان	۱۱	نسبت تعداد مؤسسات تشخیصی- درمانی هسته‌ای به ۱۰ هزار نفر در شهرستان
۶	نسبت تعداد جمعیت باسواد زن به ۱۰ هزار نفر در شهرستان	۱۲	نسبت تعداد مرکز توانبخشی به ۱۰ هزار نفر در شهرستان

منبع: یافته‌های تحقیق

الگوهای ارزیابی تولید وزنی تجمعی (WASPAS)^۱

برای تصمیمات پیچیده، زمانی که گزینه‌های مختلف براساس تعداد زیادی معیار مورد بررسی قرار می‌گیرند، نظام‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره (MCDM)^۲ به گونه‌ای موفقیت‌آمیز می‌توانند مورد استفاده قرار بگیرند. انتخاب روش‌های MCDM براساس معیارهای مختلف در تحقیقات مختلفی مورد بحث قرار گرفته است. یکی از معیارهایی که می‌تواند در انتخاب روش تصمیم‌گیری چندمعیاره

1. Weighted Aggregated Sum Product Assessment (WASPAS)
2. Multiple Criteria Decision Making

مورد توجه قرار گیرد، میزان دقت این الگوها می‌باشد. هم‌چنین محققان پیشنهاد می‌کنند ترکیب دو الگو می‌تواند میزان دقت آن را بالا ببرد (Zavadskas, et al., 2012: 189). میزان دقت نتایج الگوهای تصمیم‌گیری چندشاخصه WSM^۱ (مدل جمع وزنی) و الگو WPM^۲ (مدل تولید وزنی) نسبتاً به‌خوبی شناخته شده است. یکی از این الگوهای ترکیبی مدل ارزیابی تولید وزنی تجمعی (WASPAS) می‌باشد. این الگو می‌تواند در مسائل پیچیده تصمیم‌گیری، کارایی بالایی داشته باشد و هم‌چنین نتایج حاصل از این الگو، می‌تواند از دقت بالایی برخوردار باشد. لازم به یادآوری است مدل جمع وزنی یکی از بهترین و شناخته‌شده‌ترین الگوهای تصمیم‌گیری در حل مسائل چندمعیاره است. یک مسأله در الگوهای تصمیم‌گیری چندمعیاره با m گزینه و n معیار تصمیم‌گیری تعریف می‌شود. w_j نشان‌دهنده اهمیت نسبی معیار و x_{ij} ارزش عملکرد گزینه i برحسب معیار j می‌باشد. بنابراین اهمیت نسبی نهایی گزینه i، در تابع زیر به عنوان Q_i نشان داده شده است که در آن x_{ij} به‌عنوان مقدار استاندارد شده معیار j از گزینه i تعریف شده است (Fishburn, 1967: 36; Triantaphyllou, 2000: 98).

$$Q_i^{(1)} = \sum_{j=1}^n \bar{x}_{ij} \times w_j \quad \text{فرمول (۱)}$$

براساس الگوی تولید وزنی (WPM) اهمیت نسبی کلی گزینه i به عنوان Q_i^۲ نشان داده می‌شود که به‌صورت تابع زیر تعریف می‌شود (Bridgman, 1922: 244; Miller & Starr, 1969: 125).

$$Q_i^{(2)} = \max \prod_{j=1}^n (\bar{x}_{ij})^{w_j} \quad \text{فرمول (۲)}$$

تلاش شده است یک معیار ترکیبی برای تعیین اهمیت نهایی هر گزینه به‌کار برده شود که در این معیار ترکیبی سهم برابری از (WSM) و (WPM) برای ارزیابی نهایی گزینه‌ها داده شود.

$$Q_i = 0.5Q_i^{(1)} + 0.5Q_i^{(2)} \quad \text{فرمول (۳)}$$

$$Q_i = \lambda \sum_{j=1}^n \bar{x}_{ij} w_j + (1 - \lambda) \prod_{j=1}^n (\bar{x}_{ij})^{w_j}, \lambda = 0, \dots, 1$$

فرمول (۴)

1 . Weighted Sum Model

2 . Weighted Product Model

مقادیر بهینه λ می‌تواند با گسترش تابع زیر محاسبه شود:

$$\lambda = \frac{\sigma^2(Q_i^{(2)})}{\sigma^2(Q_i^{(1)}) + \sigma^2(Q_i^{(2)})} \quad \text{فرمول (۵)}$$

واریانس‌های $Q^2(Q_i^{(1)})$ و $Q^2(Q_i^{(2)})$ از طریق توابع زیر بایستی محاسبه شود:

$$\sigma^2(Q_i^{(1)}) = \sum_{k=0}^n \bar{x}_{ij} w_j^2 \sigma^2(\bar{x}_{ij}) \quad \text{فرمول (۷)}$$

$$\sigma^2(Q_i^{(2)}) = \sum_{j=1}^n \left[\frac{\prod_{j=1}^n (\bar{x}_{ij})^{w_j \times w_{ij}}}{(\bar{x}_{ij})^{w_j} (\bar{x}_{ij})^{(1-w_j)}} \right]^2 \sigma^2(x_{ij}) \quad \text{فرمول (۸)}$$

برآورد واریانس مقادیر معیارهای نرمال شده اولیه از طریق فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$Q_i = 0.5Q_i^{(1)} + 0.5Q_i^{(2)} \quad \text{فرمول (۹)}$$

معرفی محدوده مورد مطالعه

استان خراسان شمالی در شمال شرق کشور واقع شده و دارای وسعتی بیش از ۲۸ هزار کیلومتر مربع می‌باشد. این استان از شمال و شمال شرقی به طول حدود ۲۸۱ کیلومتر با جمهوری ترکمنستان، از شرق و جنوب با استان خراسان رضوی، از جنوب غرب با استان سمنان و از غرب با استان گلستان دارای مرز مشترک است (سالنامه آماری استان خراسان شمالی، ۱۳۹۰). جدول ۳ روند تحولات شهرنشینی در استان خراسان شمالی طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۹۵ را نشان می‌دهد. جهش عمده در دهه ۱۳۸۵-۱۳۹۰ در جمعیت شهری استان صورت گرفته است که به دلیل تغییر موقعیت سیاسی استان می‌باشد. استخوان‌بندی اصلی شبکه شهری استان خراسان شمالی را شهرهای زیر ۵۰ هزار نفر تشکیل می‌دهد. شهرهای استان در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ شامل بجنورد، شیروان، اسفراین، راز، آسخانه، فاروج، جاجرم و گرمه می‌باشد که در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ شهرهای درق، صفی‌آباد، شوقان، قاضی، پیش‌قلعه، سنخواست، حصارگرمخان و لوجلی نیز به مجموعه شهرهای این استان اضافه شد.

جدول (۳) روند تحولات شهرنشینی در استان خراسان شمالی طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۹۵

نرخ رشد		جمعیت				
		درصد شهرنشینی	نقاط روستایی	نقاط شهری	کل	سال
۲/۲۴	۷۵-۶۵	۳۳/۶۱	۵۲۳۳۲۸	۲۶۶۲۱۷	۷۹۲۱۳۶	۱۳۶۵
۱/۰۳	۸۵-۷۵	۴۰/۰۷	۴۳۸۱۵۸	۲۹۳۵۴۹	۷۳۲۶۴۶	۱۳۷۵
۱/۳۵	۹۰-۸۵	۴۸/۳۶	۴۱۴۳۶۵	۳۹۲۴۵۸	۸۱۱۵۷۲	۱۳۸۵
۱/۰۸	۹۰-۹۵	۵۱/۵	۴۲۰۸۵۵	۴۴۶۸۷۲	۸۶۷۷۲۷	۱۳۹۰
		۵۶/۲	۳۷۷۵۲۳	۴۸۴۳۴۶	۸۶۳۰۹۲	۱۳۹۵

مأخذ: (سالنامه آماری خراسان شمالی، ۱۳۹۵)

یافته‌های تحقیق

در پژوهش حاضر با توجه به این‌که از شاخص‌های مختلف به منظور تحلیل و ارزیابی مطلوبیت پایداری اجتماعی در شهرستان‌های استان خراسان شمالی مورد استفاده قرار گرفته، جهت ارزیابی مطلوب این شاخص‌ها، از روش تصمیم‌گیری چندمعیاره واسپاس استفاده شده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مربوط به شاخص‌ها از آمارنامه‌ها، طرح‌های جامع و تفصیلی و همچنین مراکز آماری و ترکیب آنها، با استفاده از روش آنتروپی، وزن نسبی هر یک از شاخص‌ها محاسبه شده است. در مرحله نخست بایستی جدول تصمیم‌گیری تشکیل شود. بر این مبنا، آمار خام مورد نیاز تحقیق همان‌گونه که در روش تحقیق تشریح شده است، شامل ۱۲ شاخص است که از سالنامه آماری استان خراسان شمالی (۱۳۹۵) استخراج شده است. این آمارها که نشانگر وضعیت پایداری اجتماعی در شهرستان‌های استان خراسان شمالی است، به منظور مقایسه بهتر نسبت به جمعیت هر شهرستان استانداردسازی شده است.

گام اول: استاندارد کردن جدول تصمیم‌گیری با استفاده از تابع ۱:

تابع (۱)

$$d_{ij} = \frac{q_i}{\sum_{j=1}^n x_{ij}} x_{ij}$$

تعیین وزن (W) - با توجه به این که اهمیت شاخص‌ها با یکدیگر برابر نیست، به هر شاخص وزن متفاوتی می‌دهند. برای وزن‌دهی از روش‌های مختلفی نظیر خبره‌سنجی با استفاده از تکنیک AHP و ANP و ... استفاده می‌شود. همان‌گونه که در روش تحقیق اشاره شده، در این مقاله از روش آنتروپی شانون برای وزن‌دهی استفاده شده است. در ادامه جدول ۴ به ذکر شاخص‌های پژوهش و ایجاد جدول ارزیابی با استفاده از الگوی تصمیم‌گیری چندمعیاره ترکیبی واسپاس پرداخته است. شاخص‌های مورد پژوهش با عنوان معیاره در جدول مورد نظر درج گردیده است که شامل ۱۲ شاخص توسعه اجتماعی-اقتصادی است.

جدول ۴) مقادیر استاندارد شده معیارها

معیار ۲	معیار ۱	معیار ۰	معیار ۹	معیار ۸	معیار ۷	معیار ۶	معیار ۵	معیار ۴	معیار ۳	معیار ۲	معیار ۱	جدول
۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۲۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۴۷	۰/۰۳۸	۰/۰۱۲	۰/۰۰۹	۰/۰۱۳	۰/۰۱۶	گزینه ۱
۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۱۹	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۱۲۰	۰/۱۴۲	۰/۰۲۶	۰/۰۰۴	۰/۰۵۸	۰/۰۴۷	گزینه ۲
۰/۰۵۴	۰/۰۴۷	۰/۸۲۷	۰/۰۳۴	۰/۰۴۳	۰/۰۴۱	۰/۸۸۶	۰/۷۱۶	۰/۳۱۷	۰/۲۰۰	۰/۶۷۶	۰/۹۰۱	گزینه ۳
۰/۹۹۶	۰/۹۹۷	۰	۰/۹۹۸	۰/۹۹۷	۰/۹۹۷	۰	۰	۰/۹۱۶	۰/۹۶۱	۰	۰	گزینه ۴
۰/۰۲۶	۰/۰۲۳	۰/۱۴۰	۰/۰۱۸	۰/۰۱۷	۰/۰۱۷	۰/۳۳۴	۰/۳۲۴	۰/۱۱۵	۰/۰۳۰	۰/۲۹۹	۰/۱۰۲	گزینه ۵
۰/۰۲۶	۰/۰۲۳	۰/۱۴۰	۰/۰۱۸	۰/۰۱۷	۰/۰۲۰	۰/۱۱۸	۰/۵۷۷	۰/۱۲۸	۰/۰۹۴	۰/۱۱۴	۰/۳۶۳	گزینه ۶
۰/۰۴۲	۰/۰۳۶	۰/۴۷۳	۰/۰۲۱	۰/۰۳۰	۰/۰۳۰	۰	۰	۰/۱۴۵	۰/۱۵۲	۰/۶۴۱	۰	گزینه ۷
۰/۰۳۱	۰/۰۳۶	۰/۲۳۹	۰/۰۲۳	۰/۰۲۶	۰/۰۲۵	۰/۲۶۷	۰/۱۶۲	۰/۰۸۶	۰/۰۴۵	۰/۱۴۸	۰/۲۰۴	گزینه ۸

منبع: یافته‌های تحقیق

در گام دوم، به محاسبه مقدار واریانس اولیه می‌پردازیم.
در گام سوم، محاسبه واریانس‌های است که در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵) محاسبه واریانس‌ها

واریانس‌ها	Q2Q1	Q2Q2
گزینه ۱	۰	۰
گزینه ۲	۰	۰
گزینه ۳	۰/۰۰۰۰۰۴	۰/۰۰۰۳۹۹
گزینه ۴	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۲۰۱
گزینه ۵	۰/۰۰۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۰۰۱
گزینه ۶	۰/۰۰۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۰۰۵
گزینه ۷	۰/۰۰۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۰۰۲
گزینه ۸	۰	۰/۰۰۰۰۰۰۲

منبع: یافته‌های تحقیق

در گام چهارم، محاسبه مقدار لاندای^۱ و Q_i برای رتبه‌بندی گزینه‌ها و مشخص کردن گزینه است که بهترین وضعیت در میان معیارها را دارد. در این مرحله برای رتبه‌بندی نهایی گزینه‌ها، در ابتدا مقدار لاندای هر یک از گزینه‌ها محاسبه می‌شود، سپس بر اساس تابع مقدار Q برای هر گزینه به‌دست می‌آید که مقدار آن نشان‌دهنده رتبه نهایی هر گزینه است. هر اندازه مقدار Q یک گزینه بالاتر باشد، نشان‌دهنده وضعیت مناسب‌تر آن گزینه است. نتایج در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶) نتایج نهایی مدل ترکیبی WASPAS

رتبه	Q_i	λ	محاسبه λ و Q_i
۸	۰/۰۰۹۲	۰/۹۰۶۲	گزینه ۱
۷	۰/۰۱۳۸	۰/۴۶۸۰	گزینه ۲
۲	۰/۱۶۳۹	۰/۹۸۹۱	گزینه ۳
۱	۰/۸۵۶۷	۰/۰۵۰۰	گزینه ۴
۴	۰/۰۶۶۷	۰/۶۰۵۷	گزینه ۵
۵	۰/۰۵۸۴	۰/۸۸۶۹	گزینه ۶
۳	۰/۰۹۰۸	۰/۴۷۱۰	گزینه ۷
۶	۰/۰۵۵۳	۰/۹۲۱۱	گزینه ۸

منبع: یافته‌های تحقیق

تابع (Q) در مدل واسپاس بیانگر رتبه نهایی هر شهر براساس شاخص‌های مورد مطالعه می‌باشد. این مقدار بین عدد صفر تا یک تبیین می‌گردد و هر چه به عدد یک نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده مطلوبیت پایداری و هر چه به عدد صفر نزدیک‌تر باشد، نشانگر ضعف پایداری است. نتایج ارزیابی مطلوبیت شاخص‌های توسعه پایدار اجتماعی در شهرستان‌های استان خراسان شمالی، در جدول ۶ نشان می‌دهد که شهرستان بجنورد با ضریب امتیاز $0/856$ در حالت پایداری از نظر پایداری اجتماعی قرار دارد. در واقع، شهرستان بجنورد در بین شهرستان‌های مورد مطالعه در استان خراسان شمالی، مطلوب‌ترین شرایط را از نظر پایداری اجتماعی دارا می‌باشد و شهرستان‌های جاجرم با امتیاز $0/163$ و شهرستان گرمه با امتیاز $0/090$ به ترتیب در رتبه دوم و سوم دارای وضعیت پایداری بالقوه می‌باشند. در نقطه مقابل، بیشتر شهرستان‌های مورد مطالعه به لحاظ شاخص‌های مورد بررسی، دارای وضعیت ناپایداری بالقوه و یا ناپایدار می‌باشد. میانگین محاسبه شده برای ضریب امتیاز (Q) مطلوبیت شاخص‌های پایداری اجتماعی شهرستان‌های استان، $0/164$ به‌دست آمده است. بنابراین شهرهای استان خراسان شمالی به لحاظ شاخص‌های پایداری اجتماعی مورد مطالعه پایین‌تر از حد متوسط بوده است و نیازمند تقویت و سرمایه‌گذاری در این خصوص می‌باشد.

ضریب پراکندگی و میزان نابرابری شهرستان‌های مورد مطالعه به لحاظ شاخص‌های اجتماعی پایداری، حدود $0/40$ می‌باشد که نشان‌دهنده عدم تعادل نسبتاً متوسط نماگرهای شاخص‌های مورد مطالعه در شهرستان‌های استان خراسان شمالی می‌باشد. اما نکته قابل توجه مقادیر تابع مزیت پایداری اجتماعی، شکاف عمیقی مابین شهرستان بجنورد به‌عنوان مرکز استان خراسان شمالی، به لحاظ جمعیتی که مطلوب‌ترین شرایط را به لحاظ شاخص‌های پایداری اجتماعی ارائه می‌دهد، با شهرستان اسفراین به‌عنوان هشتمین شهرستان جمعیت استان که نامطلوب‌ترین شرایط را به لحاظ شاخص‌های پایداری اجتماعی مورد ارزیابی نشان می‌دهد، می‌باشد. در واقع، شکاف توسعه عمیق شاخص‌های توسعه پایدار اجتماعی در بین شهرستان بجنورد با سایر شهرستان‌های مورد مطالعه نمایان است. بنابراین، شهرستان بجنورد به‌عنوان مرکز استان توانسته، بیشتر خدمات و امکانات و زیرساخت‌ها را به خود جذب کند و باعث توزیع فضایی نسبتاً ناعادلانه منابع و منافع اجتماعی در سطح شهرهای

استان شود که از آن جمله می‌توان به شاخص بهداشت عمومی (شامل مراکز بهداشتی و درمانی، بیمارستان و تخت‌های بیمارستانی و ...) که به‌عنوان مهمترین شاخص، بیشترین تأثیر مثبت را در پایداری توسعه اجتماعی در این شهر داشته است، اشاره کرد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که همبستگی معنی‌داری بین تابع (Q) توسعه پایدار اجتماعی و شمار جمعیتی شهرستان‌های استان وجود دارد. در واقع، توزیع و نحوه تخصیص منابع و منافع که مهمترین معیاری است که رابطه جمعیت و توسعه را تعریف می‌کند، در شهرستان‌های استان متعادل نبوده است. از این‌رو، توزیع عادلانه منابع توسعه اجتماعی مطابق با توزیع جمعیت در سطح شهرستان‌های استان اتفاق نیفتاده است.

جدول (۷) همبستگی تابع مزیت پایداری اجتماعی با شمار جمعیت شهرهای استان خراسان شمالی

		پایداری اجتماعی	جمعیت
پایداری اجتماعی	Pearson Correlation	۱	-.623**
	Sig. (2-tailed)	۸	۰/۰۰۳
جمعیت	Pearson Correlation	-.623**	۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۳	۸
N		۸	۸

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

نابرابری‌های منطقه‌ای یا عدم تعادل در ساختار فضایی مناطق، یکی از مسائل کشورهای در حال توسعه است. از این‌رو، دستیابی به توسعه عادلانه از آرمان‌های اساسی همه کشورها و ازجمله ایران بوده و در اسناد فرادستی، بر ضرورت کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای تأکید شده است. از آنجایی که نظام برنامه‌ریزی اهمیت به‌سزایی در تعادل منطقه دارد، باید تلاش‌هایی در جهت رفع نارسایی‌های نظام برنامه‌ریزی و انطباق آن با برنامه‌ریزی مناطق صورت گیرد. نظام برنامه‌ریزی بخشی تمرکزگرا، بدون در نظر گرفتن توان‌ها و قابلیت‌ها و نیز نیازها و خواسته‌های مناطق مختلف نمی‌تواند به‌صورت مفید و کارا عمل نماید. واقع شدن بعضی شهرستان‌ها در سطوح بالا، نشان‌دهنده وضعیت خوبی نبوده و فقط جایگاه شهرستان مذکور را در ارتباط با سایر شهرستان‌ها مشخص می‌نماید. بر پایه مجموعه نگرش‌های پایداری، پژوهش حاضر سنجش میزان پایداری اجتماعی شهرستان‌های استان خراسان شمالی را هدف قرار داده است. بدین منظور، بر پایه ادبیات پژوهشی موجود در زمینه شاخص‌های پایداری اجتماعی، ۱۲ گویه در شاخص اصلی پایداری اجتماعی در چارچوب تحلیلی الگوی

واسپاس مورد بررسی قرار گرفت. نتایج محاسبات مربوط به شاخص‌های پایداری اجتماعی شهرستان‌های استان، بیانگر این مهم است که بیشتر شهرستان‌های مورد مطالعه استان خراسان شمالی، به لحاظ شاخص‌های پایداری اجتماعی، دارای وضعیت ناپایداری بالقوه و یا ناپایدار می‌باشد. شهرستان بجنورد با ضریب امتیاز ۰/۸۵۶ در حالت پایداری، از نظر پایداری اجتماعی قرار دارد. در واقع، شهرستان بجنورد در بین شهرستان‌های مورد مطالعه در استان خراسان شمالی، مطلوب‌ترین شرایط را از نظر پایداری اجتماعی دارا می‌باشد و شهرستان‌های جاجرم با امتیاز ۰/۱۶۳ و شهرستان گرمه با امتیاز ۰/۰۹۰ به ترتیب در رتبه دوم و سوم دارای وضعیت پایداری بالقوه می‌باشد. در نقطه مقابل، بیشتر شهرستان‌های مورد مطالعه به لحاظ شاخص‌های مورد بررسی، دارای وضعیت ناپایداری بالقوه و یا ناپایدار می‌باشد.

پژوهش حاضر نشان داد از لحاظ پایداری اجتماعی، وضعیت نابرابر و متفاوتی در محدوده مورد مطالعاتی وجود دارد که این موضوع با نتایج ابراهیم‌زاده و کاشفی‌دوست (۱۳۹۷) و تقوایی و بهاری (۱۳۹۱) مبنی بر وجود تفاوت و نابرابری‌های درون منطقه‌ای، پایداری اجتماعی همسویی دارد. در پایان، با توجه به مجموعه یافته‌های پژوهش و به منظور دستیابی و ارتقاء پایداری اجتماعی در شهرستان‌های استان خراسان شمالی، پیشنهادات زیر می‌تواند راهگشا باشد:

- وجود برنامه‌های جامعه‌محور اعم از برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی، مدیریتی و ...؛
- توسعه زیرساخت‌ها و توجه به توزیع عادلانه امکانات و خدمات در بخش‌های مختلف به گونه‌ای که تمامی شهروندان در شهرهای مختلف استان به این خدمات دسترسی داشته باشند؛
- دخیل نمودن شهروندان در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌هایی جهت افزایش سرمایه اجتماعی مردم ساکن در مناطق مختلف سکونتگاهی؛
- توجه به این نکته نیز مهم است که هر گونه برنامه سیاست‌گذاری و اجرایی در راستای ارتقاء شاخص‌های پایداری اجتماعی باید با تأکید بر اولویت‌ها انجام شود.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی؛ اسکندری‌ثانی، محمد؛ اسمعیل‌نژاد، مرتضی (۱۳۸۹). "کاربرد تحلیل عاملی در تبیین الگوی فضایی توسعه و توسعه‌نیافتگی شهری - منطقه‌ای در ایران". *جغرافیا و توسعه*، سال هشتم، ش ۱۷ (بهار): ۷-۲۸.
- ابراهیم‌زاده، عیسی؛ کاشفی‌دوست، دیمن (۱۳۹۷). "ارزیابی پایداری منطقه‌ای با رویکرد اقتصاد سبز (مورد شناسی: شهرستان‌های استان آذربایجان غربی)". *جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای*، دوره ۸، ش ۲۷ (زمستان): ۱-۱۸.
- احدنژاد، محسن؛ زلفی، علی؛ نوروزی، محمدجواد (۱۳۹۲). "ارزیابی پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در نواحی شهری با رویکرد توسعه پایدار و عدالت اجتماعی با استفاده از مدل‌های VIKOR و TOPSIS (مطالعه موردی: شهر زنجان)". *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، سال پنجم، ش ۲ (بهار): ۱۶۹-۱۸۳.
- اسکندری‌ثانی، محمد؛ مرادی، محمود؛ مرادی، افسانه (۱۳۹۸). "بررسی عوامل مؤثر بر حمل و نقل پایداری شهری بر پایه نظریه اقتصاد سبز (مورد مطالعه: شهر بیرجند)". *پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، سال دهم، ش ۳۷ (تابستان): ۱۳-۲۴.
- تقوایی، مسعود؛ بهاری، عیسی (۱۳۹۱). "سطح‌بندی و سنجش درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان مازندران با استفاده از مدل تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای". *جغرافیا و برنامه‌ریزی*، سال بیست و سوم، ش ۴، پیاپی ۴۸ (پاییز): ۱۵-۳۸.
- جمینی، داوود، و دیگران (۱۳۹۳). "واکاوی عوامل تبیین‌کننده پایداری اجتماعی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: شهرستان چرداول)". *آمایش جغرافیایی فضا*، سال چهارم، ش ۸، پیاپی ۱۳ (زمستان): ۱۴۷-۱۶۶.
- حاتمی‌نژاد، حسین؛ راستی، عمران (۱۳۸۸). "عدالت اجتماعی و عدالت فضایی". *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ش ۲۷۰: ۸۲-۹۵.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*. مشهد: پاپلی.
- حسینی، سیده‌ادی؛ علی‌آبادی، کاظم؛ حمیدیان؛ علیرضا (۱۳۹۴). "تحلیلی بر ارزیابی کیفیت

پایداری اجتماعی در نواحی دو و سه شهر سبزوار". *جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای*، دوره ۸، ش ۱۴ (پاییز): ۴۷-۷۰.

- زال، ابوذر (۱۳۸۶). "ارزیابی و سنجش پایداری اجتماعی و نقش عوامل جغرافیایی مؤثر بر آن در مناطق روستایی شهرستان خرمبید". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

- زاهدی، شمس‌السادات؛ نجفی، غلامعلی (۱۳۸۵). "بسط مفهومی توسعه پایدار". *مدرس علوم انسانی*، دوره دهم، ش ۴ (بهار): ۴۳-۷۶.

- سالمی، مریم، و دیگران (۱۳۹۰). "سنجش پایداری اجتماعی زنان روستایی شهرستان سنقر". *مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، ش ۸، پیاپی ۲۷ (تابستان): ۵۵-۷۸.

- سالنامه آماری استان خراسان شمالی (۱۳۹۰). *بجنورد: سازمان برنامه و بودجه استان خراسان شمالی*.

- سرایی، محمدحسین، و دیگران (۱۳۹۲). "تحلیل و ارزیابی شاخص‌های اقتصادی- اجتماعی توسعه پایدار در محلات شهر تاریخی میبد". *تحقیقات جغرافیایی*، سال بیست و هشتم، ش ۱ (تابستان): ۱۷۸-۲۰۵.

- شفیعا، محمدعلی؛ شفیعا، سعید (۱۳۹۱). "بررسی رابطه توسعه پایدار اجتماعی و سرمایه اجتماعی (نمونه موردی: ساکنان محله غیر رسمی شمیران‌نو)". *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و سوم، ش ۲ (بهار): ۱۳۹-۱۶۴.

- شهرداری تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی (۱۳۹۲). *ارتباط پایداری اجتماعی با شکل شهر تهران: شهرداری تهران، معاونت مطالعات و برنامه‌ریزی*.

- فاضلی، علی (۱۳۹۰). "بررسی درجه توسعه‌نیافتگی استان‌های غرب ایران طی برنامه‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی اول تا چهارم". پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی کرمانشاه.

- فتاحی، احدالله، و دیگران (۱۳۹۲). "سنجش و اولویت‌بندی پایداری اجتماعی در مناطق روستایی شهرستان دلفان با استفاده از مدل تصمیم‌گیری ویکور (مطالعه موردی: دهستان خاوه شمالی)".

- برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال سوم، ش ۱۱ (تابستان): ۶۵-۷۸.
- کرمی، قاسم؛ لطفی، محمدصادق (۱۳۸۷). "عدالت اجتماعی در برنامه‌ریزی فضای جغرافیایی". پژوهشنامه عدالت اجتماعی، ش ۹، پیاپی ۲۶ (زمستان): ۷۱-۹۰.
- محمدی، حسین، و دیگران (۱۳۹۰). "برآورد سرمایه اجتماعی در مناطق مختلف شهر مشهد و ارائه راهکارها جهت ارتقاء آن در راستای وظایف شهرداری". مدیریت شهری، ویژه‌نامه، دوره ۲۲، ش ۸ (بهار و تابستان): ۲۳۷-۲۵۸.
- مختاری ملک‌آبادی، رضا، و دیگران (۱۳۹۳). "سنجش و ارزیابی شاخص‌های پایداری اجتماعی- فرهنگی در شهرهای استخراجی (مطالعه موردی: شهر استخراجی عسلویه)". پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال پنجم، ش ۱۹ (زمستان): ۹۱-۱۱۰.
- ملکی، سعید؛ دامن‌باغ، صفیه (۱۳۹۲). "ارزیابی شاخص‌های توسعه پایدار شهری با تأکید بر شاخص‌های اجتماعی، کالبدی و خدمات شهری (مطالعه موردی: مناطق هشت‌گانه شهر اهواز)". مطالعات برنامه‌ریزی شهری، سال اول، ش ۳ (بهار): ۲۹-۵۴.
- نسترن، مهین، و دیگران (۱۳۹۲). "ارزیابی شاخص‌های پایداری اجتماعی با استفاده از فرایند تحلیل شبکه (ANP)". جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و چهارم، ش ۳ (پاییز): ۱۵۵-۱۷۳.
- نظریان، اصغر (۱۳۸۵). *جغرافیای شهری ایران*. تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- Ahangari, Majid; Saadatmer, Reza (2006). "Comparative study developed cities of the province's economical and social sectors". *Journal of social welfare*, Vol. 14, No. 44: 13-32.
- Ancell, S.; M. Thompson-Fawcett (2008). "The social sustainability of medium density housing: A conceptual model and christchurch case study". *Housing studies*, Vol. 23, No. 3: 423-442.
- Assefa, G.; Frostell, B. (2007). "Social sustainability and social acceptance in technology assessment: A case study of energy technologies". *Technology in society*, Vol. 29, No. 1: 63-78.
- Biart, M. (2002). "Social sustainability as part of the social agenda of the european community". *Soziale nachhaltigkeit: Von der umweltpolitik zur nachhaltigkeit*, Vol. 149, No. 254: 5-10.
- Blory, j., et al. (2005). "UrbanEnvironment spetial fragmentation and social segregation in latin america; Where Dos innovation lie?". *Habitat international*, Vol.

29, No. 4: 627-645.

- Bramley, G. N, et al. (2006). *What is 'social sustainability' and how do our existing urban forms perform in nurturing it*. In sustainable communities and green futures' Conference, Bartlett school of planning, London: University college london.
- Breidlid, A. (2009). "Culture, Indigenous knowledge systems and sustainable development: A critical view of education in an african context". *International journal of educational development*, Vol. 29, No 2: 140-148.
- Bridgman, P. W. (1922). *Dimensional analysis*. New haven: Yale university press.
- Chen, T. Y. (2012). "Multiple criteria group decision-making with generalized interval-valued fuzzy numbers based on signed distances and incomplete weights". *Applied mathematical modelling*, Vol. 36. No. 7: 3029-3052
- Colantonio, Andrea (2008a). *Traditional and emerging prospects in social sustainability*. Measuring social sustainability: Best practice from urban renewal in the EU. Oxford institute for sustainable development (OISD). Headington: Oxford brookes university.
- (2008b). *Social Sustainability: Linking Research to Policy and Practice*. Working paper, in Oxford institute for sustainable development, Oxford brookes university.
- Colantonio, A. (2009). *Social sustainability: Linking research to policy and practice*. in Oxford institute for sustainable development (OISD), Oxford brookes university.
- Colantonio, A.; Lane, G. (2007). *Measuring social sustainability, Best practice from urban renewal in the EU, 2007/01: EIBURS working paper Series*. in: Oxford institute for sustainable development (OISD)–International land markets group. Oxford: Oxford brookes university
- Colantonio, A. T., et al. (2008). "Measuring social sustainability: best practice from urban renewal in the EU". *Traditional and emerging prospects in social sustainability*, Vol. 42, No. 21: 125-141.
- Dempsey, N.; Brown, C.; Bramely, G. (2012). "The key to sustainable urban development in uk cities? The influence of density on social sustainability". *Progress in planning*, Vol. 77, No. 3: 89-141.
- Fishburn, P. C. (1967). *Additive utilities with incomplete product set: Applications to priorities and assignments*. Baltimore: ORSA publication.
- Gates, R.; Lee, M. (2005). "Definition of social sustainability". Director of social Planning, in consultation with the manager of the sustainability group". *Policy report and social development to vancouver city council*, Vol. 9, No. 3:1-6.
- Glasson, J.; Wood, G. (2009). "Urban regeneration and impact assessment for

social sustainability". *Impact assessment and project appraisal*, Vol. 11, No. 4: 283-290.

- Griessler, E.; Littig, B. (2005). "Social sustainability: a catchword between political pragmatism and social theory". *International journal for sustainable development*, Vol. 8, No. 1-2: 65-79.

- Iveson, Kurt (2011). "Social or spatial justice? Marcuse and soja. on the right to the city". *City*, Vol. 15, No. 2: 250-259.

- Krugman, P. (1999). "The role of geography in development". *International regional science review*, Vol. 2, No. 22: 142-161.

- Miller, D. W.; Starr, M. K. (1969). *Executive decisions and operations research*. New jersey: Prentice-hall.

- Murphy, K. (2012). "The social pillar of sustainable development: A literature review and framework for policy analysis". *Sustainability: Science, Practice and policy*, Vol. 8, No. 1: 15-29.

- Triantaphyllou, E. (2000). *Multi-criteria decision making: A comparative study*. Netherlands: Kluwer academic publishers.

- Vallance, S., et al. (2011). "What is social sustainability: A clarification of concepts". *Geoforum*, Vol. 42, No. 3: 342-348.

- Weingaertner, C.; Moberg, A. (2011). "Exploring social sustainability: Learning from perspectives on urban development and companies and products". *Sustainable development*, Vol. 22, No. 2: 122-133.

- Zavadskas, E. K., et al. (2012). "Optimization of weighted aggregated sum product assessment". *Elektronika ir elektrotechnika*, Vol. 122, No. 6: 3-6.

سنجش عدالت فضایی شهرستان‌های استان‌های منطقه ۹ آمایش سرزمین (خراسان بزرگ) براساس شاخص‌های قانون استفاده متوازن کشور

محمد غفاری فرد^۱

اسلام‌الدین رضایی^۲

احمد هومان^۳

سال چهاردهم، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۸

شماره صفحه: ۱۰۳-۱۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۸

چکیده

عدالت به عنوان یک مقوله‌ی اقتصادی- اجتماعی از مباحث مهم جهت تحلیل، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اقتصادی- اجتماعی محسوب می‌شود که در کنار موضوعاتی چون فقر و نابرابری اجتماعی قابل بررسی است. هدف این پژوهش رتبه‌بندی شهرستان‌های استان‌های منطقه ۹ آمایش سرزمین (خراسان جنوبی، خراسان رضوی و خراسان شمالی) از نگاه نابرابری بر اساس ۲۴ شاخص قانون استفاده متوازن کشور است. در این تحقیق برای وزن‌دهی شاخص‌ها، از روش تحلیل سلسله‌مراتبی و برای رتبه‌بندی شهرستان‌ها، از روش تاپسیس استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که از میان ۲۴ شاخص مورد نظر، شاخص‌های نرخ بیکاری، باسوادی و بهره‌مندی روستاها از آب آشامیدنی سالم، سرانه درآمد کوششی شهرداری‌ها و نسبت طول راه‌های روستایی آسفالت شده به کل راه‌های روستایی بیش‌ترین اثرگذاری را در تعیین نابرابری شهرستان‌ها دارا هستند و هم‌چنین شاخص‌های زیرساخت‌های مخابراتی شهرک‌ها و نواحی

۱. استادیار علوم اقتصادی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع) تهران mghunivers1390@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع) تهران rislamuddin@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع) تهران

ahmad.hooman2014.ah@gmail.com

صنعتی، تعداد سالن‌های سرپوشیده و روباز از اهمیت کمتری برخوردارند. بر اساس شاخص ترکیبی نابرابری، شهرستان‌های سرخس، قوچان، کلات، باخرز و نهبندان به ترتیب در رتبه‌های اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم قرار گرفته‌اند و شهرستان‌های گرمه جاجرم، بجنورد، گناباد و نیشابور به ترتیب در رتبه‌های چهل و سوم، چهل و چهارم، چهل و پنجم، چهل و ششم و چهل و هفتم قرار گرفته‌اند که بر اساس شاخص‌های قانون استفاده متوازن از جایگاه بهتری برخوردار هستند. بنابراین، برای کاهش نابرابری‌های موجود میان شهرستان‌های یاد شده، باید برنامه‌ریزان استانی تصمیمات و اقدامات مناسب در خصوص کاهش نرخ بیکاری، افزایش نرخ باسوادی، ارتقای بهره‌مندی روستاها از آب آشامیدنی سالم، امور زیربنایی و بهداشتی، اتخاذ نمایند.

واژگان کلیدی: درجه محرومیت، تاپسیس، تحلیل سلسله‌مراتبی، آمایش سرزمین

مقدمه

در جوامع در حال توسعه، میزان رفاه و دسترسی به امکانات در سطح جامعه از توزیع یکنواختی برخوردار نبوده و از هم متفاوت است (شیخی، پاژکی و یوردخانی، ۱۳۹۴: ۱۴۰) و به مناطقی که میزان رفاه و دسترسی به امکانات آنها کمتر باشد، مناطق محروم گفته می‌شود. در حقیقت، محرومیت از تفاوت دسترسی به امکانات، خدمات و رفاه افراد جامعه ناشی می‌شود که ریشه در عدم تعادل منطقه‌ای دارد و رسیدن به تعادل منطقه‌ای، هدف برنامه‌ریزی منطقه‌ای بوده که مقوله محرومیت و محرومیت‌زدایی را در بطن خود دارد. تحقق عدالت اجتماعی از طریق تقسیم مناسب منابع و امکانات عمومی میان مناطق (استان‌ها و شهرستان‌ها)، یکی از اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور است. از مدت‌ها پیش، اختلاف بین استان‌ها و شهرستان‌های برخوردار و غیربرخوردار وجود داشته است که همواره مباحثی راجع به آنها، توسط صاحب‌نظران عنوان شده است؛ اما در دهه اخیر به‌خصوص پس از انقلاب، علاقه‌مندی گسترده‌ای برای شناسایی این اختلاف‌ها و راه‌حلی برای برطرف کردن آن، به وجود آمده است؛ زیرا تداوم تفاوت‌های عمده اقتصادی بین استان‌ها و شهرستان‌ها در درازمدت، اثرات مخربی بر اقتصاد ملی به جا می‌گذارد. شاید بتوان یکی از دلایل اصلی اختلاف سطح زندگی

مردم در بعضی از مناطق نسبت به مناطق دیگر را، اتخاذ سیاست‌ها و روش نامناسب برنامه‌ریزی و تخصیص نامناسب منابع و امکانات دانست (اربابیان و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۱).

از آنجایی که در ایران تفاوت‌ها و نابرابری (محرومیت) ناحیه‌ای با نرخ نگران کننده‌ای در حال افزایش است، این وضعیت به بروز مشکلات جدی نظیر مهاجرت از مناطق محروم به نواحی برخوردار و توسعه یافته‌تر منجر شده (Noorbakhsh, 2002: 931) و تغییرات اجتماعی-اقتصادی دهه‌های اخیر، عدم تعادل ناحیه‌ای و تمرکز بیش‌ازحد امکانات در برخی نقاط (توسعه) و محرومیت دیگر نقاط را در پی داشته است (زنگی‌آبادی و ابوالحسنی، ۱۳۹۱: ۱۰۶). به همین دلیل ارتقاء سطح مناطق کمتر توسعه در قالب قانون استفاده متوازن از امکانات کشور در مجلس شورای اسلامی تصویب شد^۱.

بنابراین، تعیین سطوح برخورداری و غیربرخورداری شهرستان‌ها و بررسی نقاط قوت و ضعف و شرایط آنها در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیربنایی می‌تواند زمینه تخصیص بهینه منابع را برای توسعه هماهنگ و متوازن شهرستان‌ها فراهم نماید (رسولی، استعلاجی و شریعت‌پناهی، ۱۳۹۷: ۲۰۴). سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور برای آمایش سرزمین، کشور را به ۹ منطقه تقسیم‌بندی کرده است که استان‌های خراسان جنوبی، رضوی و شمالی به‌عنوان منطقه ۹ در نظر گرفته شده است. هدف این تحقیق تعیین سطح برخورداری و غیر برخورداری شهرستان‌های استان‌های منطقه ۹ آمایش سرزمین با استفاده از روش ترکیبی سلسله‌مراتبی و

۱. ماده واحده: در راستای تحقق اصل چهل و هشتم (۴۸) قانون اساسی و سیاست‌های کلی و جهت حصول به اهداف چشم‌انداز و به‌منظور استفاده متوازن از امکانات کشور، توزیع عادلانه و رفع تبعیض و ارتقای سطح مناطق کمتر توسعه یافته و تحقق پیشرفت و عدالت، دولت مکلف است در توزیع منابع عمومی و یارانه سود تسهیلات، به‌تجوی عمل نماید که فاصله شاخص‌های برخورداری شهرستان‌های کمتر از سطح متوسط کشور در شاخص‌های زیر، سالانه حداقل ۱۰٪ به سطح متوسط کشوری نزدیک شود. بدین منظور دولت مکلف است ۳٪ از اعتبارات بودجه عمومی دولت را در قالب ردیف مشخص تحت همین عنوان تعیین کند و طی جدولی که در آن، اسم هر استان بر اساس شاخص‌های نرخ بیکاری، آب شرب شهری و روستایی، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، بهسازی روستاها، راه و زیرساخت‌های جاده‌ای، سرانه‌های عمران شهری و درآمد شهرداری‌ها مشخص می‌گردد، در قانون بودجه درج نماید. سهم هر شهرستان برای بهبود شاخص‌های مذکور همراه با دستورالعمل توزیع پروژه‌ها و طرح‌های موارد فوق، هم‌زمان با ابلاغ اعتبارات استانی توسط معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور به استان ابلاغ می‌شود تا با تصویب کمیته برنامه‌ریزی شهرستان به طرح‌ها و پروژه‌های موضوع شاخص‌های فوق اختصاص یابد.

تاپسیس^۱ است.

مبانی نظری تحقیق

توسعه یک فرایند مغلق و پیچیده است که شرایط نامطلوب زندگی را به شرایط مطلوب مبدل می‌سازد. از واژه توسعه تعبیر گوناگون صورت گرفته است، نظیر رفع فقر و محرومیت، ارتقای سطح خدمات بهداشتی و درمانی، کاهش بیکاری و تورم، مشارکت فعال در عرصه‌های مختلف و برخورداری از آموزش و فرهنگ، بنابراین می‌توان توسعه را رشد همراه با عدالت اجتماعی دانست (سواری و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۲). مسأله محرومیت و نابرابری در اکثر کشورها، چالشی اساسی در مسیر توسعه است؛ بویژه برای آن دسته از کشورهایی که حاکمیت آنها، مناطق جغرافیایی وسیعی را شامل می‌شود. این نابرابری‌ها، تهدیدی جدی برای حصول توسعه متعادل و متوازن و از بین بردن محرومیت مناطق بوده و دستیابی به وحدت و یکپارچگی ملی را دشوار می‌نماید (Shankar & Shah, 2003: 1421). از نظر پیتر هال^۲ مهم‌ترین هدف سیاست اقتصادی ناحیه‌ای ایجاد اشتغال، کاهش بیکاری و مهاجرت فرستی است که به کاهش نابرابری‌ها کمک نموده و رشد و توسعه را به دنبال خواهد داشت (زیاری، زنجیرچی و سرخ‌کمال، ۱۳۸۹: ۱۹-۱۸).

با مطرح‌شدن توسعه، مفهوم عدالت همواره مهم‌ترین شاخص آن بوده است. فلاسفه سیاسی بر این نکته توافق دارند که عدالت، بخش وسیعی از روابط اجتماعی را شامل می‌شود.

از نظر جان رالز (Rawls, 1999)، عدالت اولین فضیلت نهادهای اجتماعی است. یک نوع از عدالت که بیشتر مورد توجه اندیشمندان اقتصادی قرار گرفته، عدالت اجتماعی می‌باشد. جان استوارت میل^۳ اولین کسی است که در دوره جدید، این اصطلاح را به شکل امروزی آن به کار برد. طبق نظر وی، عدالت اجتماعی یعنی «جامعه رفتار یکسانی با کسانی که شایستگی یکسان دارند، داشته باشد» (ملکی، احمدی و ترابی، ۱۳۹۴: ۴). شهید مطهری در بیان عدالت اجتماعی می‌نویسد که عدالت اجتماعی عبارت است از «ایجاد شرایط برای همه به‌طور یکسان و رفع موانع برای همه به‌طور یکسان»

1. topsis

2. Peter Hall

3. John Stuart Mill

و مرحوم علامه طباطبایی عدالت اجتماعی را این‌گونه تعریف کرده است «با هر یک از افراد جامعه طوری رفتار شود که مستحق آن است و در جایی قرار داده شود که سزاوار آن است» (عیوضلو، ۱۳۸۹: ۱۱).

با توجه به مطالب عدالت اجتماعی که تداعی گر توزیع ثروت و منابع به‌صورت عادلانه، میان افرادی است که در یک جامعه زندگی می‌کنند و از حقوق برابری برخوردارند (باباخانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۶۴). عدالت فضائی یکی از ارکان مهم در توسعه پایدار و رعایت عدالت اجتماعی بوده که در پی ایجاد برابری برای همه ساکنان فضای یک جغرافیا در استفاده یا برخورداری از منابع، امکانات، فرصت‌ها و زیرساخت بدون در نظر داشت ناهمگونی‌های زیستی و اقتصادی است. از این‌رو، جان رالز فیلسوف عدالت بر روی دو اصل آزادی و فرصت برابر تأکید می‌کند و می‌نویسد «هر توزیعی که در یک جامعه صورت می‌گیرد، باید کاملاً برابر باشد، مگر اینکه عدم تساوی در توزیع به نفع ضعیف‌ترین افراد جامعه باشد. بنابراین، دستیابی برابر تمام افراد به قدرت ملی، فرصت‌های ملی و ثروت ملی، شاکله اصلی عدالت فضائی به حساب می‌آید» (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۷).

نبود عدالت فضائی یا نابرابری فضائی که شکل برجسته آن، نابرابری منطقه‌ای است که در کشورهای درحال توسعه، خود را در قالب نابرابری بین شهر و روستا، نابرابری شهرهای کوچک و بزرگ، نابرابری بین مناطق (استان‌ها و شهرستان‌ها) محروم و برخوردار نمایان می‌کند.

در مقدمه قانون اساسی «تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او» به‌عنوان هدف برنامه اقتصادی- اسلامی معرفی شده است. عبارت "رفع نیازهای ضروری" نشان دهنده بازتوزیع منابع جهت کاهش نابرابری‌هاست. اصل سوم نیز دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف می‌کند همه امکانات خود را برای امور مشخص به‌کار برد که بویژه در بند نهم بر «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه» تصریح شده است. در بند ۱۲ این اصل نیز بر «ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف کردن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» تأکید شده است؛ اما در مهم‌ترین اصل اقتصادی قانون اساسی، یعنی اصل چهل و سوم که ارکان نظام اقتصادی ایران معرفی می‌شود، «تأمین نیازهای اساسی (مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه)،

تأمین شرایط و امکانات کار، ایجاد فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، اجتماعی و شرکاء فعال در رهبری کشور و افزایش ابتکار و مهارت ... به‌صراحت به شکل برابر و بدون تبعیض برای همه مقرر شده است». هر چند که تحقق عدالت و برابری مطلق در یک جامعه کار آسانی نیست، اما تا حدودی می‌توان بی‌عدالتی و نابرابری اقتصادی و اجتماعی را در جامعه کاهش داد. یکی از اهداف برنامه‌ریزی منطقه‌ای و قانون استفاده متوازن کشور، کاهش نابرابری اقتصادی، اجتماعی و رفاهی در جامعه است (مرادی مسیحی و طالبی، ۱۳۹۶: ۵۷).

پیشینه پژوهش

شیخ بیگلو (۱۳۹۰) تحقیقی را پیرامون شناسایی مناطق محروم ایران با استفاده از رتبه‌بندی ترکیبی انجام داده است. در این تحقیق نشان داده شده است که استان‌های ایلام، خراسان شمالی، هرمزگان و سیستان و بلوچستان نسبت به سایر استان‌ها در سطح پایین‌تری از توسعه قرار دارند. ملکی، احمدی و ترابی (۱۳۹۴) به بررسی عدالت فضایی در امکانات و خدمات بهداشتی-درمانی در شهرستان‌های استان خوزستان پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که توزیع امکانات و خدماتی بهداشتی-درمانی از نظر جغرافیایی متعادل به نظر می‌رسد، اما از نظر جمعیتی توزیع امکانات بهداشتی-درمانی نابرابر می‌باشد.

اسماعیل‌زاده و معصومی (۱۳۹۴) به بررسی تحلیل عدالت فضایی شهرستان‌های استان اردبیل در بخش بهداشتی-درمانی با استفاده از مدل ویکور^۱ پرداخته است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که خدمات بهداشتی-درمانی به‌صورت مناسب و عادلانه در بین شهرستان‌های اردبیل توزیع نشده است. سواری و دیگران (۱۳۹۵) به سنجش و ارزیابی سطوح محرومیت فضایی زیرساخت‌های توسعه استان خوزستان پرداخته‌اند. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که شهرستان‌های اهواز و دزفول به ترتیب در درجه اول و دوم قرار گرفته‌اند و شهرستان آقاجاری، درجه آخر را کسب نموده است.

زارعی (۱۳۹۶) به مطالعه وضعیت توزیع خدمات بخش بهداشت و درمان در شهرستان‌های استان خراسان شمالی پرداخته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که شهرستان بجنورد با ضریب

۰/۷۷ توسعه‌یافته‌ترین و شهرستان رازوجرگلان با ضریب ۰/۱۰ محروم‌ترین از لحاظ توسعه در بخش بهداشت و درمان است.

رسولی، استعلاجی و شریعت‌پناهی (۱۳۹۷) تحقیقی را پیرامون سطح‌بندی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان ساوه از نظر میزان محرومیت با استفاده از شاخص موزون موریس^۱ انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که سطح توسعه‌یافتگی دهستان‌های شهرستان ساوه در بخش‌های مختلف متفاوت است، اما در بیشتر بخش‌ها، توسعه‌یافته‌ترین دهستان طراز ناهید و توسعه‌نیافته‌ترین، دهستان شاهسونکندی می‌باشد. حیدری و دیگران (۱۳۹۷) به بررسی عدالت فضایی در بخش‌های ارتباطی استان کرمان پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده توزیع فضایی نامتعادل شاخص‌ها در شهرستان‌های استان کرمان است، به‌طوری که شهرستان‌های کرمان و سیرجان در سطح مناسب‌تری نسبت به سایر شهرستان‌ها قرار داشت و در مقابل، شهرستان‌های فاریاب و رابر محروم‌ترین شهرستان استان کرمان هستند.

در مطالعه‌ای که توسط سان و دیگران (Sun, et al., 2011) با هدف بررسی تفاوت‌های منطقه‌ای در وضعیت بهداشتی در چین انجام شد، نتایج حاکی از آن بود که وضعیت بهداشتی مناطق روستایی بدتر از مناطق شهری است که با توسعه سطح اقتصادی کشور، وضعیت بهداشتی در مناطق روستایی افزایش یافته است. تان و سامسودین (Tan & Samsudin, 2017) در مطالعه‌ای، اثرات مقیاس فضایی در ارزیابی عدالت فضایی بر اساس فضای پارک شهر سنگاپور سنجیده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در این شهر توزیع نابرابر فضاهای پارک‌ها بر اساس ثروت و درآمد ایجاد شده است.

شاخص‌های مورد استفاده بر اساس قانون استفاده متوازن کشور

به‌منظور تعیین درجه محرومیت شهرستان‌های منطقه ۹ آمایش سرزمین در سال ۱۳۹۵ که شامل استان‌های خراسان جنوبی، خراسان رضوی و خراسان شمالی می‌شود، از ۸ معیار که شامل ۲۴ شاخص که در قانون استفاده متوازن تعریف گردیده، استفاده شده است. با بهره‌گیری از روش تحلیل سلسله-مراتبی و تاپسیس^۲ رتبه شهرستان‌ها تعیین و سپس نتایج مورد تحلیل قرار گرفته است.

جدول (۱) معیارها و زیرمعیارها (شاخص) و کد معرف آن برای تعیین درجه محرومیت

کد	شاخص	بخش
X _۱	نرخ بیکاری	اقتصادی
X _۲	تعداد کارگاه‌های فعال بیش از ۵۰ نفر کارکن	
X _۳	تعداد کل کارگاه‌های فعال	
X _۴	نرخ باسوادی	آموزش و پرورش
X _۵	تراکم دانش‌آموزان در کلیه مقاطع	
X _۶	درصد کلاس‌های غیراستاندارد در کلیه مقاطع	
X _۷	سرانه مرکز بهداشت شهری	بهداشت و درمان
X _۸	سرانه مرکز بهداشت روستایی	
X _۹	نسبت خانه بهداشت فعال به ازای هزار نفر	
X _{۱۰}	تعداد پزشکان عمومی و متخصص	
X _{۱۱}	بهره‌مندی روستاها از آب آشامیدنی سالم	آب شرب شهری و روستایی
X _{۱۲}	برخورداری خانواده‌های عشایر از آب آشامیدنی	
X _{۱۳}	سرانه درآمد کوششی شهرداری‌ها	درآمد شهرداری‌ها
X _{۱۴}	تعداد خانوارهای روستایی برخوردار از گاز	بهسازی روستاها
X _{۱۵}	نسبت روستاهای دارای طرح‌های اجرا شده	
X _{۱۶}	نسبت روستاهای دارای طرح‌های روستایی	
X _{۱۷}	نسبت طول راه‌های روستایی آسفالت به کل راه‌های روستایی	راه و زیرساخت‌های جاده‌ای
X _{۱۸}	برخورداری خانواده‌های عشایر از راه مناسب	
X _{۱۹}	تعداد سالن‌های روباز	سرانه‌های عمران
X _{۲۰}	تعداد سالن‌های سرپوشیده	
X _{۲۱}	شهرک‌ها و نواحی صنعتی مصوب دارای شبکه گاز	
X _{۲۲}	شهرک‌ها و نواحی صنعتی مصوب دارای شبکه برق	
X _{۲۳}	شهرک‌ها و نواحی صنعتی مصوب دارای شبکه آب	
X _{۲۴}	شهرک‌ها و نواحی صنعتی مصوب دارای زیرساخت‌های مخابراتی	

منبع: سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۸)

شناخت محدوده مورد مطالعه

شهرستان‌های منطقه‌ای ۹ آمایش سرزمین با در بر گرفتن ۷٪ از خاک کشور ایران، ۱۱۶/۳۴۸ کیلومتر مربع وسعت دارد و در ۳۳ تا ۳۷ درجه عرض شمالی و ۵۶ تا ۶۱ درجه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ واقع شده است.

جدول ۲) میزان اعتبارات توزیع شده به استان‌های منطقه ۹ آمایش کشور (میلیون ریال)

اعتبارات قانون استفاده متوازن			
مملکرد	تخصیص	مصوب	
۷۹۳/۲۱	۷۹۳/۲۱	۴۴۰/۷۷۳/۳	سال ۱۳۹۴
	۰	۴۴۰/۸۶۸/۱	خراسان رضوی
۷۹۳/۲۱	۷۹۳/۲۱	۸۸۰ /۰۰۰	خراسان شمالی
	۰	۱/۰۲۵/۰۰۰	خراسان جنوبی
۱۳۵/۹۳۲	۱۳۵/۹۳۲	۵۰۰/۲۲۰/۵	سال ۱۳۹۵
	۰	۲/۴۵۲/۶۰۰	خراسان رضوی
۴۰/۶۳۲	۴۰/۹۳۲	۱/۴۳۰/۱۰۰	خراسان شمالی
۹۵/۰۰۰	۹۵/۰۰۰	۱/۳۳۶/۸۰۰	خراسان جنوبی
۲/۱۰۳/۳۳۵	۲/۱۱۶/۰۰۰	۷/۶۹۹/۶۰۰	سال ۱۳۹۶
۱/۰۶۰/۹۲۰	۱/۰۷۳/۰۰۰	۳/۶۹۸/۶۰۰	خراسان رضوی
۵۱۷/۰۰۰	۵۱۷/۰۰۰	۲/۰۲۳/۰۰۰	خراسان شمالی
۵۲۵/۴۱۵	۵۲۶/۰۰۰	۱/۹۷۸/۰۰۰	خراسان جنوبی
۲/۲۶۱/۰۶۰	۲/۲۷۳/۷۲۵	۱۶/۶۹۳/۵۴۰	جمع کل

منبع: قانون بودجه کشور (سال‌های مختلف)

روش پژوهش

روش بررسی این پژوهش مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز کتابخانه‌ای است. ضریب اهمیت شاخص‌ها بر اساس روش تحلیل سلسله مراتبی و رتبه‌بندی بر اساس روش تاپسیس انجام می‌شود. روش تاپسیس اولین بار توسط هوانگ و یون^۱ در سال ۱۹۸۱ میلادی معرفی شد. این روش یکی از بهترین روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه است که در این روش m گزینه به‌وسیله‌ی n شاخص مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (فلاحی، بهشتی و اسراء مرعشی، ۱۳۹۶: ۱۰۶). اساس این روش، انتخاب گزینه است که کمترین فاصله را از جواب آرمان مثبت و بیشترین فاصله را از جواب آرمان منفی دارد (باستانی و جوادرمزی، ۱۳۹۳: ۶۷). گام‌های روش تاپسیس به شرح زیر است:

۱- تشکیل ماتریس تصمیم: گام اولیه این روش تشکیل ماتریس تصمیم است. این روش شامل یک تعداد معیار و گزینه‌ها است. یک ماتریس که معیارها در ستون‌ها قرار می‌گیرند و گزینه‌ها در سطر هستند.

$$n_{ij} = \frac{r_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m r_{ij}^2}}$$

۲- بی‌مقیاس کردن ماتریس تصمیم: بی‌مقیاس کردن در روش تاپسیس با استفاده از نرم اقلیدسی صورت می‌گیرد و به این صورت انجام می‌شود که هر درایه بر جذر مجموع مربعات درایه‌های آن ستون معیار تقسیم می‌شود.

۳- تشکیل ماتریس ضرایب: در این مرحله وزن هر شاخص را با استفاده از روش تحلیل سلسله-مراتبی دریافت می‌کنیم.

۴- ایجاد ماتریس بی‌مقیاس وزین: در این گام وزن معیارها که توسط روش تحلیل سلسله‌مراتبی به‌دست آمده است را با ماتریس نرمال ضرب می‌کنیم تا ماتریس وزین حاصل شود.

$$V = N_D * W_{n*n}$$

۵- مشخص نمودن جواب آرمان مثبت و آرمان منفی: لازم به ذکر است که در روش خطی آرمان مثبت هر شاخص برابر با مقدار حداکثر (MAX) آن و آرمان منفی هر شاخص برابر با حداقل (MIN) آن شاخص است.

۶- به دست آوردن میزان فاصله هر گزینه از آرمان مثبت و منفی: برای محاسبه می‌توان از فاصله اقلیدسی استفاده کرد. فاصله اقلیدسی هر گزینه تا آرمان مثبت و منفی، براساس فرمول‌های ذیل محاسبه می‌شود.

$$d_i^+ = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_{ij}^+)^2} \quad d_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_{ij}^-)^2}$$

۷- محاسبه نزدیکی نسبی هر گزینه به آرمان‌ها (CL^*)

$$cl_i^* = \frac{d_i^-}{d_i^+ - d_i^-}$$

۸- رتبه‌بندی گزینه‌ها: هر گزینه که CL^* آن بزرگ‌تر باشد بهتر است (فلاحی، بهشتی و اسراء مرعشی، ۱۳۹۶: ۱۰۷).

یکی از کارآمدترین روش‌ها، فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی است که در سال ۱۹۸۰ میلادی توسط فردی بنام توماس ال ساعتی^۱ مطرح گردید (قلی‌پور و جزایری مقدس، ۱۳۹۵: ۳۹). هنگامی که عمل تصمیم‌گیری با چند گزینه رقیب و معیار تصمیم‌گیری روبه‌رو است، این روش می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی ترکیب معیارهای کمی و کیفی را به‌طور هم‌زمان امکان‌پذیر می‌سازد. این روش بر اساس مقیاس‌های زوجی بنا شده است (نجفی و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۴) و برای اجرای روش تحلیل سلسله‌مراتبی باید مراحل ذیل انجام شود:

۱- ایجاد ساختار سلسله‌مراتبی

۲- انجام مقایسات زوجی

۳- تعیین اولویت‌ها

۴- بررسی ناسازگاری منطقی ماتریس قضاوت

بعد از طی مراحل فوق وزن‌های نسبی محاسبه می‌گردد. در ماتریس مقایسه زوجی، ابتدا مجموع هر ستون محاسبه گردیده و سپس ماتریس با تقسیم هر درایه بر مجموع ستون متناظرش نرمال می‌شود و در نهایت میانگین درایه‌های هر سطر از ماتریس نرمال شده و به‌عنوان وزن نسبی هر معیار، محاسبه می‌شود. این مرحله توسط نرم‌افزار Expert Choice انجام می‌شود (ابزری و فغانی، ۱۳۹۱: ۵۰).

یافته‌های تحقیق

برای محاسبه وزن معیارها و شاخص‌ها از پرسش‌نامه استفاده شده که به تعداد ۹ عدد بود. ۶ عدد آن توسط اشخاص که دارای درجه تحصیلی دکترا بودند، جواب داده شد و مابقی ۳ عدد آن توسط کسانی که دارای درجه تحصیلی کارشناسی ارشد بودند، جواب داده شده است. با استفاده از نرم‌افزار Expert Choice، درجه اهمیت و ضرایب معیارها و شاخص‌ها تعیین شده است که نرخ ناسازگاری به‌دست آمده برابر با ۰/۹ است که نشان می‌دهد نتایج به‌دست آمده قابل قبول است.

جدول (۳) وزن معیارها و درجه اهمیت آن

ردیف	معیارها	ارزش وزنی	رتبه
۱	اقتصادی	۰/۲۲۶	۱
۲	بهداشت و درمان	۰/۱۷۸	۲
۳	آموزش و پرورش	۰/۱۶۷	۳
۴	راه و زیرساخت جاده‌ای	۰/۱۰۹	۴
۵	آب شرب روستایی و شهری	۰/۱۰۵	۵
۶	بهبودی روستاها	۰/۰۸۶	۶
۷	درآمد شهرداری‌ها	۰/۰۷۰	۷
۸	سرانه عمران شهری	۰/۰۶۰	۸

منبع: یافته‌های تحقیق

به‌طوری که در جدول ۳ مشاهده می‌گردد، در تعیین درجه محرومیت، معیار اقتصادی بیشترین وزن را دارا بوده و بنابراین بیشترین اهمیت و یا تأثیر را در تعیین درجه محرومیت داراست و برعکس، معیار سرانه عمران شهری، کمترین وزن را دارا بوده و کمترین تأثیر را در تعیین درجه محرومیت داراست.

جدول (۴) وزن شاخص‌ها و درجه اهمیت آن

رتبه	ارزش وزنی	شاخص‌ها
۱	۰/۱۵۰۱	نرخ بیکاری
۲	۰/۱۰۰۹	نرخ باسوادی
۳	۰/۰۷۹۱	بهره‌مندی روستاها از آب آشامیدنی سالم
۴	۰/۰۷۶۰	سرانه درآمد کوششی شهرداری‌ها
۵	۰/۰۷۳۶	نسبت طول راه‌های روستایی آسفالت به کل راه‌های روستایی
۶	۰/۰۶۳۲	سرانه مرکز بهداشت شهری
۷	۰/۰۴۹۵	تعداد کارگاه‌های فعال بیش از ۵۰ نفر کارکن
۸	۰/۰۴۴۴	درصد کلاس‌های غیراستاندارد در کلیه مقاطع
۹	۰/۰۴۴۱	تعداد پزشکان عمومی و متخصص
۱۰	۰/۰۳۹۴	نسبت روستاهای دارای طرح‌های روستایی
۱۱	۰/۰۳۶۱	نسبت خانه بهداشت فعال به ازای هزار نفر
۱۲	۰/۰۳۵۴	برخورداری خانواده‌های عشایر از راه مناسب
۱۳	۰/۰۳۴۴	سرانه مرکز بهداشت روستایی
۱۴	۰/۰۳۱۸	نسبت روستاهای دارای طرح‌های اجرا شده
۱۵	۰/۰۲۶۴	تعداد کل کارگاه‌های فعال
۱۶	۰/۰۲۵۹	برخورداری خانواده‌های عشایر از آب آشامیدنی
۱۷	۰/۰۲۱۷	تراکم دانش‌آموزان در کلیه مقاطع
۱۸	۰/۰۱۸۲	شهرک‌ها و نواحی صنعتی مصوب دارای شبکه آب
۱۹	۰/۰۱۵۵	شهرک‌ها و نواحی صنعتی مصوب دارای شبکه برق
۲۰	۰/۰۱۴۷	تعداد خانوارهای روستایی برخوردار از گاز
۲۱	۰/۰۱۰۶	شهرک‌ها و نواحی صنعتی مصوب دارای شبکه گاز
۲۲	۰/۰۰۷۹	شهرک‌ها و نواحی صنعتی مصوب دارای زیرساخت‌های مخابراتی

۲۳	۰/۰۰۴۶	تعداد سالن‌های سرپوشیده
۲۴	۰/۰۰۳۲	تعداد سالن‌های روباز

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طوری که در جدول ۴ دیده می‌شود، شاخص‌های نرخ بیکاری و نرخ باسوادی دارای بالاترین وزن بوده و در تعیین درجه محرومیت بیشترین نقش را دارند و برعکس، شاخص‌هایی مانند تعداد سالن‌های روباز و تعداد سالن‌های سرپوشیده دارای کمترین وزن بوده و در تعیین درجه محرومیت، پایین‌ترین سهم را دارند. وزن‌های به‌دست آمده ۲۴ شاخص ذکر شده توسط روش تحلیل سلسله-مراتبی به‌عنوان ورودی در روش تاپسیس در نظر گرفته شده است. گام اول در روش تاپسیس تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری است. ماتریس تصمیم‌گیری متشکل از گزینه‌ها (سطرها) و معیار (ستون‌ها) است. گزینه‌ها عبارت از شهرستان‌های منطقه ۹ آمایش سرزمین کشور ایران و معیارها، ۲۴ شاخص است که در جدول ۱ آورده شده است. بعد از نرمال نمودن ماتریس تصمیم‌گیری با ضرایب به‌دست آمده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی ضرب می‌نماییم که در نتیجه ماتریس نرمال شده وزنی حاصل می‌شود. در گام بعدی آرمان‌های مثبت و منفی را به‌دست می‌آوریم که در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۵) ماتریس آرمان‌های مثبت و منفی

	X_1	X_2	X_3	X_4	X_5	X_6	X_7	X_8	X_9	X_{10}	X_{11}	X_{12}
ایده‌آل مثبت	$\frac{1}{1}$	$\frac{2}{1}$	$\frac{2}{1}$	$\frac{4}{1}$	$\frac{1}{1}$	$\frac{1}{1}$	$\frac{2}{1}$	$\frac{2}{1}$	$\frac{2}{1}$	$\frac{4}{1}$	$\frac{2}{1}$	$\frac{2}{1}$
ایده‌آل منفی	$\frac{1}{1}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{4}$	$\frac{1}{1}$	$\frac{1}{1}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{4}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{2}$
	X_{13}	X_{14}	X_{15}	X_{16}	X_{17}	X_{18}	X_{19}	X_{20}	X_{21}	X_{22}	X_{23}	X_{24}
ایده‌آل مثبت	$\frac{1}{1}$	$\frac{1}{1}$	$\frac{1}{1}$	$\frac{2}{1}$	$\frac{1}{1}$	$\frac{1}{1}$	$\frac{1}{1}$	$\frac{1}{1}$	$\frac{1}{1}$	$\frac{1}{1}$	$\frac{1}{1}$	$\frac{2}{1}$
ایده‌آل منفی	$\frac{1}{1}$	$\frac{1}{1}$	$\frac{1}{1}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{1}$	$\frac{1}{1}$	$\frac{1}{1}$	$\frac{1}{1}$	$\frac{1}{1}$	$\frac{1}{1}$	$\frac{1}{1}$	$\frac{1}{2}$

منبع: یافته‌های تحقیق

سپس، فاصله هر گزینه (شهرستان‌ها) را از آرمان مثبت و منفی محاسبه می‌کنیم. هر گزینه که به آرمان مثبت نزدیک‌تر و از آرمان منفی دورتر باشد، وضعیت بهتری را داراست که در جدول ۶ آورده شده است.

جدول ۶) فاصله گزینه‌ها (شهرستان‌ها) از آرمان مثبت و منفی

استان‌ها	شهرستان‌ها	فاصله از آرمان مثبت	فاصله از آرمان منفی	نزدیکی تا گزینه آرمان
خراسان جنوبی	بشرویه	۰/۱۷۸۱	۰/۰۳۱۰	۰/۱۴۸۳
خراسان جنوبی	بیرجند	۰/۰۸۶۹	۰/۰۱۸۷	۰/۱۷۷۵
خراسان جنوبی	خوسف	۰/۱۱۲۳	۰/۰۲۹۲	۰/۲۰۶۱
خراسان جنوبی	سرایان	۰/۱۰۹۲	۰/۰۵۶۸	۰/۳۴۰۱
خراسان جنوبی	قائنات	۰/۰۹۱۸	۰/۰۴۰۱	۰/۳۰۳۹
خراسان جنوبی	نهبندان	۰/۰۹۶۲	۰/۰۵۱۰	۰/۳۴۶۴
خراسان جنوبی	درمیان	۰/۱۱۵۵	۰/۰۲۵۳	۰/۱۷۹۶
خراسان جنوبی	زیرکوه	۰/۱۲۶۷	۰/۰۳۱۳	۰/۱۹۷۹
خراسان جنوبی	سربیشه	۰/۱۴۸۲	۰/۰۳۸۵	۰/۲۰۶۴
خراسان جنوبی	فردوس	۰/۰۷۴۶	۰/۰۰۲۲۶	۰/۲۳۲۹
خراسان جنوبی	طیس	۰/۰۵۴۴	۰/۰۲۶۴	۰/۳۲۷۱
خراسان رضوی	باخرز	۰/۱۱۰۶	۰/۰۶۰۳	۰/۳۵۲۷
خراسان رضوی	بجستان	۰/۱۶۲۹	۰/۰۲۶۹	۰/۱۴۱۸
خراسان رضوی	بردسکن	۰/۰۹۰۱	۰/۰۲۵۹	۰/۲۲۳۱
خراسان رضوی	بینالود	۰/۱۲۸۸	۰/۰۲۷۸	۰/۱۷۷۲
خراسان رضوی	تایباد	۰/۱۸۹۲	۰/۰۵۴۰	۰/۲۲۲۲
خراسان رضوی	ترت جام	۰/۱۰۳۸	۰/۰۴۲۸	۰/۲۹۱۸
خراسان رضوی	ترت حیدریه	۰/۰۶۳۸	۰/۰۱۷۳	۰/۲۱۳۸
خراسان رضوی	جغتای	۰/۱۵۶۴	۰/۰۳۸۶	۰/۱۹۸۱
خراسان رضوی	جوین	۰/۱۸۱۴	۰/۰۳۱۴	۰/۱۴۷۴
خراسان رضوی	چناران	۰/۱۴۷۶	۰/۰۳۴۹	۰/۱۹۱۳
خراسان رضوی	خلیل‌آباد	۰/۱۴۱۷	۰/۰۴۰۰	۰/۲۲۰۳
خراسان رضوی	خواف	۰/۱۲۵۱	۰/۰۴۰۰	۰/۲۴۲۲

خراسان رضوی	خوشاب	۰/۱۰۱۶	۰/۰۳۳۰	۰/۲۴۵۴
خراسان رضوی	داورزن	۰/۱۱۷۱	۰/۰۴۶۶	۰/۲۸۴۵
خراسان رضوی	درگز	۰/۱۴۷۶	۰/۰۵۳۰	۰/۲۶۴۲
خراسان رضوی	رشتخوار	۰/۱۴۲۰	۰/۰۳۱۷	۰/۱۸۲۳
خراسان رضوی	زاوه	۰/۰۹۵۶	۰/۰۴۸۴	۰/۳۳۶۳
خراسان رضوی	سبزوار	۰/۱۴۹۹	۰/۰۳۴۵	۰/۱۸۷۲
خراسان رضوی	سرخس	۰/۰۹۳۰	۰/۰۸۱۲	۰/۴۶۶۱
خراسان رضوی	فریمان	۰/۲۴۲۹	۰/۰۴۵۴	۰/۱۵۷۵
خراسان رضوی	فیروزه	۰/۱۴۷۷	۰/۰۲۸۱	۰/۱۵۹۸
خراسان رضوی	قوچان	۰/۰۹۳۷	۰/۰۶۰۳	۰/۳۹۱۳
خراسان رضوی	کاشمر	۰/۱۷۹۱	۰/۰۳۴۳	۰/۱۶۰۹
خراسان رضوی	کلات	۰/۱۰۴۴	۰/۰۶۵۲	۰/۳۸۴۵
خراسان رضوی	گناباد	۰/۱۴۹۱	۰/۰۱۷۳	۰/۱۰۳۷
خراسان رضوی	مشهد	۰/۱۲۸۴	۰/۰۴۲۷	۰/۲۴۹۸
خراسان رضوی	مهولات	۰/۰۹۶۴	۰/۰۳۸۵	۰/۲۸۵۲
خراسان رضوی	نیشابور	۰/۰۹۸۴	۰/۰۰۹۶	۰/۰۸۹۲
خراسان شمالی	اسفراین	۰/۱۷۸۸	۰/۰۳۴۳	۰/۱۶۱۱
خراسان شمالی	بجنورد	۰/۱۷۴۵	۰/۰۳۲۳	۰/۱۱۷۲
خراسان شمالی	جاجرم	۰/۳۱۲۱	۰/۰۴۶۶	۰/۱۲۹۹
خراسان شمالی	راز	۰/۱۱۴۴	۰/۰۴۶۸	۰/۲۹۰۴
خراسان شمالی	شیروان	۰/۱۰۷۱	۰/۰۴۱۱	۰/۲۷۷۵
خراسان شمالی	فاروج	۰/۱۲۲۷	۰/۰۳۶۹	۰/۲۳۱۴
خراسان شمالی	گرمره	۰/۲۰۲۷	۰/۰۳۱۲	۰/۱۳۳۳
خراسان شمالی	مانه و سملقان	۰/۱۰۵۷	۰/۰۳۸۹	۰/۲۶۹۲

منبع: یافته‌های تحقیق

در گام آخر، گزینه‌ها (شهرستان‌ها) را بر اساس بالاترین رقم رتبه‌بندی می‌نماییم که این رتبه‌بندی در جدول‌های ۷، ۸ و ۹ آورده شده است.

جدول ۷) رتبه‌بندی شهرستان‌های خراسان جنوبی از نگاه درجه محرومیت بر اساس روش تاپسیس

رتبه	شهرستان	شاخص محرومیت	رتبه	شهرستان	شاخص محرومیت
۵	نهبندان	۰/۳۴۶۴۳	۲۷	خوسف	۰/۲۰۶۰۸
۶	سرایان	۰/۳۴۰۱۱	۲۹	زیرکوه	۰/۱۹۷۹۴
۸	طیس	۰/۳۲۷۱۴	۳۳	درمیان	۰/۱۷۹۶۳
۹	قائنات	۰/۳۰۳۹۴	۳۴	بیرجند	۰/۱۷۷۴۷
۲۰	فردوس	۰/۲۳۲۹۳	۴۰	بشرویه	۰/۱۴۸۳۳
۲۶	سربیشه	۰/۲۰۶۳۸			

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۸) رتبه‌بندی شهرستان‌های خراسان رضوی از نگاه درجه محرومیت بر اساس روش تاپسیس

رتبه	شهرستان	شاخص محرومیت	رتبه	شهرستان	شاخص محرومیت
۱	سرخس	۰/۴۶۶۰۸	۲۴	خلیل آباد	۰/۲۲۰۲۷
۲	قوچان	۰/۳۹۱۳۳	۲۵	تربت حیدریه	۰/۲۱۳۷۷
۳	کلات	۰/۳۸۴۵۳	۲۸	جغتای	۰/۱۹۸۰۷
۴	باخرز	۰/۳۵۲۶۸	۳۰	چناران	۰/۱۹۱۲۶
۷	زاوله	۰/۳۳۶۲۵	۳۱	سبزوار	۰/۱۸۷۲۴
۱۰	تربت جام	۰/۲۹۱۸۴	۳۲	رشتخوار	۰/۱۸۲۲۹
۱۲	مه ولات	۰/۲۸۵۲۴	۳۵	بینالود	۰/۱۷۷۲۳
۱۳	داورزن	۰/۲۸۴۴۹	۳۷	کاشمر	۰/۱۶۰۸۸
۱۶	درگز	۰/۲۶۴۱۵	۳۸	فیروزه	۰/۱۵۹۸۲
۱۷	مشهد	۰/۲۴۹۷۸	۳۹	فریمان	۰/۱۵۷۵۳
۱۸	خوشاب	۰/۲۴۵۴۱	۴۱	جوین	۰/۱۴۷۴۳
۱۹	خواف	۰/۲۴۲۱۹	۴۲	بجستان	۰/۱۴۱۸۲
۲۲	بردسکن	۰/۲۲۳۰۷	۴۶	گناباد	۰/۱۰۳۷۳
۲۳	تایباد	۰/۲۲۲۲۱	۴۷	نیشابور	۰/۰۸۹۱۹

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۹) رتبه‌بندی شهرستان‌های خراسان شمالی از نگاه درجه محرومیت بر اساس روش تاپسیس

رتبه	شهرستان	شاخص محرومیت	رتبه	شهرستان	شاخص محرومیت
۱۱	راز	۰/۲۹۰۳۵	۳۶	اسفراین	۰/۱۶۱۱۲
۱۴	شیروان	۰/۲۷۷۴۵	۴۳	گرمه	۰/۱۳۳۲۷
۱۵	مانه و سملقان	۰/۲۶۹۲۲	۴۴	جاجرم	۰/۱۲۹۹۳
۲۱	فاروج	۰/۲۳۱۳۵	۴۵	بجنورد	۰/۱۱۷۲۱

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طوری که در جدول‌های ۷، ۸ و ۹ دیده می‌شود شهرستان‌های سرخص، قوچان، کلات و باخرز از استان خراسان رضوی در رتبه‌های اول تا چهارم قرار گرفته‌اند و از جمله محروم‌ترین شهرستان‌های منطقه ۹ آمایش سرزمین (خراسان بزرگ) هستند. هم‌چنان شهرستان‌های جاجرم و بجنورد از استان خراسان شمالی و شهرستان‌های گناباد و نیشابور از استان خراسان رضوی از جمله برخوردارترین شهرستان‌های این منطقه به‌شمار می‌روند. به‌طور کلی شش شهرستان (سرخص، قوچان، باخرز، کلات، زاوه و تربت جام) از استان خراسان رضوی و چهار شهرستان (نهبندان، طبس، سرایان و قائنات) از استان خراسان جنوبی از محروم‌ترین شهرستان‌های منطقه ۹ آمایش سرزمین (خراسان بزرگ) می‌باشند و هفت شهرستان (کاشمر، فیروزه، فریمان، جویین، بجستان، گناباد و نیشابور) از استان خراسان رضوی و سه شهرستان (گرمه، جاجرم و بجنورد) از جمله برخوردارترین شهرستان‌های منطقه ۹ آمایش سرزمین (خراسان بزرگ) هستند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در جوامع در حال توسعه، میزان رفاه و دسترسی به امکانات در سطح جامعه از توزیع یکنواختی برخوردار نبوده و از هم متفاوت است و به مناطقی که میزان رفاه و دسترسی به امکانات آنها کمتر باشد، مناطق محروم گفته می‌شود. از آنجایی که، در ایران تفاوت‌ها و نابرابری (محرومیت) بین مناطق وجود دارد، این وضعیت به بروز مشکلات جدی نظیر مهاجرت از مناطق محروم به نواحی برخوردار و توسعه‌یافته‌تر منجر شده است. پرداختن و مشخص کردن علل عقب‌ماندگی شهرستان‌ها باعث می‌شود که برنامه‌ریزان در تشخیص بهینه اعتبارات و حرکت به‌سوی عدالت اجتماعی که ازجمله هدف‌های

برنامه و قانون استفاده متوازن برای برطرف کردن ناهماهنگی‌های توسعه بین استان‌ها و شهرستان‌ها است، توفیق یابند. از طرف دیگر، شناخت وضعیت برخوردار و غیر برخوردار شهرستان‌ها، مسؤولان برنامه‌ریزی استانی و شهرستانی را قادر می‌سازد تا در سیاست‌گذاری‌ها اصلاحات لازم را به عمل آورند.

همان‌طور که ذکر شد، در این تحقیق تعیین رتبه درجه محرومیت شهرستان‌های استان‌های خراسان رضوی، شمالی و جنوبی از طریق ۲۴ شاخص تعریف شده در قانون استفاده متوازن که در ۸ معیار تقسیم شده است، با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی و تاپسیس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. این معیارهای شامل بخش‌های اقتصادی، آموزش و پرورش، آب شرب شهری و روستایی، درآمد شهرداری‌ها، بهسازی روستاها، راه و زیرساخت جاده‌ای و سرانه عمران شهری است. بر مبنای نتایج به‌دست آمده، معیار اقتصادی با کسب بالاترین ضریب، بیشترین تأثیر و معیار سرانه عمران شهری با کسب پایین‌ترین ضریب، کمترین تأثیر را در تعیین درجه محرومیت دارا می‌باشند. از میان ۲۴ شاخص نیز شاخص‌های نرخ بیکاری و نرخ باسواد به ترتیب با کسب بالاترین ضرایب در رتبه‌های اول و دوم قرار دارند و همچنین شاخص‌های تعداد سالن‌های سرپوشیده و تعداد سالن‌های روباز، با کسب پایین‌ترین ضرایب به ترتیب در رتبه‌های بیست‌وسوم و بیست‌وچهارم قرار دارند. معیارها و شاخص‌هایی که دارای رتبه‌های بالا هستند، دارای اثرگذاری بیشتر و معیارها و شاخص‌هایی که در رتبه‌های پایین قرار گرفته‌اند، دارای اثرگذاری کمتر در تعیین درجه محرومیت هستند. در نهایت بر اساس شاخص‌های قانون استفاده متوازن شهرستان‌های استان‌های منطقه ۹ آمایش سرزمین، از لحاظ درجه محرومیت رتبه‌بندی گردیده‌اند. شهرستان‌های سرخس، قوچان و کلات به ترتیب در رتبه‌های اول، دوم و سوم قرار گرفته‌اند که از جمله محروم‌ترین شهرستان‌ها به‌شمار می‌روند و شهرستان‌های بجنورد، گناباد و نیشابور به ترتیب در رتبه‌های چهل‌وپنجم، چهل‌وششم و چهل‌وهفتم قرار گرفته‌اند و از جمله توسعه‌یافته‌ترین شهرستان‌های استان‌های منطقه ۹ آمایش سرزمین به‌شمار می‌روند.

امروزه اقتصاددانان طرفدار رشد متوازن، تأکید بر این دارند که هدف از رشد متعادل باید ایجاد بهترین شرایط و امکانات برای جامعه در همه نواحی باشد و تفاوت‌های زندگی بین ناحیه‌ای به حداقل برسد و نهایتاً از بین برود. یکی از عوامل نابرابری خصوصیات ذاتی مناطق، یعنی قابلیت‌ها و

محدودیت‌های هر منطقه است. از آنجا که هر منطقه دارای فرصت‌ها، قابلیت‌ها، محدودیت‌ها و چالش‌های به‌خصوص خود است، اگر چه، تخصصی شدن مناطق و ایجاد ظرفیت‌های لازم برای ایفای نقش و کارکرد لازم در روند توسعه استان، می‌تواند در کاهش نابرابری‌ها و فراهم شدن زمینه‌های رشد و توسعه هر منطقه، مؤثر واقع شود. از این‌رو، ارتقاء شاخص‌های کاهش محرومیت هر شهرستان به یک سطح استاندارد جهت برقراری عدالت لازم و ضروری است که در این مطالعه شکاف عمیق در توزیع و تخصیص خدمات در مناطق و شهرستان‌های یاد شده مشاهده می‌گردد و این تحقیق تا جایی توانسته، پرده از آن بردارد و فرصت را برای توسعه شهرستان‌های محروم ایجاد نماید، تا شهرستان‌هایی که از ضرایب کمتر و عدم دسترسی به امکانات زندگی برخوردارند، به آن رسیدگی گردیده و در جهت توسعه متوازن تلاش صورت گیرد.

با توجه به اهمیت شاخص‌هایی مانند نرخ بیکاری، نرخ باسوادی و شاخص‌های زیربنایی، توصیه‌های سیاستی ذیل پیشنهاد می‌گردد.

- برای افزایش توازن و ارتقاء شاخص‌های قانون استفاده متوازن، شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان‌ها می‌بایست در توزیع بودجه برای رفع نیازهای آموزشی و بهداشتی و افزایش اشتغال در شهرستان‌هایی که در رتبه‌های پایین‌تری قرار دارند، اقدام نمایند.

- منابع تبصره ۱۸ قانون بودجه کشور، جهت کاهش شاخص بیکاری در شهرستان‌های غیر برخوردار اختصاص داده شود (سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۳۹۸).

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی جهت ارتقای شاخص‌های نامتوازن، اعتبارات ویژه را برای افزایش اشتغال و نیازهای آموزشی و بهداشتی به شهرستان‌های نه‌بندان، سرایان و طبس تخصیص دهند.

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان رضوی جهت ارتقای شاخص‌های نامتوازن، اعتبارات ویژه را برای افزایش اشتغال و نیازهای آموزشی و بهداشتی به شهرستان‌های سرخس، قوچان، کلات و باخزر تخصیص دهند.

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان شمالی جهت ارتقای شاخص‌های نامتوازن، اعتبارات

ویژه را برای افزایش اشتغال و نیازهای آموزشی و بهداشتی و زیر بنایی به شهرستان‌های راز، شیروان، مانه و سملقان تخصیص دهند.

- در تدوین و اجرای سند آمایش آموزش عالی و آموزش و پرورش، توجه ویژه به شهرستان‌های غیر برخوردار این منطقه صورت گیرد.

- تجهیز و توسعه مراکز بهداشت شهرستان‌های غیر برخوردار در این منطقه به خصوص تأمین پزشکان متخصص و متبحر.

- طراحی مدل رصد توسعه و توازن شهرستان‌های منطقه جهت پایش محرومیت شهرستان‌ها و هدایت بودجه‌ای و تسهیلات بانکی برای ارتقاء سطح توسعه‌یافتگی آنها.

منابع

- ایزری، مهدی؛ فغانی، فاطمه (۱۳۹۱). "کاربرد AHP و Topsis جهت اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر بروز فساد اداری و راهکارهای مقابله با آن". *تحقیق در عملیات و کاربردهای آن*، سال دهم، ش ۱ (بهار): ۴۳-۵۷.
- اربابیان، شیرین، و دیگران (۱۳۹۴). "نحوه توزیع بودجه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در بین استان‌های ایران (۱۳۹۰-۱۳۷۹)". *برنامه‌ریزی بودجه*، سال بیستم، ش ۱ (بهار): ۳۷-۶۶.
- اسماعیل‌زاده، حسن؛ معصومی، لایلا (۱۳۹۴). "تحلیل عدالت فضایی شهرستان‌های اردبیل در بخش شاخص‌های بهداشتی-درمانی با استفاده از مدل Vikor". *مطالعات مدیریت شهری*، سال هفتم، ش ۲۳ (پاییز): ۹۴-۱۰۴.
- باباخانی، محمد، و دیگران (۱۳۹۰). "رابطه عدالت توزیعی و سلامت در ایران". *رفاه اجتماعی*، سال دوازدهم، ش ۴۶ (پاییز): ۲۵۹-۲۷۸.
- باستانی، علیرضا؛ جوادرمی، سیدمحمد (۱۳۹۳). "رتبه‌بندی غیر مستقیم استان‌های ایران بر حسب سرمایه اجتماعی". *رفاه اجتماعی*، سال چهاردهم، ش ۵۵ (زمستان): ۴۵-۷۷.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، و دیگران (۱۳۹۴). "طراحی الگوی سنجش عدالت فضایی (مطالعه موردی: ایران)". *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، دوره نوزدهم، ش ۱ (بهار): ۳۴-۵۲.
- حیدری، سامان، و دیگران (۱۳۹۷). "تحلیل عدالت فضایی در استان کرمان (مطالعه موردی: بخش شبکه‌های ارتباطی استان کرمان)". *فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه گلستان*، سال هشتم، ش ۳۰ (زمستان): ۱-۱۸.
- رسولی، مجتبی؛ استعلاجی، علیرضا؛ شریعت‌پناهی، مجیدولی (۱۳۹۷). "سطح‌بندی سکونتگاه روستایی شهرستان ساوه از نظر میزان محرومیت و درجه توسعه‌یافتگی با استفاده از شاخص ناموزون موریس". *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، سال دهم، ش ۲ (بهار): ۲۰۴-۲۱۶.
- زارعی، یعقوب (۱۳۹۶). "مطالعه وضعیت توزیع خدمات بخش بهداشت و درمان در شهرستان‌های استان خراسان شمالی". *مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان*، دوره ۱۲، ش ۲ (زمستان): ۲۷-۵۳.
- زنگی‌آبادی، علی؛ ابوالحسنی، فرحناز (۱۳۹۱). "تحلیل بر شاخص‌های توسعه ناحیه‌ای شهرستان-

- های ایران در سال ۱۳۸۵". *جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری: چشم‌انداز زاگرس*، سال چهارم، ش ۱۳ (پاییز): ۱۰۶-۱۲۶.
- زیاری، کرامت‌الله؛ زنجیرچی، سیدمحمد؛ سرخ‌کمال، کبری (۱۳۸۹). "بررسی و رتبه‌بندی درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خراسان‌رضوی با استفاده از تکنیک تاپسیس". *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، دوره ۴۲، ش ۷۲ (تابستان): ۱۷-۳۰.
- سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۸). دستورالعمل اجرای بودجه و تنظیم موافقتنامه‌های اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استانی. تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور، مرکز اسناد، مدارک و انتشارات.
- ----- (۱۳۹۸). قوانین بودجه سالیانه کل کشور. تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور، مرکز اسناد، مدارک و انتشارات.
- سالنامه آماری استان خراسان رضوی (۱۳۹۰). دفتر آمار و اطلاعات استانداری خراسان رضوی. مشهد: نشر صیانت.
- سواری، مسعود، و دیگران (۱۳۹۵). "سنجش و ارزیابی سطوح محرومیت فضایی زیرساخت‌های توسعه (نمونه موردی: استان خوزستان)". *مطالعات توسعه اجتماعی/ایران*، سال هشتم، ش ۴ (پاییز): ۲۱-۳۳.
- شیخ‌بیگلر، رضا (۱۳۹۰). "شناسایی مناطق محروم ایران با استفاده از رتبه‌بندی ترکیبی". *مجله پژوهشی و برنامه‌ریزی شهری*، سال دوم، ش ۷ (زمستان): ۵۳-۷۰.
- شیخی، داود؛ پازکی، معصومه؛ یوردخانی، مختار (۱۳۹۴). "بررسی تحلیل نابرابری فضایی شهرستان‌های استان همدان بر اساس شاخص‌هایی بهداشتی-درمانی". *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، دوره هشتم، ش ۱ (زمستان): ۱۳۹-۱۵۱.
- عیوضلو، حسن (۱۳۸۹). "مروری بر معیارهای عدالت اجتماعی و اقتصادی در تطبیق با چارچوب شریعت اسلام". *فصلنامه مطالعاتی اقتصاد اسلامی*، سال دوم، ش ۲ (تابستان): ۵-۲۵.
- فلاحتی، فیروز؛ بهشتی، محمدباقر؛ اسراء مرعشی، سیده (۱۳۹۶). "رتبه‌بندی پایدار محیط زیست در استان‌های منتخب ایران: مقایسه روش AHP و TOPSIS". *اقتصاد مقاومتی*، دوره چهاردهم، ش

۱ (بهار): ۹۷-۱۱۸.

- قلی‌پور، فرزاد؛ جزایری مقدس، سیدمحمد (۱۳۹۵). "ارزیابی و انتخاب فرایند تصفیه فاضلاب شهری با رویکرد ساخت و بهره‌وری بهینه به روش AHP". مهندسی آب، دوره چهارم، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۳۸-۴۹.

- مرادی مسیحی، وراز؛ طالبی، مانی (۱۳۹۶). "تحلیل فضایی محرومیت‌های توسعه‌یافتگی (مطالعه موردی: شهرستان‌های استان گیلان)". پژوهش‌های جغرافیایی/انسانی، دوره چهل‌ونهم، ش ۱ (بهار): ۵۵-۶۸.

- ملکی، سعید؛ احمدی، رضا؛ ترابی، ذبیح‌الله (۱۳۹۴). "بررسی عدالت فضایی در توزیع امکانات و خدمات بهداشتی-درمانی در شهرستان‌های استان خوزستان". جغرافیایی سرزمین، سال دوازدهم، ش ۴۶ (تابستان): ۱-۲۲.

- نجفی، امیرعباس، و دیگران (۱۳۹۵). "ارزیابی کمی و انتخاب سیستم بهینه اجراء جهت پروژه‌های آزادراهی با رویکرد AHP در وزارت راه و شهرسازی". پژوهشنامه حمل‌ونقل، دوره سیزدهم، ش ۱ (بهار): ۸۸-۱۰۰.

- Rawls, J. (1991). *A theory of justice*. Cambridge: Belknap press.
- Noorbakhsh, F. (2002). "Human development and regional disparities in Iran: a policy model". *Journal of international development*, Vol. 14, No. 7: 927-949.
- Shankar, Raja; Shah, Anwar (2003). "Bridging the economic divide within countries: A scorecard on the performance of regional policies in reducing regional income disparities". *World development*, Vol. 31, No. 8 : 1421-1441.
- Sun, S. et al. (2011). "Regional differences in health status in China: Population health-related quality of life results from the National health services survey 2008". *Health & place*, Vol. 17, No. 2: 671-680.
- Tan, P. Y.; Samsudin, R. (2017). "Effects of spatial scale on assessment of spatial equity of urban park provision". *Landscape and urban planning*, Vol. 158: 139-154.

بررسی ضرب‌المثل‌های گویش گریمنج از منظر علم بیان

طاهره میرزائی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۱۲

سال چهاردهم، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۳۱

شماره صفحه: ۱۲۷-۱۴۴

چکیده

ضرب‌المثل‌ها به‌عنوان یکی از بارزترین جلوه‌های ادبیات عامه، نقش مهمی در شناخت فرهنگ و اندیشه مردم دارد. مقاله پیش‌رو در نظر دارد ضمن معرفی گویش گریمنج، به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین گویش‌های جنوب خراسان، ضرب‌المثل‌های رایج این منطقه را از دیدگاه بلاغی بررسی کند، تا دریابد این امثال از نظر کاربرد ایماژ و صور خیال تا چه میزان قابل توجه هستند و کدام‌یک از صناعات بیانی در امثال مورد نظر، کاربرد بیشتری دارد. نتایج این تحقیق که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده، بیانگر آن است که ارزش بلاغی این امثال بسیار قابل توجه است و از تمام ظرفیت‌های علم بیان در آن استفاده شده است و این نتیجه‌ی قدرت تصویرسازی و خیال پردازی گویندگان، برای نفوذ در دل‌ها و اذهان است. زیرساخت غالب ضرب‌المثل‌ها برپایه تشبیه است اما گرایش به استعاره بویژه استعاره تمثیلی در آنها بیشتر است و بیشتر ضرب‌المثل‌ها، استعاره مرکب یا تمثیلی هستند. هم‌چنین در مثل‌های رایج گریمنج از واژگان، مفاهیم و اصطلاحات مربوط به کشاورزی و دامداری و اقلیم مخصوص این منطقه مانند زعفران، وُلگار و ... استفاده شده است. تک‌مصراعی بودن اغلب امثال این گویش، باعث تأثیر بیشتر و تأکید بر پیام نهفته در آن شده است.

واژگان کلیدی: ضرب‌المثل، گویش گریمنجی، تشبیه، کنایه، استعاره

مقدمه

ادبیات عامه شامل اسطوره‌ها، ترانه‌ها، قصه‌ها، افسانه و ضرب‌المثل‌هاست. مثل‌نگاران و مثل‌شناسان و علمای بلاغت ایرانی و غیرایرانی تاکنون تعاریف زیادی از مثل ارائه داده‌اند که هر کدام به بُعدی از ابعاد مثل اشاره دارد و هیچ‌یک به تنهایی معرّف خصایص و کارکردهای آن نیست.^۱ تعریف ضرب‌المثل به «جمله‌ای کوتاه [گاه] آهنگین، مشتمل بر تشبیه با مضمون حکیمانه که به واسطه‌ی روانی و سادگی الفاظ و روشنی معنا و لطافت ترکیب بین عامه مشهور شده و آن را بدون تغییر یا با تغییر جزئی در گفتار خود به کار برند» (ذوالفقاری، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۵) شاید کامل‌ترین آنها باشد. برخی از پژوهندگان ضرب‌المثل را از منظر ویژگی‌های بارز ادبی هم‌چون وزن، آهنگ، صور خیال، استعاره، تشبیه، ایجاز و اختصار نقطه اتصال ادب رسمی و ادب شفاهی می‌دانند.^۲

در زمینه ارتباط مثل و شعر، مثل‌ها نزدیک‌ترین گونه به ساحت‌های ادب رسمی، یعنی شعر و نثر فصیح و بلیغ دانسته‌اند، «زیرا [مثل] تمام ویژگی‌های اثر هنری را در خود دارد. شعر و مثل همسایه دیوار به دیوارند. شاعران و نویسندگان همواره برای آن که به لطف و شیرینی و رسایی کلام خود بیفزایند، از مثل بهره جسته‌اند. بسیاری از مثل‌ها نیز حاصل رواج اشعار معروف شاعران و نویسندگان فارسی زبان است. این تعامل و تبادل بر غنای ادب گران‌سنگ فارسی افزوده و زبان مردم را پرمایه و غنی ساخته است» (ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۵۲).

از آنجا که مثل، کلامی موجز و رسا و دارای معنی ناب است و زبانزد عام و خاص به ویژه اوده مردم می‌باشد، نشانه نوع فکر و بینش توده نسبت به جهان پیرامونی است. وقتی مثل، حکمت توده باشد میان میزان مثل‌های یک قوم با حکمت و گستره اندیشیدن توده، ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد. هر چه تعداد امثال ملتی بیشتر باشد توده آن قوم از خردورزی و نیروی اندیشگی برتری برخوردارند (محسنی، ۱۳۸۱: ۱۶۴). بررسی مثل‌ها می‌تواند از ابعاد مختلف انجام پذیرد؛ از جمله تأثیر و نقش آنها بر رسایی گفتار و نوشتار؛ بررسی عوامل و عناصر بلاغی و زیبایی‌شناسی و موسیقایی زبان مثل‌ها و نظایر آنها که در حوزه‌های یادشده کمتر به آنها پرداخته شده است.

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر.ک. به: بهمنیار، ۱۳۸۱: ۱۷؛ دبیرسیاقی، ۱۳۶۱: ۲۰ و میدانی، ۱۹۸۷: ۷ و ...

۲. جهت اطلاعات بیشتر ر.ک. به: تمیم‌داری، ۱۳۹۰: ۷۸.

بیان مسأله

تجربه مردم و بیان خرد و حکمت مشترک اقوام در مثل‌ها منعکس می‌شود. ضرب‌المثل‌های گویشی در این میان اهمیت ویژه دارد و ضرورت پرداختن به آنها امری بدیهی و مهم است، چرا که بسیاری از گویش‌ها در مسیری تدریجی انقراض هستند و مرگ یک گویش، یعنی ناپدید شدن بخش بزرگی از میراث فرهنگی از شعر و افسانه و ضرب‌المثل و لطیفه و ابزار تعامل و تفاهم نسل‌ها. بنابراین شناسایی و پاسداری گویش‌های بومی به‌عنوان میراث‌های فرهنگی کهن ایرانی، اقدامی ضروری و بایسته در جهت حفظ زبان در کشور است. اما باید گفت جنبه‌های بلاغی ضرب‌المثل‌ها به‌عنوان یکی از بخش‌های مهم فرهنگ عامه، چگونه ارزیابی می‌شود؟ بر این اساس، پژوهش حاضر ضمن ثبت و ضبط ضرب‌المثل‌های زیبای گویش گریمنج، در پی آن است که بررسی آنها را از منظر علم بیان (مجاز، تشبیه، استعاره، سمبل "نماد"، کنایه و تعریض) انجام دهد. توجه پژوهشگران به ظرفیت‌های پژوهشی ضرب‌المثل‌ها، به‌عنوان یکی از جلوه‌های عینی فرهنگ عامه از اهداف اساسی این پژوهش است.

پیشینه و روش تحقیق

درباره گویش منطقه قاینات و بویژه گویش قاین، پژوهش‌های درخور توجهی انجام شده است، ازجمله کتاب *زبان‌شناسی عملی بررسی گویش قاین* تألیف رضا زمردیان از زبان‌شناسان برجسته ایران که در سال ۱۳۶۸ و توسط انتشارات آستان قدس رضوی چاپ شده است و در آن ضمن تأکید بر لزوم گردآوری گویش‌ها، به توصیف واجی گویش قاین و ساختمان واژه و مسائل نحوی آن پرداخته شده است. همچنین ضرب‌المثل‌های قاین در کتابی تحت عنوان *زعمرو به مثقال* توسط صدیقه‌سادات مقداری جمع‌آوری و در سال ۱۳۹۱ از سوی انتشارات اکبرزاده، منتشر شده است. مقاله‌ای نیز با عنوان «بررسی برخی مختصات نحوی و آوایی گویش قاین» به صرف افعال در سه زمان گذشته، حال و آینده و همچنین تغییرات آوایی برخی واژگان پرداخته شده است (امامی و ناصری، ۱۳۸۸: ۳۵-۳۶).

درباره وجوه بلاغی ضرب‌المثل‌های فارسی نیز پژوهش‌های زیر قابل ذکر هستند:

- ۳-۱- زیبایی‌شناسی ضرب‌المثل‌های فارسی، حسن ذوالفقاری (۱۳۸۹). در این مقاله با در نظر گرفتن امثال به‌عنوان یکی از گونه‌های ادبی، ابعاد زیبایی‌شناسی آن از نظر وزن و آهنگ، مباحث بلاغی در حوزه معانی، بیان و بدیع و زبان و بیان طنزآمیز بررسی شده است.
- ۳-۲- بررسی و تحلیل عنصر غالب بلاغی در پانصد مثل داستان‌نامه بهمیناری، مرتضی محسنی (۱۳۸۱).

اما درباره گویش گریمنج تاکنون پژوهش مستقلی انجام نشده است و این مقاله ضمن معرفی این گویش، ضرب‌المثل‌های رایج آن را از نظر بلاغی بررسی می‌کند.

روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی بوده است و برای گردآوری نمونه‌ها، مصاحبه‌هایی با گویشوران منطقه انجام شده و از منابع کتابخانه‌ای جهت تحلیل و بررسی داده‌ها استفاده شده است.

زیبایی‌شناسی ضرب‌المثل‌های روستای گریمنج از منظر علم بیان

گریمنج، نام روستایی در بخش نیمبلوک شهرستان قائنات، در استان خراسان جنوبی است. بر پایه سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، جمعیت این روستا ۸۷۸ نفر (۲۶۵ خانوار) بوده است. موقعیت جغرافیایی آن «مختصات طول جغرافیایی ۵۸:۵۴ و عرض جغرافیایی ۳۳:۵۴ و ارتفاع متوسط ۱۵۳۰ متر و در ۳۵ کیلومتری شمال غرب شهرستان قاین قرار گرفته است» (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۸: ۳۶).

در لغت‌نامه دهخدا (ذیل "گریمنج")، گریمنج این گونه معرفی شده است: «گریمنج [گِ م] (اخ) دهی است از دهستان نیمبلوک بخش قاین شهرستان بیرجند، واقع در ۴۴ هزار گزی شمال باختری قاین سر راه شوسه قاین به گناباد. هوای آن معتدل و دارای ۶۷۵ تن سکنه است. آب آنجا از رودخانه و قنات تأمین می‌شود و محصول آن غلات و زعفران و شغل اهالی زراعت و مالداري و راه آن اتومبیل‌رو است».

فرهنگ عامه، بازتاب باورها و آداب و رسوم مردم در تعامل با روش‌های زندگی بومی در مظاهر مختلفی از جمله ادبیات شفاهی است. ضرب‌المثل یکی از مهم‌ترین جلوه‌های فرهنگ عامه است که ظرفیت پژوهشی زیاد دارد و حاصل ذهن پویا و خلاق و هوشمند مردم از اعصار کهن است. «اگر چه

ضرب‌المثل به ظاهر جمله‌ای قصار و کوتاه است و در ژرف‌ساخت و لایه‌های زیرین آن، جهانی اندیشه، خیال‌ورزی، جهان‌بینی و اعتبار نهفته است که تنبّه اذهان، انتقال تجربه و بیان اسلوب زیستن از اهداف آن است. ضرب‌المثل‌ها علاوه بر زمینه مطالعات مردم‌شناسی، در حوزه‌های زبان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و زیبایی‌شناسی ادبی نیز کاربرد دارند» (عزیزی‌فر، ۱۳۹۲: ۱۱۰).

علم بلاغت از دیرباز مورد توجه ادیبان بوده است و از چنان اهمیتی برخوردار است که در مورد آن نوشته اند: «بالاترین و لازم‌ترین دانش‌ها پس از شناخت خدای متعال، علم بلاغت است و آگاهی از فصاحت» (عسکری، ۱۹۸۹م: ۹).

مثل یکی از انواع بیان، کلام مؤثر است که غالباً از زیبایی لفظ و معنی بهره‌مند است. مراد از زیبایی‌های لفظی و معنوی، ابزارهای بیانی چون تشبیه و استعاره و کنایه و ... است و هم آرایه‌های لفظی و واژگانی. ضرب‌المثل‌های رایج در گریمنج هم از این قاعده مستثنی نیست، یعنی از نظر ابعاد بلاغی بسیار پربار است. در ادامه صناعات بیانی یعنی مجاز، تشبیه، استعاره، کنایه، سمبل و ... در امثال گریمنج بررسی می‌شود.

مجاز

- ارزو بخر انبو بخر (Arzu Bexar anbu Bexar)

برگردان: ارزان بخر، انبان^۱ بخر

کاربرد: کسی که در پی خریدن جنس ارزان است، معمولاً جنس مرغوب و با کیفیت به‌دست نمی‌آورد (رحماندوست، ۱۳۹۰: ۸۲).

- تا بچَ اشیر نیه مَدَری ایر شیر نِمَدَه (Ta baččea ašir niya madari ir šnameda)

برگردان: تا بچه تقاضای شیر نکند، مادر به او شیر نمی‌دهد. شیر مجاز جزء و کل از نیازهای ضروری.

یعنی اگر طالب و خواهان چیزی هستی، باید آن را بیان کنی و برای رسیدن به آن تلاش نمایی.

۱. انبان، زنیل فقیران است که از چرم می‌باشد و پوست بزغاله خشک کرده که درویشان در میان بندند و ذخیره در او بدارند (دهخدا، ذیل "انبان").

این مثل در بسیاری از مناطق ایران رواج دارد و ظاهراً برگرفته از بیتی، متعلق به "ابوسلیم گرگانی" از پیشگامان شعر فارسی (سده ۴ ق.) است:

«کودک شیرخواره تا نگرست / مادر او را به مهر شیر نداد» (رحماندوست، ۱۳۹۰: ۳۲۸).

مفهوم این ضرب‌المثل در مصرع دوم بیت زیر از مولانا نیز آمده است:

«تا نگرید ابر، کی خندد چمن / تا نگرید طفل کی نوشد لبن» (مولوی، ۱۳۸۳: ۶۵۰).

- او دم که شیر است قلّه همه ارمگن هونا گله // او دم که برف است و رمه، هیچ که نمگه هونا گله:

(Ūdam ke širasto fala hama armegan hownā gala// Ūdam ke barfast -o- rama hīčke namega hownā gala)

برگردان: وقتی که شیر و فله^۱ هست همه سراغ گله را می‌گیرند، اما (در زمستان) که شیر و فله نیست، همه گله را فراموش می‌کنند. مفهوم این مثل، یعنی به هنگام خوشی، دوستان و رفیقان فراوانند، مادامی که از انسان نفعی به آنها برسد. اما در هنگام سختی، کمتر کسی همراه و یاور است. شیر و فله مجاز کل و جز از همه لذت‌ها و خوشی‌های دنیوی.

اشتر دزی پُش خَم پُش خَم نَمِشه (Eštor dozi poš xam poš xam nameše)

برگردان: شتر دزدی، پشت‌خم پشت‌خم نمی‌شود. یعنی کارهای بزرگ و خطرناک، پنهان نمی‌ماند. اشتر دزدی: مجاز کل و جز از هر نوع کار خطرناک یا خلاف.

- اگه کوه و پشته نبو، همه دروگر مَبودَن / اگه دُم و دُمچه نبو، همه بُریگر مِشَدَن

(Aga kuho pošte nabo hama derowgar mobodan/ aga dom o domče nabo hama borigar mešodan)

برگردان: اگر کوه و پشته نمی‌بود همه دروگر بودند و اگر دم و دنبه (گوسفند) نبود، همه می‌توانستند پشم گوسفندان را بچینند. کوه و پشته مجاز لازم و ملزوم از سختی‌ها و موانع کار دروگری و دُم و دُمچه مجاز از سختی‌ها و موانع کار پشم‌چینی گوسفندان.

با توجه به این که بیشتر مردم گریمنج از راه کشاورزی و دامداری، امرار معاش می‌کنند و محصولات کشاورزی این منطقه بیشتر جو، گندم و زعفران و همچنین در دامداری، بیشتر پرورش گوسفند است.

۱. شیر اول حیوان نوزائیده که چون بر آتش نهند منجمد شود و مایه پنیر گردد. آغوز (دهخدا، ج ۳، ذیل (فله)).

در کشاورزی درو کردن گندم‌ها و در دامداری پشم‌چینی گوسفندان، مهارتی است که به راحتی به دست نمی‌آید و با سختی فراوان همراه است. لذا از این دو واژه مربوط به حوزه کشاورزی و دامداری و در قالب این ضرب‌المثل، مجازاً برای اشاره به سختی مهارت در هر کاری استفاده می‌شود.

- خه بابا بزی خه ریش بابا هم بزی (Xe bābā bazi xe riš bābā hom bazi)

برگردان: با پدر بازی با ریش پدر هم بازی؟ ریش بابا مجاز جزء و کل از حریم خصوصی، به هنگام شوخی نابه‌جا و نامناسب گویند.

به جو رسیده که به نو رسیده (Be ju rasidaye ke be nu rasidaye)

برگردان: به جان رسیده که به نان رسیده. برای به دست آوردن مال و ثروت، جانش به لبش رسیده و جان کنده است. نان مجاز از ثروت و مال و منال.

تشبیه

زیربنای اصلی ضرب‌المثل‌ها تشبیه است، به طوری که در قدیمی‌ترین تعاریفی که از مثل‌ها آمده بر جنبه تشبیهی بودن آن تأکید شده است. «مثل، چیزی است که چیزی بدان مانده شده باشد، یعنی بدان تشبیه شده باشد (میدانی، ۱۳۳۹: ۶). بهمنیار (۱۳۸۱: ۴۹)، مثل را جمله‌ای می‌داند که ویژگی‌هایی از قبیل اختصار مبتنی بر تشبیه بودن، داشتن مضمون حکیمانه، روانی لفظ، روشنی معنا، لطافت ترکیب و کاربرد عام (شهرت عام) دارد. «با بررسی مثل‌ها در می‌یابیم که در واقع، زیرساخت تمام آنها تشبیه است، واژه ضرب‌المثل، در حقیقت ذکر شباهت و نمونه برای موضوعی است که گوینده در نیت دارد و یا ابراز می‌کند» (عزیزی‌فر، ۱۳۹۲: ۱۱۷). اینک نمونه‌هایی از ضرب‌المثل‌های گویش گریمنج که آرایه تشبیه در آنها دیده می‌شود:

- از دیوار نمیده و زن شکته بترس (Az divār-e namida vo zan-e šallata betars)

برگردان: از دیوار نم‌زده و زن شارلاتان و بی‌حیا بترس. زن بی‌حیا به دیوار نم‌زده تشبیه شده است. شرط عقل آن است که انسان از خطرات پرهیز کند

از این ضرب‌المثل می‌توان عکس این تشبیه، یعنی شباهت «زن خوب» به «دیوار مستحکم» را در نظر آورد و نقش بنیادی زن در خانه و تأثیر او بر فضای تربیتی و سعادت اهل خانه را دریافت.

- بچه بدمه، نُمسه مغزِ بدمه (Bačče badome, nomase maqz-e badome)

برگردان: فرزند مثل بادام و نوه همانند مغز بادام است. نوه از بچه شیرین تر و عزیز تر است.

- موش اتو کُل خو مَخَزَ، بچه گشنه مِشه (Muš atu kol xo mexaza bačče gošna meš3)

برگردان: همان طور موش به سرعت و پیاپی از لانه اش بیرون می آید و دوباره به آن برمی گردد، بچه (شیرخواره) هم، پشت سر هم و به دفعات زیاد، گرسنه می شود و نیاز به شیر خوردن پیدا می کند.

سرعت و پی در پی گرسنه شدن بچه شیرخوار به سرعت و تکرار رفت و آمد موش به سوراخش تشبیه شده است. نوزادان در ماه های اول زندگی به خاطر رشد سریع، باید تندتند و با فاصله کم شیر بخورند.

این تشبیه سرعت حرکت موش را در نظر دارد و بیانگر سرعت رشد نوزاد در روزهای اول زندگی است.

- دختره، جو ولگارن (doxtar3ru jow volgāran)

برگردان: دخترها به جوی ولگار^۱ می مانند، یعنی خیلی سریع رشد می کنند و به بلوغ می رسند. یکی از محصولات مهم کشاورزی در گریمنج، جو و گندم است و در بسیاری از ضرب المثل های رایج، اصطلاحات کشاورزی مربوط به آن به کار می روند. از آنجا که جو ولگار زودتر از دیگر غلات به برداشت می رسد، به بلوغ رسیدن زود دخترها، به آن تشبیه شده است.

- هر که دوره، نوره (Har ke dura nura)

برگردان: هر کس دور از خانواده زندگی می کند، مثل نور است. همان مفهوم دوری و دوستی را می رساند.

کسی که در غریبی و دور از خانواده زندگی می کند، همیشه احترام و مهربانی بیشتری دریافت می کند. دوری او از خانواده، به نور تشبیه شده است.

۱. جو ولگار: جویی است که در آغاز تابستان کاشته و در آخر تابستان برداشت می شود (مقداری، مختاری و مختاری،

استعاره

در بیان تعاریف مثل اغلب نویسندگان غربی بر جنبه استعاری آن بیشتر تأکید داشته‌اند. واتینیک^۱ (۱۹۳۲) مثل را جمله‌ای استعاری و آهنگین می‌داند که به منظور بیان برخی حقایق به کار می‌رود (پارسا، ۱۳۸۱: ۷). شفیع کدکنی (۱۳۵۸: ۱۱۷)، اغلب مثل‌ها را استعاره مرکب یا تمثیلی می‌داند: «هر استعاره ای تمثیلی یا مرکب که شهرت پیدا کند، به گونهٔ مثل در می‌آید». وقتی کل مثل را در برابر وضعیت یا حادثه‌ای به کار می‌بریم، وضعیت موجود حکم مشبه را دارد و مثل به کار رفته، مشبه‌به است که مشبه (وضعیت قابل انتقال با مثل) حذف و مشبه‌به تنها باقی می‌ماند. با توجه به حذف مشبه و مرکب بودن این تشبیه، استعاره از نوع تمثیلی است (ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۶۲). جنبه استعاری امثال قابلیت کاربرد آنها را در موقعیت‌های گوناگون بالا می‌برد و زیرساخت مثل غالباً استعاره تمثیلی است. اینک به مواردی از ضرب‌المثل‌های گریمنج که جنبه استعاری دارد، اشاره می‌شود:

اسم سگ بُردُم چو ورخاس (Esme sag bordom ču varxās)

برگردان: اسم سگ بردم، چوب برخواست.

هنگامی که از شخصی بدگویی می‌کنند و یکی از وابستگان او به‌صورت ناگهانی و غیرمنتظره وارد می‌شود، این مثل را به کار می‌برند.

مستعارمنه: سگ و چوب، مستعارله: به‌ترتیب شخص منفور و وابسته‌ی به او.

- خیر در خونه صحب خو ر بَلده (Xair dzar xune sahab xo –r balada)

برگردان: خیر در خانه صاحبش را بلد است. استعاره مکنیه یا تشخیص، خیر به جاننداری تشبیه شده که عاقلانه رفتار می‌کند. این مثل درباره بی نتیجه نماندن کار خیر و پاداش گرفتن آن استفاده می‌شود.

مستعارمنه: انسان، مستعارله: خیر و کار نیکو که هرگز بی‌نتیجه نمی‌ماند.

- آو ر مدزّی نمی ر چه خی ک (Ow –r medozzi namir če xayke)

برگردان: آب را می‌دزدی، نمش را چه خواهی کرد.

این مثل هنگامی که شخصی کار اشتباه یا خلافی می‌خواهد انجام دهد، به جهت تأکید بر پنهان ماندن آن و عاقبت رسوا شدن، به کار می‌رود.

مستعارمنه: آب و نم، مستعارله: به ترتیب کار خلاف و اشتباه و آثار آن که باعث رسوایی می‌شود.
- سگِ که اجلی سرِ میّه نون چُپو رِ مَخوردِ

- (s3ge ke ajali sar miya nun čoppu r moxorade)

برگردان: سگی که مرگش فرا رسیده، نان چوپان را می‌خورد.

مستعارمنه: سگ، مستعارله: کسی که با قدرشناسی و زیاده‌خواهی، خودش باعث هلاک و نابودی خود می‌گردد.

- اگر رَای چُپو بِشِه از شاخ تَگه شیرِ بدرِ میره

- (3ga raye čoppu beša az šāx-e boz šir be dar miyar3)

برگردان: اگر چوپان اراده کند، می‌تواند از شاخ تگه (بُزِ نر) شیر بیرون بکشد (خواستن، توانستن است).

مستعارمنه: چوپان و تگه و شیر، مستعارله: به ترتیب انسان با اراده، کارهای دشوار به ظاهر محال و نتیجه گرفتن.

- بچه چَغوک مَدَرِ خود جیک جیک یادِ مده (bačč3 ča3uk madar xor jik jik yād meda)

برگردان: بچه گنجشک به مادرش جیک جیک یاد می‌دهد.

مستعارمنه: بچه گنجشک، مستعارله: کوچک‌ترهایی که در کار بزرگ‌ترها دخالت کرده و به خیال خود، راهنمایی‌شان می‌کنند.

- خدا یک قیچی دره بر همه همسر مُبره

- (Xodā yag qayči dara ber ham3 hamsar moborra)

برگردان: خدا یک قیچی دارد و برای همه یکسان می‌برد.

این مثل به هنگام تأکید کردن بر عادل و حکیم بودن پروردگار گفته می‌شود.

مستعارمنه: قیچی، مستعارله: عدالت و حکمت خداوند.

- بچه آرو اجاقه قابلمه آ زیر لحافه (bačč3 aru ojāqa qablama azir l3hafa)

برگردان: بچه روی اجاق است، قابلمه زیر لحاف.

این مثل، استعاره تمثیلی است از کار نابخردانه و غیر معمول که ناشی از شتاب و عجله فراوان باشد.

- گرگ ر نگبون گله کردیه (Gorger negabun gala kerdaye)

برگردان: گرگ را نگهبان گله کرده است. مستعارمنه: گرگ، مستعارله: افرادی که قابل اطمینان نیستند و اهلیت کاری را ندارند. این مثل به صورت "گرگ را چوپان کردن" و هنگامی که کاری را به دست افراد نااهل بسپارند، کاربرد دارد. معادل "گرگ اگر در لباس چوپان است/وای بر حال گوسفندان است" (مقداری، ۱۳۹۱: ۱۷۶)

- مرغ زیرک ار چُنْگ خو آویزونه (Morq-e zirak ar čong-e xo avizua)

برگردان: مرغ زیرک به نوکش آویزان است. استعاره از آدمی که با زرنگ‌بازی برای خود مشکل می‌آفریند.

نماد

نماد از این نظر به مثل شباهت دارد که مشبه‌به، ذکر و مشبه، اراده می‌شود. برای دریافتن برخی نمادها در مثل‌های گریمنج، لازم است با زمینه‌های فرهنگی منطقه آشنایی داشت. برخی از این مثل‌های دارای نماد، به شرح زیرند:

- سر جوال ر یله دادیه ته امبو ر بگرفته

- (Sar joval –r yala dadye ta ambu –r begereftaye)

برگردان: سر جوال را رها کرده و زیر انبان را گرفته است. جوال در فرهنگ مردم گریمنج، نماد مال و محصول فراوان است. این مثل درباره کسی گفته می‌شود که دارایی زیادی را به باد می‌دهد و برای هزینه‌های کمتر، بخل می‌ورزد.

- لَنگ شنبه بومد (Lenge šamba bomad)

لنگ شنبه آمد. لنگ شنبه در گریمنج، نماد فردی است که برای انجام هر کاری که می‌رود، دست خالی برمی‌گردد. این مثل شاید ریشه در نهی بنی اسرائیل از صید ماهی در روز شنبه دارد.

- نمک به آبدی نبرده است (Namak be abadi nabordaye)

برگردان: نمک به آبدی نبرده است. نمک در گریمنج، نماد غذا و چاشنی دم دستی و مختصر است. این مثل درباره کسی به کار می‌رود که از عهده ساده‌ترین کارها هم بر نمی‌آید و به اصطلاح، بی دست و پا است.

- استای سکه کار (Estāye sekka kār)

برگردان: استاد سکه کار. سکه کار نماد افرادی که در کار خود تخصص و دقت کافی دارند و کارش مثل ضرب سکه، دقیق و هنرمندانه است.

کنایه

کنایه یکی از مهمترین ابزارهای بیانی در گفتار عامه است. توده مردم برای بیان مفاهیم خود بویژه در موضوع‌هایی مانند هجو، تعریض و معانی مستهجن و حرام و حتی در ادای کلمات مستهجن و حرام از کنایه کمک می‌گیرند. از آن جایی که مثل یکی از ابزارهای طرح مفهوم به دست توده مردم است، در میان انواع ابزارهای طرح مفهوم به شیوه غیرمستقیم، کنایه رتبه نخست را دارد (محسنی، ۱۳۸۱: ۱۷۴). حتی برخی ادیبان همانند ابوعبید قاسم بن سلام، بیان مقصود به شکل کنایی را در مثل شرط می‌دانند و برخی یکی از امتیازات مثل را لطافت کنایه بیان می‌کنند (بهمنیار، ۱۳۸۱: ۱۸۰). اما همین جنبه کنایی مثل باعث شده است که برخی کنایات را در ردیف امثال بیاورند و با امثال تداخل کنند، در حالی که میان کنایه و مثل تفاوتی دقیق وجود دارد. کنایه‌ها به لحاظ ساخت، کاربرد، نقش دستوری و معنی و محتوا با مثل تفاوت اساسی دارند. ژرف‌ساخت کنایات بر مجاز است، اما ژرف‌ساخت مثل‌ها بر تشبیه و استعاره است. مثل‌ها اغلب استعاره تمثیلی هستند که هر یک از کلیدواژه‌های آن، استعاره از چیزی است. مثل‌ها اغلب جنبه لندری، دلیل‌آوری و هشداردهندگی و کاربردهایی از این قبیل دارند، اما کنایات معادل یک مفهوم است. مثل‌ها مورد و مضرب دارند، اما کنایات فاقد مورد و مضرب هستند. کنایات، مدخلی از لغت‌نامه هستند و حکم گزاره جمله‌ای را دارند که به نهاد نیاز دارد، اما

امثال، مستقل هستند و حکم جمله کامل را دارند. کنایه مصدری است قابل تأویل به جمله، در حالی که مثل جمله‌ای است قابل تبدیل به مصدر (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۱۲۲). در ساخت مثل، ممکن است یکی از کلیدواژه‌های اصلی یک کنایه باشد، برای نمونه "سر خر" کنایه از مزاحم است که در این مثل به کار رفته است: «این سر خر را که راه داد به بستان».

مرز بین کنایه، استعاره و مجاز در کتب بلاغی به روشنی مشخص نشده است. اگر تشبیه در گستره حقیقت و استعاره در پهنه مجاز قرار داشته باشد، کنایه در هر دو میدان می‌تواند جای گیرد. کنایه مانند استعاره از حوزه حقیقت به مجاز راه می‌یابد، با این تفاوت که معنی حقیقی خود را نیز حفظ می‌کند، به گونه‌ای که بزرگان بلاغت نیز بر این باورند که اراده معنای حقیقی در کنایه جایز است (دهمرده و دیگران، ۱۳۸۶: ۲). بنابراین ممکن است که برخی از امثال که در این بخش می‌آید، از نظر استعاره نیز قابل بررسی باشد:

- از کلوخ برقِ بجَست (Az kalux barqe bejast)

برگردان: از کلوخ جرقه‌ای بیرون زد. کنایه از افرادی که در محافل همیشه ساکت و در حاشیه هستند و ناگهان در مجلسی اظهار نظر می‌کنند. برق جستن و جرقه زدن از برخورد دو سنگ ایجاد می‌شود. این مثل به نوعی طرف را تمسخر و تحقیر می‌کند.

- از یکی آر پشِ مَخُوره از یکی آر تَش (Az yak ear paš moxora az yak ear taš)

برگردان: از یکی به پشم می‌خورد، از یکی به تشت. کنایه از این که برخی افراد کار خلاف می‌کنند و هیچ کس متوجه نمی‌شود. به پشم خوردن کنایه از بی سر و صدا بودن و به تشت خوردن، کنایه از سر و صدا کردن و رسوا شدن کسی است.

- اِفَتو همیشه ار یک طرف بومِ نِمَتو (Eftow hamiša ar yag taraf bum nametawe)

برگردان: آفتاب همیشه به یک طرف بام نمی‌تابد. کنایه از این که زندگی فراز و نشیب دارد و احوال روزگار همیشه یکسان نیست. نزدیک به مفهوم بیت معروف حافظ (۱۳۸۷: ۷۵)

«دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نگشت / دائماً یکسان نباشد حال دوران، غم مخور».

- زعفرُو نخورده لویی زردَه (Zaferu n3xord3 lowyi zard3)

برگردان: زعفران نخورده، لب‌هایش زرد است. کنایه از فردی که بدون هیچ تقصیری، مقصر شمرده می‌شود. معادل «آش نخورده و دهن سوخته».

- مندري یک کوه از او بیرديه یک از اِتش

- (Mendari yag kue az ow biyardaye yake az ateš)

برگردان: انگار یک کوه از آب آورده و یکی از آتش. کنایه از کسی که برای کار اندکی که انجام داده، اظهار خستگی کند. معادل کوه کنند.

- مرغ اتو دهنی خیه کرده (Morq atu dahani xaya kerda)

برگردان: مرغ در دهانش تخم گذاشته است. کنایه از کسی که اشتباهی مرتکب شده و از ترس، سکوت کرده و سخن نمی‌گوید.

- گو گشنه پندونه دخو بینه (Gow gošna panduna daxow bina)

برگردان: گاو گرسنه، پنبه‌دانه در خواب می‌بیند. کنایه از افراد خوش‌خیال که به آرزوهای دور و دراز فکر می‌کنند.

تعریض

تعریض نوعی کنایه است که مخاطب در آن حاضر است و گوینده آن با گوشه زدن، مخاطب را متنبه می‌کند. مخاطب این گونه از مثل‌ها می‌تواند عام یا خاص باشد. مثل‌های زیر نمونه‌ای از تعریض است:

- چلوَصَفی اِفَتَوَه رَ اَرِمِگه کُل دری (Čelow safi eftave armeg3 kol dari)

برگردان: چلوَصافی به اِفتابه می‌گوید تو سوراخ داری. چلوَصافی همان آبکش برنج است که دارای سوراخ‌های زیادی است.

این مثل تعریض است به انسان‌هایی که عیب و نقص خود را نمی‌بینند و از دیگران عیب‌جویی می‌کنند.

- خدا مورچه رِ مِشناخته که گره ار کمری اِنداخته

- (Xodā murčar mešnāxta ke gere ar Kamari ʔndāxta)

برگردان: خدا مورچه را می‌شناخته که گره به کمرش انداخته. این مثل در تعریض کسانی به کار می‌رود که همیشه ضعیف بوده‌اند و قدرت بر زورگویی و ظلم ندارند، اما اگر توانایی بیابند، از زورگویی و ستمگری دوری نمی‌کنند.

نزدیک به همین مفهوم، ضرب‌المثل زیر نیز به کار می‌رود:

- خدا خر ر دیده که ایر شاخ نداده (Xodā xar -r did3 ke ir šāx nadāda)

برگردان: خدا می‌دانسته که شاخ برای خر، مناسب نیست؛ زیرا ظرفیت آن را ندارد. خدا حکیم است و به هر کس به میزان استحقاقش، نعمت داده است. معادل "مور همان به که نباشد پرش" (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۲۱۳)

مضمون این مثل در بیت زیر نیز دیده می‌شود:

«گر به مسکین اگر پر داشتی / تخم گنجشک از جهان برداشتی»

(سعدی، ۱۳۸۵: ۸۲۴)

- خرما از مین خو کُخ ار مِدَرِه (Xormā az min xo kox ar medara)

برگردان: خرما از میان خودش کرم می‌کند و فاسد می‌شود. تعریض به کسانی که گرفتار کردار نادرست خود شده و خود را به نابودی می‌کشانند. معادل «کرم از خود درخت است».

- گرگ ر ارمگد بچی، سگ ر ارمگد بگیر (Gorger armegade beji sager armegade begir)

برگردان: به گرگ می‌گویند فرار کن، به سگ می‌گویند او را بگیر. تعریض به کسی که با توطئه چینی و تضریب باعث درگیری و نزاع بین دو نفر می‌شود.

- مِمُو اگر یَکِ بَشَه صَحَبَخُونَه گو مَکُشَه

(Memu agar yake beša sahabxuna gow mokoša)

برگردان: مهمان اگر یکی باشد، صاحب‌خانه برای او گاو قربانی می‌کند. در امثال و حکم دهخدا معنی این مثل به شرح زیر آمده است: «با کثرت سائلان و خواهندگان به تمام واجبات رادی و جوانمردی عمل نتوان کرد.» (دهخدا، ۱۳۷۹: ۲۲۹) تعریض به کسانی که همزمان با هم از یک نفر

انتظار یاری داشته باشند که با توجه به نابرابری یک نفر در مقابل چند نفر، انتظار بیجایی است.

- موش به امبو کار ندره، امبو خودی دَ جُل جُل میه

(Muš be ambu käre nadara ambu xodi da jol jol miya)

برگردان: موش به انبان کاری ندارد، انبان خودش به جنبش در می‌آید. تعریض به کسانی که خود باعث تحریک دشمن خود می‌شوند.

نتیجه

بررسی ضرب المثل‌های رایج در گریمنج نشان می‌دهد که ذهن و زبان مردم در مثل‌سازی، به کاربرد و انتقال تجارب معطوف بوده و بازتابی از محیط و شرایط اقلیمی منطقه خود را در مثل‌ها بازتاب داده‌اند. این بخش از ادبیات عامه، از منظر زیبایی‌شناسی و کاربرد آرایه‌های ادبی نیز قابل توجه هستند. از میان عناصر بلاغی، تشبیه و استعاره دو رکن اساسی و عامل اصلی سازنده مثل به‌شمار می‌روند. تشبیهات تمثیلی و تمثیل‌های انسانی و حیوانی در بسیاری از مثل‌ها ظهور یافته است. اغلب مثل‌ها استعاره مرکب یا تمثیلی است و کلیدواژه اصلی آن، جنبه استعاری دارد. لازمه درک بسیاری از امثال بویژه در بخش نماد، آشنایی با بافت فرهنگی و بومی منطقه است. در اغلب امثال از واژگان و اصطلاحات مربوط به کشاورزی و دامداری ویژه این منطقه، همانند کاشت زعفران، درو و بُری کردن، فله و ... استفاده شده است. برخی از امثال گریمنج در چندین حوزه بیانی قابل بررسی‌اند، مثلاً در حوزه استعاره، نماد، مجاز و هم در حوزه تشبیه و استعاره می‌توان به آنها اشاره کرد. بیشتر ضرب-المثل‌های رایج در این منطقه، تک‌مصراع هستند و با وجود داشتن وزن، به‌عنوان بخشی از موسیقی متن، تأثیر بیشتری بر مخاطب می‌گذارد.

منابع

- امامی، حسن؛ ناصری، زهره (۱۳۸۸). "بررسی برخی مختصات نحوی و آوایی گویش قاین".
مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان، سال چهارم، ش ۱۳ و ۱۴ (پاییز و زمستان): ۵-۳۶.
- بهمنیار، احمد (۱۳۸۱). داستان‌نامه بهمنیاری. تهران: دانشگاه تهران.
- پارسا، احمد (۱۳۸۴). "مثل‌ها از نگاهی نو". رشد آموزش زبان و ادبیات فارسی، دوره نوزدهم،
ش ۷۵ (پاییز): ۷-۱۴.
- تمیم‌داری، احمد (۱۳۹۰). فرهنگ عامه. تهران: مهکامه.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۷). دیوان حافظ. به تصحیح محمد قدسی. به اهتمام ابوالفضل
علی‌محمدی و سیدحسن ذوالفقاری. تهران: چشمه.
- خلف تبریزی، محمدحسین (۱۳۶۳). برهان قاطع. به اهتمام محمد معین. تهران: امیرکبیر.
- دبیرسیاقی، محمد (۱۳۶۱). امثال و حکم دهخدا. تهران: امیرکبیر.
- دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه دهخدا. ج ۳. ذیل "انبان".
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۹). امثال و حکم. تهران: امیرکبیر.
- دهمرده، حیدرعلی؛ و دیگران (۱۳۸۶). "کنایه لغزان‌ترین موضوع در فن بیان". نشرپژوهی
ادب فارسی، دوره دوم، ش ۲۲ (زمستان): ۱۱۳-۱۳۸.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۷). "تفاوت مثل با کنایه". دو فصل‌نامه علمی-پژوهشی پژوهش زبان و
ادبیات فارسی، ش ۱۰ (بهار و تابستان): ۱۰۹-۱۳۳.
- _____ (۱۳۸۸). فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل ایرانی. تهران: معین.
- _____ (۱۳۸۹). "زیبایی‌شناسی ضرب‌المثل‌های فارسی". بوستان ادب، دوره دوم، ش ۲
(تابستان): ۵۱-۸۲.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۹۰). فوت کوزه‌گری (مثل‌های فارسی و داستان‌های آن). تهران:
مدرسه.
- زمردیان، رضا (۱۳۶۸). زبان‌شناسی عملی بررسی گویش قاین. مشهد: آستان قدس رضوی، اداره
امور فرهنگی.

- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۸). فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، استان خراسان جنوبی، شهرستان قاینات. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- سعدی، مشرف‌الدین مصلح بن عبدا... (۱۳۸۵) کلیات سعدی. تصحیح کاظم مطلق. تهران: اسوه.
- شاطری، مفید (۱۳۸۵). "گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان". فرهنگ خراسان جنوبی، سال اول، ش ۱ (بهار): ۴۹-۶۶.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۸). صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگه.
- شکورزاده بلوری، ابراهیم (۱۳۷۲). ده هزار مَثَل فارسی و ۲۵ هزار معادل آنها. مشهد: آستان قدس رضوی.
- عزیزی‌فر، امیرعباس (۱۳۹۲). "زیبایی‌شناسی ضرب‌المثل‌های کردی ایلامی از دیدگاه علم بیان". فرهنگ و ادب عامه، دوره ۱، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۱۰۹-۱۲۸.
- عسکری، ابوهلال (۱۹۸۹م.). الصناعتین. تحقیق مفید قمحه. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- محسنی، مرتضی (۱۳۸۱). "بررسی و تحلیل عنصر بلاغی در پانصد مثل داستان‌نامه بهمنیاری". پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، سال دوم، ش ۶ و ۷ (پاییز و زمستان): ۱۹۲-۱۶۱.
- مقداری، صدیقه‌سادات؛ مختاری، حسن؛ مختاری، اعظم (۱۳۹۱). زعفر و به مثقال (ضرب‌المثل - های قاینی). قاین: اکبرزاده.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد (۱۳۸۳). مثنوی معنوی. تصحیح قوام‌الدین خرمشاهی. تهران: دوستان.
- میدانی، ابوالفضل بن احمد (۱۳۹۴). مجمع‌الامثال همراه با معادل فارسی، ج ۱. ترجمه مصطفی تراویده. تبریز: عصر زندگی.

Aesthetics of Gerimonj Dialect Proverbs from Rhetoric

Tahereh Mirzaei¹

Abstract

Proverbs are one of the most beautiful manifestations of popular culture arisen from people's dynamic, creative and intelligent minds that can be highly impressive in terms of allegory, analogy (simile), and reference to a mythical, epic, or historical event. Gerimonj is one of the oldest dialects in the Qaenat region at Southern Khorasan which is weighty for covering parables and short advices. This essay, after examining the Gerimonj dialect by a descriptive-theoretical and library method, seeks to examine the popular parables of this dialect from the rhetorical perspective to find out how significant such proverbs are in terms of the use of imagery and metaphor and which expressive element has been used more frequently in the under question proverbs and why? By examining some of the popular proverbs of the region, the author has come to the conclusion that these parables are of great rhetorical value and have used all capacities of rhetoric, which is the result of the powerful imagination of the people of this region for impressing the hearts and minds. Most proverbs are based on simile and tend to be metaphorical, especially allegorical metaphor.

Keywords: proverbs, Gerimonj dialect, simile, allegory, metaphor

1. Assistant Prof, Persian Language and Literature, Payam noor University of South Khorasan

Evaluation of Spatial Justice of the Provincial Cities of the Nine Provinces (Great khorasan) Based on the Indicators of Balanced Usage Law

Mohammad Ghaffary Fard¹

Islamodin Rezaei²

Ahmad Human³

Abstract

Justice as a socio-economic category is one of the important topics for analysis, planning and socio-economic policy, which can be examined along with issues such as poverty and social inequality. The purpose of this study is to rank the cities of the provinces of region 9 of land management (South Khorasan, Razavi Khorasan and North Khorasan) from the perspective of inequality based on 24 indicators of the country's balanced use law. In this research, hierarchical analysis method has been used for weighting the indicators and TOPSIS method has been used for ranking cities. The results show that among the 24 indicators, the indicators of unemployment rate, literacy and efficiency of rural drinking water, per capita income of municipalities and the ratio of the length of asphalted rural roads to total roads Rural has the greatest impact on determining the inequality of cities, and also the indicators of telecommunication infrastructure of towns and industrial areas, the number of indoor and outdoor halls are less important. According to the composite inequality index, Sarakhs, Quchan, Kalat, Bakhrez and Nehbandan counties are ranked first, second, third, fourth and fifth, respectively, and the counties of Garmeh Jajarm, Bojnourd, Gonabad and Neishabour are The rankings are in the forty-third, forty-fourth, forty-fifth, forty-sixth, and forty-seventh ranks, respectively, which have a better position according to the characteristics of the law of use of the saints. Therefore, in order to reduce the inequalities between the mentioned cities, the provincial planners should take appropriate decisions and measures to reduce the unemployment rate, increase the literacy rate, and improve the efficiency of rural drinking water, infrastructure and health.

Keywords: Degree of Deprivation, TOPSIS, Analytical Hierarchy, Land Preparation, County

1. Assistant Prof, International university of Ahlul Bayt, Tehran. Iran, Email: Mghunivers1390@gmail.com

2 MA Student of Islamic economics, International university of Ahlul Bayt, Tehran, Iran, Email: rislamuddin@gmail.com

3 MA Student of Islamic economics, International university of Ahlul bayt, Tehran, Iran, Email: ah73.ho93@gmail.com

Analysis and Evaluation of Social Sustainability with Urban Sustainable Development Approach, Case Study: North Khorasan Province

Keramatollah Zayyari¹

Robab Maleki²

Ebrahim Moameri³

Abstract

Among the dimensions of sustainable development, the social dimension is recognized as one of the main dimensions. Paying more attention to the principles of sustainability and pursuing its goals has been given more and more attention in development planning. The main purpose of this study is to investigate and evaluate social sustainability indicators in North Khorasan province. The waspas technique was used to determine the level of social sustainability. The research method of this study is descriptive-analytical and in terms of purpose. The studied indices were extracted through library studies and the use of province statistical yearbooks. According to the research findings, the indicators of "social sustainability" in the form of Vaspas model show that Bojnourd city (0.856) has the highest and most desirable conditions in terms of social sustainability, and Esfarain has the highest score. (009) has the most undesirable conditions in terms of social sustainability indicators. The results also show that there is a significant correlation between the coefficient (Q) of sustainable social development and the number of cities in the province. In fact, the distribution and distribution of resources and benefits, which is the most important factor defining the relationship of population and development, has not been balanced in the provincial cities. Therefore, the present study requires special attention of city officials and managers at different levels of decision making and considering the status quo in upstream plans.

Keywords: Social Sustainability, Multivariate Decision Making, Vaspas Model, North Khorasan.

1. Professor, Geography and Urban planning, University of Tehran, Email: zayyari@ut.ac.ir

2. MA student, Geography and Urban planning, University of Tehran, Email: robabmaleki2017@gmail.com

3. MA Student, Geography and Rural Planning, University of Golestan; Gorgan, Email: moammeri424@gmail.com

The Analysis of Dedication Capital Accumulation in Areas of South Khorasan

Mohammad Hajipour¹

Javad Karimipour²

Golsar Hajipour³

Fatemeh Nemati⁴

Abstract

Dedication as a process of transferring assets with a benevolent intention if rational planning and management can be a capital for the development of social and geographical space. In fact, dedication is mainly capital goods, including money, land and real estate, which can play a significant role in the calculation of the capital accumulation of any geographical area. The present paper attempts to analyze the geographical distribution of dedication in selected Counties. This research has been done through documentary study. Geographic Information System (GIS) was used to represent the spatial distribution of duplicate capital. Finally, it can be concluded that there is inequality in the distribution and accumulation of capital dedication between regions. Also, the model of accumulation and accumulation of capital in the geographical area of the province indicates a "polar pattern". In other words, the pole of the capital goods can be seen in the center of the province with a great difference. Therefore, it can be expected that the effectiveness of dedication in the space economy and human welfare will have a significant difference between regions.

Keywords: Development, Capital Accumulation, Dedication, South Khorasan Province.

1. Geography and Rural Planning, Assistant Prof, University of Birjand; Email: mhajipour@birjand.ac.ir

2. MA Student, Geography and Rural Planning, University of Birjand; Email: javad.karimipoor2348@gmail.com

3. MA Student, Geography and Rural Planning, University of Birjand; Email: ghajipour@birjand.ac.ir

4. BA student, Geography and Rural Planning, University of Birjand; Email: f.nemati@gmail.com

Study of relationship between religiosity and social isolation

Case study: the citizens of Mashhad

Alireza Afshani¹

Hossein Abbasnejad²

Abstract

One of the fundamental factors in development of any society is participation and lack of social isolation of that society that is remarkable from many years ago and its importance has increased over time. Reduction in level of social isolation in a society is a prerequisite for social, economic, cultural and political development and is associated with level of development of societies. Knowledge about status of social isolation of resident of a society has an important role in recognizing the challenges and strategies of development of society. It's also help to plan for achieving to sustainable development in society. According to many researchers and experts' opinion, one of the elements that have a significant role in decreasing social isolation is religiosity. This study aims to study the relationship between religiosity and social isolation among resident of Mashhad city. This study performed by using survey method. Statistical population of this article consisted of individuals of fifteen years and older in Mashhad city which 323 of them were selected by multistage cluster sampling technique and were interviewed. The Data were collected using questionnaire. The research tool consists of a substantive religiosity questionnaire and standard questionnaire of social isolation (De Jong Gierveld). The Data were analyzed using SPSS and Amos software. The findings show in terms of social isolation, the majority of respondents are slightly below the notional average level and in terms of level of religiosity are more than average. The results also showed that there is a Reverse and meaningful relationship between religiosity and level of social isolation, In other words, with increase in religisty, emotional and social loneliness rate reduced. Overall as the religiosity increased, the social isolation is reduced.

The results of multiple regressions also supported from significant role of consequence dimension of religiosity in social isolation. The results of this article is in line with the vision of Stark, Bain Bridge, Berger, Young, Wilson, Durkheim, Putnam, Oddy and Yinger as the great sociologist who believe that there is a meaningful relationship between the religiosity and social isolation.

Keywords: Religiosity, Social Isolation, Emotional Loneliness, Social Loneliness.

1. Associate Prof, Social Science, University of Yazd; Email: afshanianlireza@yazd.ac.ir
2. MA, Social Science, University of Yazd; Email: Hossein70@gmail.com

The Study of the backgrounds and contexts of the formation of the divorce process:

A Case study of Mashhad City

Mohammad Bagher Akhondi¹

Fatemeh Hemati²

Abstract

According to the current statistics, divorce in our society is not in a good condition and the divorce rates are increasing sharply. Therefore, more surveys are in need. The aim of the present survey is to study the contexts and causes of shaping the process of divorce. This study is a qualitative and data-based research. To run such a study 40 samples among divorced or divorcing individuals in Mashhad were selected through theoretical and snowball sampling and *deep interview* with *open-end* questions. Data analysis of the present study measured based on the Grounded theory and maxqda 10 showed that the starting points for divorce are as follow: cold marital relations, personality features, secrecy, low quality of life, negative changes, treason, pessimism, making wrong decisions or having wrong choices, and lie detecting. Also the contexts of divorce can be numbered as mental, personality, family, economic and socio-cultural contexts. The interfering factors in divorce are categorized into the following items: mandatory marriages, interference of others, parent's dissatisfaction with marriage, clearing the facts, having big wishes and failing to achieve the goals, decision for divorce, family tension, commitment, indecent appearance of divorce, stress, and endeavor to save mutual life, forgiving and believing in further academic education.

Keywords: Sociology, The city of Mashhad, Points of the original, Method of data foundation, Qualitative research

1. Assistant Prof, Sociology, University of Birjand; Email: akhondi@birjand.ac.ir

2. MA Student, Social Science, University of Birjand; Email: f.hemati95@gmail.com

Table and content

The Study of the backgrounds and contexts of the formation of the divorce process:A Case study of Mashhad City/ Mohammad Bagher Akhondi, Fatemeh Hemati	7
Study of relationship between religiosity and social isolation; Case study: the citizens of Mashhad/ Alireza Afshani, Hossein Abbasnejad	30
The Analysis of Dedication Capital Accumulation in Areas of South Khorasan/ Mohammad Hajipour, Javad Karimipour, Golsar Hajipour, Fatemeh Nemati	60
Analysis and Evaluation of Social Sustainability with Urban Sustainable Development Approach; Case Study: North Khorasan Province/ Keramatollah Zayyari, Robab Maleki, Ebrahim Moameri	77
Evaluation of Spatial Justice of the Provincial Cities of the Nine Provinces (Great khorasan) Based on the Indicators of Balanced Usage Law/ Mohammad Ghaffary Fard, Islamodin Rezaei, Ahmad Human	103
Aesthetics of Gerimonj Dialect Proverbs from Rhetoric/Tahereh Mirzaei ...	127



Referees of This Period. (Alphabetical Order)



Dr. Mohammad Bagher Akhondi, Assistant Professor, University of Birjand
Dr. Aghdas Asghari, Assistant Professor, Azad University of Gonabad
Dr. Mohammad Javad Asghari Ebrahim Abad, Assistant Professor, University of Birjand
Dr. Mohammad Eskandari SAni, Assistant Professor, University of Birjand
Dr. Morteza Esmaeilnejad, Associate Professor, University of Birjand
Dr. Mohammad Behnamfar, Professor, University of Birjand
Dr. Mohammad Hajipour, Assistant Professor, University of Birjand
Dr. Yaghoob Zarei, Assistant Professor, Payam Noor University of Boushehr
Dr. Zahra Alizadeh, Associate professor, University of Birjand
Dr. Jalilallah Faroghi, Associate professor, University of Birjand
Dr. Javad Mekaniki, Associate professor, University of Birjand
Dr. Farzaneh Mikaeili, Associate Professor, University of Orumieh
Dr. Iraj Mahdizadeh, Assistant Professor, Farhangian University of Birjand
Dr. Hamed Nourozi, Associate Professor, University of Birjand

In The Name Of God

Scientific Quarterly of Social-Cultural Studies of Khorasan

Serial: 54

ISBN 2676-6116

ISBN 2676-6124

Vol. 14, No. 2, Winter 2019 -2020

Concessioner: General Office of Islamic Culture and Direction

Chairman: Nabizadeh, Naser

Editor-in-chief: Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD

Executive editor: Ramezani, Mahmoud

Executive manager: Zerang, Mahin

The Editorial Committee

1. Mohammad Bagher Akhoundi/ Assistant Professor, University of Birjand
 2. Habib Allah Ahmadi/ Professor, Shiraz University
 3. Zahra Alizadeh Birjandi/ Associate Professor, University of Birjand
 4. Mohammad Behnamfar/ Professor, University of Birjand
 5. Bibi Aghdas Asghari/ Assistant Professor, Islamic Azad University, Gonabad
 6. Mohammad Ali Beidokhti/ Assistant Professor, University of Birjand
 7. Ahmad Kamyabi Mask/ Professor, University of Tehran
 8. Mohammad Reza Majidi/ Associate Professor, University of Tehran
 9. Javad Mikaniki/ Associate Professor, University of Birjand
 10. Hadi Pour Shafei/ Associate Professor, University of Birjand
 11. Mohammad Taghi Rashed Mohassel/ Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies
 12. Mofid Shateri/ Assistant Professor, University of Birjand
-

Editors: Nasrollahi, Seyyed Noorollah

Translator and English Editor: Toosheh, Elahe

Technical affairs: Chaharderakht publications

Lithography & Press: Ofogh Hezareh sevom kavir institution

Circulation: 100 **Price:** 350000 rials

Address: South Khorasan, Birjand, Shahid Mahallati Av. General Office of Culture and Direction.

Research Society Office **Tel:** 056-32323393 **Fax:** 056-32323277

Email: pazhoheshkhorasanj@farhangmail.ir

<http://Farhangekhorasan.ir>

The ideas mentioned in this issue declare the view of this quarterly. The authors are responsible for the ideas mentioned in their writing, and translators are responsible for their translations. Materials sent to the quarterly for publication are not sent back if not appropriate. This quarterly has the right to edit or delete some material.



فرآیند دریافت وجه جهت پذیرش نهایی مقالات

نگارندگان محترمی که مقاله ایشان پس از طی مراحل داوری و بررسی نهایی مورد پذیرش قرار گرفته است، می‌بایست مبلغ ۱۵۰ هزار تومان بابت پذیرش نهایی به شماره حساب ۳۶۱۱۷۱۰۰۴۳۴۴۹۳۷ بانک قرض الحسنه مهر ایران مؤسسه فرهنگی - هنری افق هزاره سوم کویر واریز و تصویر فیش پرداختی را از طریق سامانه ارسال فرمایند.

(مقالاتی که فاقد فیش واریزی هستند در اولویت چاپ قرار نخواهند گرفت.)